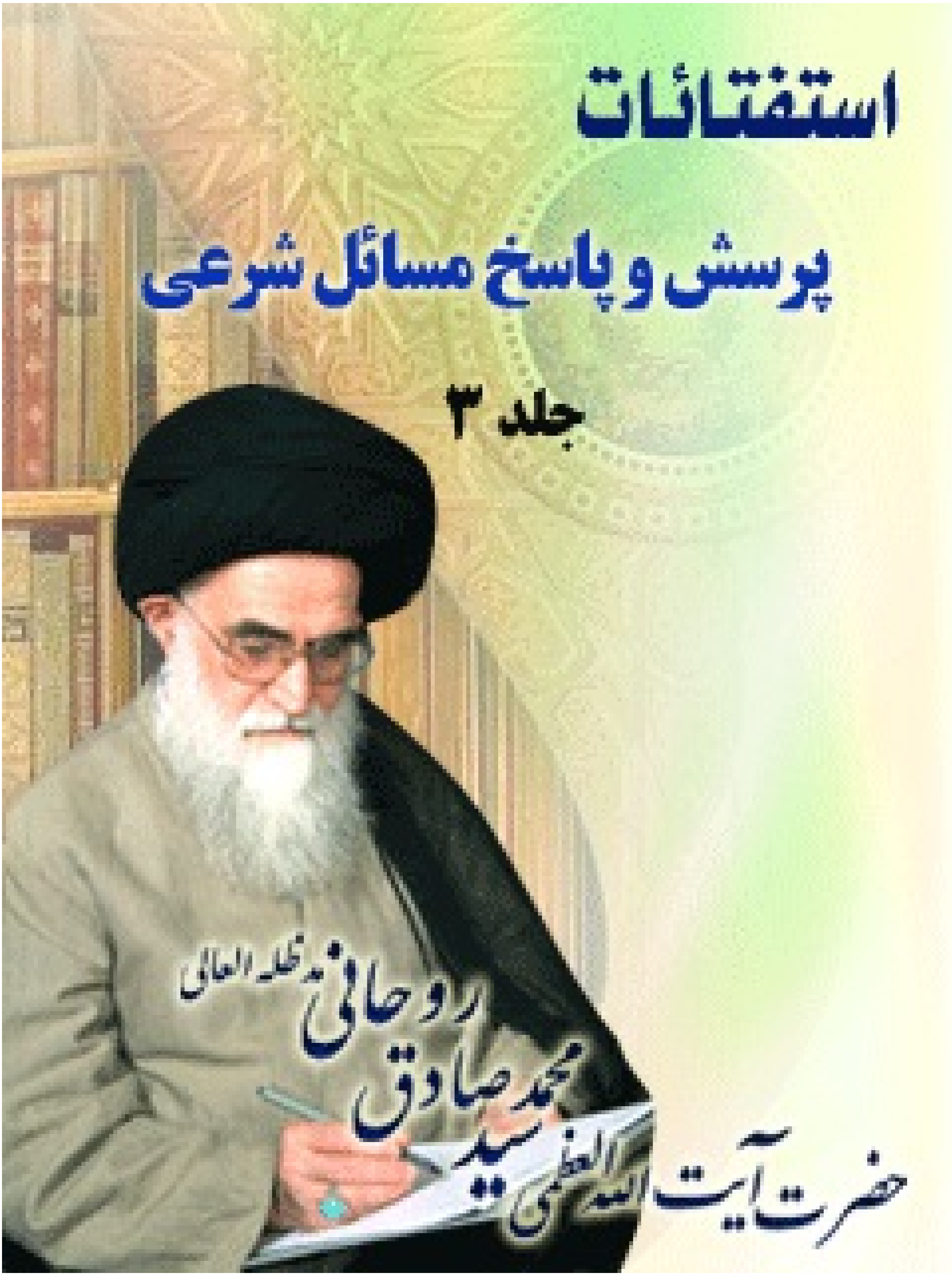

استفتائات
پرسش و پاسخ مسائل شرعی
جلد ۳
حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی جلد ۳ از:حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۳

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

اجتهاد و تقلید

س۱: آیا در مستحبات و مکروهات هم تقلید لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در مستحبات اگر بخواهید به عنوان مستحب بیاورد بلی. و نیز اگر نداند واجب است یا مستحب بلی باید تقلید کند. و همچنین در مکروهات والا خیر.

س۲: کسی که قدرت دارد بعضی از احکام را از مدارك آن را استنباط کند و نسبت به بعضی دیگر از احکام چنین قدرتی ندارد و نمی تواند استنباط کند، وظیفه او چیست؟

ج: هوالعالم، چنین شخصی مجتهد متجزی نامیده می شود پس در مسائلی که قدرت بر استنباط حکم شرعی دارد به فتوای خودش عمل کند در صورتی که نخواهد احتیاط کند و اما در غیر آن مسائل یا باید تقلید کند و یا به احتیاط عمل کند.

بقاء بر تقلید میت

س۳: با توجه به اینکه شیخ انصاری (ره) بقاء برت قلید میت مطلقا را اجازه نمیدهد، به چه مدرکی تقلید ابتدایی میت را در مستحبات اجازه میدهد؟

ج: هولاعالم، من فتوای شیخ (ره) را بر جایز بودن تقلید میت ابتداء در مستحبات را ندیدم و گمانم این است که فتوای او به این مطلب همانند فتوای سایر فقهاء است بر اینکه تقلید لازم نیست در مسائلی که علم به وجوب آنها یا حرمت آنها حاصل است و نیز در چیزی که حرمت آن معلوم نیست و آنرا ترك کند و انجام ندهد.

راههای شناخت مجتهد و اعلم

س۴: اگر اعلم بودن مجتهدی ثابت شود آیا به مجتهدین دیگر لازم است اعلمیت او را اعلام کنند؟

ج: هوالعالم، خیر، لازم نیست.

مرجعیت و ولایت فقیه

س۵: آیا از شخص مرجعی که ولایت فقیه را قبول ندارد، می توان تقلید نمود؟

ج: هوالعام، بلی می توان تقلید نمود.

س۶: اگر مرجع تقلید حکم تخریب مکان یا مقبره ای را صادر کند، دراین مورد وظیفه مردم چیست؟

ج: هوالعالم، به هر عملی که مجتهد عادل واجد شرایط حکم کند بر همه افراد واجب است اطاعت به وجوب کفائی

س۷: منصب و مقامی که فقیه جامع شرایط به کسی بدهد مثلا منصب قضاوت، تولیت موقوفه آیا با فوت آن فقیه از بین می رود یا خیر بلکه به قوت خود باقی است؟

ج: هوالعالم، چنانچه فقیه اجازه و اذن در تصرف در موقوفه را به کسی بدهد با موت فقیه اذن از بین می رود. ولی اگر منصب تولیت به او بدهد، با موت فقیه آن منصب باقی است از بین نمی رود

س۸:در مسئله ای که دو قول مخالف یا

بیشتر باشد، آیا همه آنها ولو بحسب ظاهر حکم الله ظاهری می باشند، در این صورت اجتماع تنقیضین نیست؟

ج: هوالعالم، یک نفر دو قول متناقض نمی گوید بلکه بعد از نقض و ابرام کثیر، یکی از اختیار می کند.

س۹: آیا تشکیل شورای فقهی بین مراجع نمی تواند حلال مشکل تناقض در مسئله قبل شود؟ و یا اینکه از نظر عقل و شرع تشکیل آن ممکن نیست؟ با وجود اینکه این امر در عصر حاضر به نظر یک ضرورت اجتماعی می رسد؟

ج: هوالعالم، درس های خارج همه اش برای حل مسائل شرعی است و با وجود آن درسها که فضلاء و مجتهدین شرکت می کنند و همه حق اظهار نظر دارند و تا مسئله حل نشود رد نمی شود، - احتیاجی به شورای فقها نیست. من خودم همانند بقیه مراجع پنجاه و پنج سال است از نجف برگشته ام و از اول درس خارج فقه و اصول گفته، جمعی از اساتید فعلی حوزه و بعضی مراجع، درس من آمده اند. هنوز هم که درس فقه می گویم چه درس و چه در جلساتی که هر روز در منزل داریم و فضلاء شرکت می کنند مسائل فقهی بحث می شود بنابراین چه احتیاجی به شورا می باشد.

احکام نجاسات

بول و غائط

س۱۰: فله حیواناتی همانند سوسک آیا پاکاست یا خیر؟

ج: هوالعالم بلی، پاک است

خون

س۱۱: آیا آن خونی که در روز عاشورا از درختی در قزوین بیرون می آید اک است یا نجس؟

ج: هوالعالم، پاک است.

حیوان نجاستخوار

س۱۲: اگر حیوان حلال گوشت نجاستخوار شود آیا گوشت، شیر، بول و غائط آن حیوان نجس است؟

ج: هوالعالم، خصوص بول و غائط جلال نجس است، و گوشت و شیر آن نجس نیست.

عرق جنب از حرام

س۱۳: کسی که از حرام جنب شده و پس از غسل، بدنش را با آب یا آب و صابون شسته آیا عرق او حکم عرق جنب از حرام است؟

ج: هوالعالم، عرق جنب از حرام نجس نیست، اگر هم نجس باشد در فرض سوال هیچ اشکال ندارد.

مسائل متفرقه نجاسات

س۱۴: آیا هوا نجس می شود؟ با اینکه هوا نیز جرم دارد؟

ج: هوالعالم، هوا نجس نمی شود.

س۱۵: اگر آب متنجس را تجزیه کنند، به نحوی که آب صاف در یکطرف قرار گیرد پاک می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، خیر پاک نمی شود.

س۱۶: در صورتی که از چاه دستشویی رطوبت بالا ـ زند و به دیوارهای اطاق و آشپزخانه نفوذ کند آیا این رطوبت نجس است؟

ج: هوالعالم، نجس نیست، ولی احتیاط به اجتناب خوب است

احکام مطهرات

بر طرف شدن عین نجاسات

س۱۷: اگر نجاستی از خارج به دهان برسد که کما اینکه دست آلوده به خون را به دهانش بزنند، چگونه دهانش را تطهیر کند؟

ج: هوالعالم، باطن دهان نجس نمی شود بازوال عین نجاست محکوم به طهارت است.

آب

س۱۸: اینکه فرمودید «پسر بچه ای که شیرخوار است، اگر لباس یا بدن به بول او نجس شود با یکبار شستن پاک می شود» آیا این حکم نسبت به پسر بچه ای که شیرخشک می خورد نیز جاری است؟

ج: هوالعالم، بعید است چون دلیل در خصوص شیر مادر است.

احکام وضو

کیفیت وضو گرفتن

س۱۹: اگر در وضو، بخواهد از سر انگشت کوچک پا، تا کعبین مسح کند آیا لازم است به شکل مورب باشد؟

ج: هوالعالم، خیر. لازم نیست موربا مسح کند چون کعبه قبه وسط قدم نیست.

س۲۰: در وضو گرفتن آیا جایز است با دست راست پای چپ را مسح کند؟

ج:هوالالم، خیر جایز نیست.

س۲۱: مسح کردن سر یا پاها، با پشت دست چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

شرایط وضو

س۲۲: آبی که در رفع خبث استفاده شده و بو و رنگ نجاست به خود نگرفته آیا می شود با آن وضو گرفت یا غسل کرد؟

ج: هوالعالم،آب مسعمل در رفع خبث نجس است، و اگر هم قائل به طهارت آن شویم اما وضو و غسل با آن صحیح نیست.

س۲۳: در صورتی که دو ظرف آب داریم یکی آب مطلق و یکی دیگر مضاف است و در ضمن حیوانی هم تشنه است و با یک ظرف آب رفع تشنگی از او می شود، وظیفه در وضو گرفتن چیست؟ آیا می شود یکی را به حیوان داد دیگری را وضو گرفت؟

ج: هوالعالم، چنانچه ممکن است در وضو با هر دو آب بگیرد وبقیه را برای رفع عطش بدهد متعین است، والاـ وضو مقدم است

س۲۴: اگر در مسجد وضو بگیریم جهت با طهارت بودن برای فعالیت های فرهنگی و غیره، ولی در مسجد نمازنخوانیم اشکالی دارد؟

ج: هواالعالم، چنانچه مقید نباشد که موقوفه برای نمازگذاران در مسجد است گرچه بعید است چنین قیدی اشکال ندارد.

س۲۵: آیا طهارت آب برای وضو شرط واقعی است یا ظاهری؟ و ثمره در قول چیست؟

ج: هوالعالم، شرط واقعی است و چنانچه معلوم شود نجس است معلوم می

شود وضو باطل است.

مس اسامی محترم

س۲۶: اگر اسمی از اسامی متبرکه با قلم کشیدن از بین برود و اثری از آن دیده نشود آیا میتوان بدون وضو به آن دست زد؟

ج: هوالعالم، دست زدن بدون وضو با محو اسم اشکال ندارد.

س۲۷: اسامی متبرکه اگر مجددا تبدیل به کاغذ شود چه صورت دارد؟ و بفرمایید اگر اسامی متبرکه به زمین افتاده و گل آلوده شده، و چه بسا امکان برداشتن نیست، وظیفه چیست؟

ج: هوالالم، بعد از محو اسم تبدیل به کاغذ و افتاده به زمین و گل آلود شدن هیچ گونه اشکالی ندارد.

احکام موجبات غسل

جنابت

س۲۸: زنی که جنب بوده و غسل جنابت را فراموش کرده و با این حال مدتی نماز خوانده، و در همین اثناء هم غسل حیض نموده است بفرمایید وظیفه او نسبت به نمازهایی که در این مدت خوانده چیست؟

ج: هوالعالم، آنچه که بعد از غسل حیض خوانده صحیح است.

حیض

س۲۹: خانمی بعد از پنج روز از ایام عادتش پاک شده و غسل حیض کرده، سپس روز هشتم یک قطره خون می بیند برای این خون چه حکمی دارد؟ و اگر بعد از روز دهم باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه قبل از ده روز پاک شود خونی که دیده و ایام قبل از آن حیض است، اگر تجاوز از ده روز شود حیض نیست بلکه استحاضه است

س۳۰: جماع کردن با زنی که از حیض پاک شده ولی غسل نکرده است چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، با شستن فرج جایز است. ولی بهتر است بعد از غسل باشد.

س۳۱: حد حایض و نفساء آیا قضای روزه ماه رمضان واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است

س۳۲: جماع کردن در روزهای پایانی عادت ماهیانه چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه موارد بسیاری این عمل واقع شده و

تعدا آن فراموش شده؟

ج: هوالعالم، چهار و نخود و نیم طلا کفاره باید بدهند برای هر دفعه جماع.

س۳۳: هر گاه خون حیض مشتبه به خون بکارت شود شناختن آن به چه طریق است؟

ج: هوالعالم، باید خود را وارسی کند یعنی مقداری پنبه را داخل فرج کند و کمی صبر نماید و بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد خون بکارت است، و اگر به همه آن رسیده باشد حیض

می باشد.

استحاضه

س۳۴: جماع کردن با زنی که در حال استحاضه است چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه به وظائف مستحاضه عمل کند جایز است.

احکام غسل

س۳۵: کسانیکه به علت کمر درد مجبورند مشمع به کمر بچسبانند و برای خوب شدن لازم است چند روزی به این حال بگذرد، با اینکه مشمع مانع رسید آب به بدن می شود وظیفه آنها برای غسل چیست؟ آیا اعمالشان با غسل جبیره ای صحیح است یا بعد از برطرف شدن عذر قضا نمایند؟

ج: هوالعالم، چنانچه برداشتن مشمع و غسل کردن بی ضرر باشد باید چنین عمل کنند و الا اگر همان نحو غسل کنند و تیمم نیز نمایند رفع اشکال می شود و قضاء لازم نیست.

س۳۶: آیا در غسل، می شود غسل دیگر را اقدام کرد؟

ج: هوالعالم، بلی، می شود چند غسل را قصد کند با اتیان به غسل واحد

احکام تیمم

س۳۷: مسافری که جنب است اگر بخواهد برای نماز غسل جنابت کند، ماشین یا قطار حرکت می کند آیا می تواند در چنین موردی با وجود آب، تیمم کند؟

ج: هوالعالم، تنها وجود آب کافی نیست بلکه باید مانعی از استعمال هم نباشد و در فرض سوال مانع موجود است، پس تکلیف مبدل می شود به تیمم.

س۳۸: در صورتی که علم اجمالی است بر اینکه یا آب نجس است یا خاک، بفرمایید وظیفه برای نماز چیست؟ وضو و تیمم هر دو را انجام دهد یا به یکی اکتفاء کند؟

ج: هوالعالم، جمع بین وضو و تیمم کند، اول تیمم کند به نحوی که خاک به صورت و دست ها نچسبد بعد وضو بگیرد و مواضع وضو را خشک کند. بااین کیفیت عمل به وظیفه طهارت حدثی نموده است و از حیث نجاست هم بدن (چون) ملاقی شبه محصوره است پاک است.

احکام میت

س۳۹: دعا یا قرآن بر کفن نوشتن با اینکه بدن میت در قبر متلاشی می شود چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰: آیا کفن کردن زن بر شوهر واجب است یا تنها کفن دادن واجب است؟

ج: هوالعالم، کفن دادن که واجب است، اگر کسی نباشد قهرا کفن کردن هم واجب است و الا واجب کفایی است.

س۴۱: اگر زن وصیت کند که با این کفن تهیه شده، شوهرش او را کفن کند آیا وصیت او مقدم است بر کفن دادن شوهر یا خیر؟

ج: هوالعالم، عمل به وصیت مقدم نیست، بل اگر عمل به آن شود قهرا از شوهر ساقط می شود.

نماز میت

س۴۲: اضافه کردن تصدیق به ولایت حضرت امیرالمومنین (ص) و حضرات اهل بیت معصومین (ع) در

دعای تکبیر اول نماز میت به قصد رجاء چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۳: اضافه کردن جمله «و الائمه الهداه المهدیین» بعد از «وصل علی جمیع الانبیاء و المرسلین» در دعای تکبیر دوم نماز میت به صد رجاء چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

تشییع جنازه

س۴۴: شرکت خانم ها در تشییع جنازه و نماز میت چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

دفن میت

س۴۵: اگر کسی وصیت کند جنازه اش را در قبرستان بقیع مدینه منوره دفن کنند و به علت بسته بودن راه، امکان انتقال جنازه به آنجا نباشد چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، در صورت امکان جنازه اش را امانت بگذارند بلکه اگر دفن هم بکنند همین حکم را دارد، اگر راه باز شد ببرند مدینه و الا همینجا دفن کنند.

س۴۶: بفرمایید اینکه علماء فرموده اند: دفن نودن دو وصیت در یک قبر مکروه است کدام یک از موارد ذیل را شامل می شود:

الف) دو میت را کنار هم در یک قبر دفن کردن ب) دفن نمودن در قبری که سابقا میت دیگری دفن شده ولکن اکنون به کلی از بین رفته ج) آنچه که امروزه در بعضی قبرستانها معمول است که قبرها دو طبقه یا بیشتر می باشند.

ج: هوالعالم، اگر دو میت را به تدریج در یک قبر دفن نمایند قبل از آنکه اولی از بین رفته باشد جایز نیست چون مستلزم نبش قبر است، ولی بعد از آنکه به کلی از بین رفت جائز است و مکروه هم نیست، ولی دو میت را دفعه دفن کردن مکروه است و در دو طبقه کراهت ندارد.

س۴۷: اگر شخصی وصیت نمود که جنازه مرا به عتبات مقدسه ببرید و آنجا دفن کنید لکن راه بسته باشد آیا می شود جنازه را تکه تکه کرد و بهنحوی منتقل کرد؟

ج: هوالعالم، تکه کردن جایز نیست.

س۴۸: آیا بر شوهر خریدن قبر برای زن فوت شده اشت، واجب است یا نه؟

ج: هوالعالم، ظاهرا واجب نیست، ولی

چون فقهاء فتوی به وجوب داده اند احتیاط ترک نشود.

مستحبات بعد از دفن

س۴۹: بفرمایید آیا تلقین میثت را می شود به هر زبانی گفت در صورتی که میثت زبان عربی نمی فهمد؟

ج: هوالعالم، در روایات چیزی نیافتم، ولی چون تلقین در دو یا سه مورد وارد شده است و اولی در حال احتضار است دعاها باید به عربی باشد ولی تعلیم باید بالسانی باشد که بفهمد، و لذا فقها نوشته اند بهتر این است که تلقین هم عرب بیاشد و هم بالسان میت.

س۵۰: بعد از دفن میت، پاشیدن آب بر قبر مستحب است، آیا این استحباب منحصر به همان دقت دفن است یا اینکه در زمانهای بعد هم استمرار دارد؟

ج: هوالعالم، از بعضی روایات، جعی از فقهاء استفاده استمرار نموده اند ولی قدر متیقن بعد از دفن است.

س۵۱: در شب اول یکه میت را دفن کرده اند آیا بیتوته کردن بر قبر او و دعا و قرآن برای او خواند، استحباب دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی استحباب دارد چون در آن شب میت خیلی متوحش است و تنها امید او به آنهایی است که بر سر قبر قرآن و دعا می خوانند، خیال می کنم اگر تا هفته ادامه دهند بهتر است.

س۵۲: بفرمایید زیارت اهل قبور در چه اوقاتی فضیلت بیشتری دارد؟

ج: هوالعالم، برای زیارت اهل قبور، دوشنبه و پنجشنبه و جمعه بهترین اوقات است.

مجلس ترمیم

س۵۳: رسوم است که مراسماتی از قبیل هفتم، چهلم، سالگرد و... از طرف اولیای میت واگذار می گردد بفرمایید آیا نفس چنین مراسماتی استحباب دارد و آیا روایتی وارد شده است یا خیر؟

ج: هوالعالم، احتیاجی به ورود دلیل خاصی نیست، مطلقا تشکیل مجلس فاتحه و تعزیه ماموریه است، خصوصیات هم تابع عادات

عرف محل است. به علاوه در آن مجالس کارهایی که انجام داده می شود همه اش از مستحبات است.

س۵۴: در مجالس ترمیم مرسوم است فردی را جهت قرائت قرآن و روضه خوانی دعوت می نمایند که در اصطلاح به آن «عشرخوان» گویند و با توجه به اینکه امرار معاش این افراد از همین طریق عشر خوانی تامین می شود بفرمایید:

الف) این کار عشر خوانی و دعوت عشر خوان فی نفسه چه وجهی دارد؟ آیا شرعا حلال است؟

ج: هوالعالم، هر دو عمل عشر خوانی و دعوت عشر خوان حلال است و هیچ اشکالی ندارد.

س۵۵: اگرر بدون ذکر قیمت، جهت مدیریت این جلسه، خودبانی، مبلغی به عشر خوان بدهد و او نیز راضی شود چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم حلال و طیب است.

س۵۶: اگر عشرخوان برای کارش مبلغی تعیین کند و به کمتر از آن نپذیرد، این قرارداد و پرداخت پول، شرعا چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اجیر شدن بر عشر خوانی و تعیین قیمت هر دو جایز است بنابراین دادن پول بعد از تعیین و خواند، لازم است و حلال.

نبش قبر

س۵۷: در قبرهایی که به صورت طبقاتی هستند آبا می شود از طبقه پایین مثل طبقه دوم یا سوم میتی را از قبر بیرون آورند و به عتبات عالیات منتقل کنند؟

ج: بلی، خصوص در مورد وصیت، ولی بیرون آوردن در طبقه زیری باید به نحوی باشد که موجب نبش قبر طبقه فوقانی نگردد.

س۵۸: طبق وصیت پدرمان، او را بعد از فوت کنار قبر برادرش در یکی از دهات شهرستان... دفن کردیم، اما حالا به جهت اینکه آن ده دور است و نمی توانیم به

سر قبر او برویم، تصمیم داریم قبر را نبش کنیم و پدرمان را به قم منتقل کنیم، تقاضا می شود بفرمایید اولا: با توجه به اینکه ایشان در زمان حیات میل داشتند در قم دفن شوند آیا از نظر شرعی مجاز هستیم قبر پدر و عمویمان را نبش کنیم و آنها را به قم بیاوریم؟

ج: هوالعالم، در صورتی که مطمئن هستید که بوی بد ندارد که موجب هتک حرمت میت بشود مانعی ندارد که نبش کنید و منتقل به قم نمایید.

ثانیا: اگر قبر پدر و عمویمان را نبش کردیم آیا لازم است هر دو را کنار هم دفن کنیم یا نه؟

ج: هوالعالم، لازم نیست.

س۵۹: امروزه قبرهای مردگان گذشته را باز می کنند و مرده دیگر در آن دفن می کنند و چه بسا برای آن قبرها به مدت سی تا چهل سال گذشته است، آیا این نبش قبر جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، نبش قبر در سال های اوایل جایز نیست و مکروه است دفن مرده دیگر در آن قبر.

پول گرفتن برای قبر

س۶۰: مسئولین بعضی از قبرستان ها می گویند چونکه قبرستان زمینش وقفی است و نمی توان فروخت پس پولی که دریافت می شود بابت واگذاری قبر، تنها به عنوان حق اولویت است نه به عنوان فروش، آیا این نظر درست است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در قبرستان وقفی نمی شود زمین آن را فروخت ولی پول به عنوان اجرت عمل مانعی ندارد بگیرند و به عنوان حق اولویت هم مانعی ندارد.

احکام نماز

آمادگی و حضور قلب

س۶۱: برای تمرکز فکر و حضور قلب در نماز چه توصیه ای می فرمایید؟

ج: هوالعالم، توجه به خدا و فطرت او.

توشه دنیا و آخرت

س۶۲: خواهشمند است ما را و خانواده های ما را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، شخصی از رسول خدا (ص) چنین تقاضایی کرد، حضرت فرمود: «مقید به نماز اول وقت باشید». وفقکم الله تعالی ارضاته.

مکان نمازگذار

س۶۳:نمازخواندن درمنزل پدر ومادر، برادر وخواهر، عمو وعمه، دایی وخاله ودوست، بدون اذن جایز است یاخیر؟

ج: هوالعالم، اگر برفرض جایز باشد درصورت جهل به رضایت است وبا علم به عدم رضایت جایز نیست .

س۶۴: بهترین مکان عبادت ونماز خواندن، برای زنان کجامی باشد؟

ج: هوالعالم، خانه او.

س۶۵:طبق روایت ((مسجد المراه بیتها)) که نماز زن درمنزل افضل از جای دیگر است بفرمایید آیا این روایت شامل می شود موردی را که زن درحرم باشد نماز جماعت برقرار شود. ؟

ج: هوالعالم، بلی، روایت عام است

س۶۶: از روایات استفاده می شود استحباب زیارت پیامبر اکرم وامامان وامام زادگان وباتوجه به روایت ((مسجد المراه بیتها))بفرمایید آیا استحباب زیارت پیامبر وامامان وامام زادگان برای زنها هم هست یانه؟

ج: هوالعالم، بلی هست، ولی نماز در خانه ثوابش بیشتر است از نماز درمسجد.

ترتیب بین نماز ظهر و عصر

س۶۷:شخصی که نماز ظهر را خوانده، بعد از شروع درنماز عصر، یقین حاصل کرد که نماز ظهرش باطل بوده است در این صورت چه وظیفه ای دارد ؟ چه اینکه بین دو نماز مطلبی بجا آورده باشد وچه مبطل بجا نیاورده باشد؟

ج: هوالعالم،وظیفه او آن است که در نیت عدول کند به نماز ظهر وبه آن عنوان تمام کند بعد نماز عصر بخواند،... وفرقی بین دو مورد ذکر شده نیست.

تکبیره الاحرام

س۶۸:بفرمایید درنماز فریضه بعد از گفتن تکبیره الاحرام این کلمات را خواندن کما اینکه شیخ مفید (ره)، شیخ صدوق (ره) وشیخ طوسی (ره) بیان فرموده اند از نظر جنابعالی چه صورت دارد؟ وآن کلمات عبارت است از ((وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما علی مله ابراهیم ودین محمد وولایت علی امیر المومنین علیهم السلام ومالنا من المشرکین)).

ج: هوالعالم، ادعیه ای که درنماز بعد از تکبیره الاحرام وقبل از آن، خوانده می شود درکتب فتاوی از جمله عروه الوثقی نقل شده است وچون از حضرات معصومین علیهم السلام است هیچ حرفی نیست. اما زیادی بر آنها که روایتی متضمن آن نباشد به قصد ورود تشریع است، وبه قصد مطلق دعا وذکر قبل از تکبیره الاحرام جائز است، وبعد از تکبیره الاحرام چنانچه صدق ذکر ودعا بکند همین حکم را دارد والا مبطل نماز است .

قیام

س۶۹: اگر کسی به خاطر عذری همانند پادرد وکمر درد نمی تواند ایستاده نماز بخواند وبر صندلی نشسته نماز می خواند وروی میز سجده می کند آیا بعد از اینکه عذرش برطرف شد وخوب شد لازم است نمازهایش را قضا کند یانه؟

ج: هوالعالم، قضاء لازم نیست .

قرائت

س۷۰: اگر تنوین ونون ساکن به کلمه ای که بایکی از حروف (یرملون) شروع می شود برسد آیابه نظرمبارک شما اوغام واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، واجب نیست

س۷۱: اگر نمازگزار بعد ازخواندن سوره حمد شک کرد که آیا فلان آیه از سوره حمد را قرائت نموده یانه، بفرمایید قاعده تجاوز جاری می شود یاخیر؟

ج: هوالعالم، بلی، قاعده تجاوز جاری است.

س۷۲:اگر برای نماگزار قبل از رسیدن به حد رکوع، ظن قوی به غلط بودن آیه یا کلمه ای از قرائت حمد، حاصل شود آیا حکمش حکم شک است یااینکه حکم شک نیست وباید درمورد ظن به غلط، دومرتبه بخواند؟

ج: هوالعالم، حکم شک ندارد بکله باید دو مرتبه خوانده شود .

س۷۳: در فرض سؤال قبلی، اگر یقین به غلط بودن آیه یاکلمه ای از حمد حاصل شود وظیفه چیست؟

ج: هوالعالم، لازم است آیه تکرار شود.

س۷۴: درفرض دو سؤال سابق، در دو صورت ظن قوی یایقین به غلط بودن آیه یا کلمه ای از حمد، اگر آیه تکرار شود بفرمایید برای زیاد شدن مابقی حمد وسوره بعد از آن واحیانا قنوت، سجده سهو لازم است یاخیر؟

ج: هوالعالم، سجده سهو لازم نیست.

قنوت

س۷۵: درقنوت نماز واجب آیامی توان به زبان غیر عربی از خداوند متعال حاجت خواست؟

ج: هوالعالم، خلاف احتیاط لزومی است

سجود

س۷۶:نماز گزاری که میتواند ایستاده نماز بخواند وطبق معمول رکوع نماید لکن نمی توان بنشیند ومواضع سبعه را به زمین بگذارد وسجده نماید بفرمایید جرای انجام سجده وظیفه اش چیست آیا درحال ایستاده برای سجده ایماء نماید یا بر صندلی نشسته وبر روی میز جلواش مهر بگذارد وسجده نماید ودستها رانیز به میز قرار دهد؟

ج: هوالعالم، درحال ایستاده، پس ازرکوع، سجده را به نحو ایماء انجام دهد و گذاشتن مهر هم به پیشانی لازم نیست، البته ضرر هم ندارد.

س۷۷: کسی که بعلت مریضی نمیتواند طبق معمول سجده کند وبر صندلی نشسته، روی میز مقابلش مهر قرار داده سجده میکند آیابعد از خوب شدن، لازم است نمازهایش را قضا نماید ؟

ج: هوالعالم، قضا لازم نیست

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

س۷۸: سجده بر انواع کاغذ (سفید، رنگی، روغنی، پوستر، دستمال کاغذی ،قوطی کبریت) ونیز بر پوست میوه جات ازجمله سیب، پرتقال، هنداونه، گردو،نارگیل وخرزه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کاغذی که بدانید متخذ است ازما یصح السجود علیه، جائز است سجده بر آن ولا احوط ترک سجده برآن است.وسجده بر پوست میوه جات جائز است ولی درخصوص خیار وسیب جائز نیست چون آنهاخوراکی است

تشهد

س۷۹: تربت های فعلی که ازکربلا می آورند آیا حکم تربت داخل حایر را دارد؟

ج: هوالعالم، برای خوردن خیر چون موضوع طین قبر الحسین علیه السلام است، ولی برای نماز بلی.

س۸۰:حدد حایر حسینی از کجا تاکجا است لطفا بیان فرمایید ؟

ج: هوالعالم، روایات مختلف است متیقن روضه مقدسه است که مبدااولی محلی که بعد از در رواق است.

س۸۱:مهر کربلا به چاه دستشوئی افتاده وبیرون آوردنش امکان پذیر نیست بفرمایید اگر مستهلك شود چه حکمی دارد واگر مستهلك نشود، تخلیه چاه لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در صورت استهلاك هیچ اشکالی ندراد وتخلیه چاه هم مورد ندارد، ودر صورت عدم استهلاك چنانچه ممکن است با تخلیه مهر را بیرون آورد، خوب است و الا اثر ندارد.

س۸۲: در مسافر خانه ها وخانه های کربلا که درحریم حسینی قرار دارند دستشویی وتوالت درست کرده اند خاک زمین آنها بامهر چه فرقی دارد؟

ج: هوالعالم، سیره متشرعه وعمل علماء وفقهاء دال است بر جواز، فارق بین آن دو همین است.

تشهد

س۸۳:گفتن عبارت ((وعجل فرجهم)) بعد از صلوات در تشهد نماز واجب یا مستجب به چه قصدی، جائز است، به قصد ورود، به قصد دعا، به قصد رجاء؟

ج: هوالعالم، به قصد دعا.

سلام

س۸۴:درنماز واجب، درسلام بعد از ((السلام علیک ایها النبی ورحمه الله وبرکاته)) خواندن ((السلام علی الائمه الهادین المهدیین))چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، السلام علی الائمه الهادین المهدیین، دلیل مخصوص ندارد چنانچه بخواهند اظهار ارادت به ائمه کنند به آن نحوی که درعروه الوثقی ذکرشده است که در السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین قصد تحیه حقیقه نکنند بلکه خطور به بال باشد انبیاء وائمه وحفظه خوب است

تعقیب نماز

س۸۵:بعضی از هیئت هایی که در مسجد مافعالیت می کنند بعد از ذکر صلوات وعجل فرجهم، می گویند ((یاعلی)) بفرمایید چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، من دراین جمله احتمال خلاف نمی بینم، کلمه ((یاعلی))برای مشکل گشائی بسیار مؤثر است

س۸۶: در بعضی از هیئت ها بعد از اینکه نام مقدس حضرت علی علیه السلام برده می شود حضار می گویند ((هو)) این عمل چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، کلمه فی نفسه اگر شعار صوفیگری غیر صالح نباشد - عیب ندارد به شرط رمز شرک هم نباشد.

مبطلات نماز

س۸۷:اگرنمازگزار در حال نماز به ساعت مچی نگاه کند یا به شخصی اشاره کند ویا پیراهن وشلوارش ر از تنش بیرون آوردآیا موجب بطلان نماز می شود یانه، آیا مکروه است یا نه؟

ج: هوالعـالم، چنـانچه فعـل کثیر نباشـد وبـا صورت نماز عرفا منافی نباشـد حرام نیست وموجب بطلان نمی شود، ولی هر فعلی درنماز که موجب عدم توجه کامل باشد مکروه است.

س۸۸: درحال نماز خواندن دعای ((اللهم انی اسـئلك بحق فاطمه وابیها وبعلها وبینهاوالسـر السمتودع فیها)) چگونه است؟ ونیز نـام بردن انبیـاء یـا چهـارده معصوم در حال نماز چگونه است؟ وبفرماییـد سـلام کردن بر انبیاء یا چهارده معصوم دربین نماز با خواندن همانند زیارت عاشورا ودعای توسل چه حکمی دارد ؟

ج: هوالعالم، اگر ذکر ودعا ماننـد ((اللهم انی اسـئلك...))باشد اشـکال ندارد. واگر اسم انبیاء یا ائمه علیهم السـلام را ببرد ودر سلام به آنان قصـد دعاءبالسـلامه داشـته باشد اشـکال ندارد، ونیز بردن اسم نیتی که در قرآن است به قصد قرآنیت جایز است، واما غیر اینها جائز نیست.

شکیات نماز

س۸۹:بفرمایید اگر نمازگزار در حال جلوس شک کند که جلوس بعد از سجده اول است یا جلوس بعد ازنماز، چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، باید بنا بگذارد که جلوس بعد از سجده اول است

س۹۰:اگر بعد ازنماز عصر شك کند که آیا نماز ظهر راخوانده یا خیر؟ وظیفه چیست واگر در بین نماز عصر شك کند چی؟

ج: هوالعالم،اگر بعد از نماز عصـر شك کند در خواندن نماز ظهر، اعتناء به شك نکند اگر در اثناء نماز عصـر شك کند باید عدول کند به ظهر وبعد نماز عصر را بخواند

س۹۱:اگرشخصی در حال

قرائت نماز فراموش کند که چه نمازی می خواند وحمد وسوره را به حال شک ادامه می دهد تا اینکه بعداز حمد متوجه می شود که چه نمازی بودهواحتیاطا حمد وسوره را تکرار می کند، لطفا بفرمایید:

اولاخواندن حمد باحالت شک در اینکه چه نمازی است چه صورتی دارد؟

ثانیاتکرار حمد حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، خواندن حمد در حال شک اگر به قصد قرآن باشد اشکال ندارد، بنابراین بعد از توجه به آن نماز خاص باید حمد را دو مرتبه بخواند

س۹۲: اگر نمازگزار شک کند بین رکعت اول ودوم وبا حالت شک نمازش را ادامه می دهد واز طرفی هم قصد می کند نمازش را بشکند چون شک بین یک ودو باطل است ولی قبل از شکستن نماز یادش آید که در چه رکعتی است بفرمایید آیانماز او صحیح است؟ ج: هوالعالم، چنانچه ادامه نماز به قصد امر جز می باشد نماز باطل است واگر به قصد احتمال امر باشد ظاهرا نماز صحیح است، ولی مراعات احتیاط اولی است

س۹۳:کسی که درنماز چهاررکعتی بین رکعت دو وسه شک دارد ونیز شک دارد که حدوث شک بعداز اکمال سجدتین بوده یانه؟ نمازش چه حکمی دارد ؟

ج: هوالعالم،نمازش باطل نیست وصحیح است چنانچه شک بعد از دخول در فعل دیگر یا رکعت دیگر باشد

س۹۴:حکم شک بین سه وچهار وپنج در غیر ازحال ایستاده مثلا در حالی که نشسته، درحال رفتن به سجده، در سجده اول یا دوم، وبعداز سجدتین در رساله عملیه نیامده است، تقاضا می شود بیان فرمائید؟

ج: هوالعالم، به نظرمن نماز باطل می شود، چون شک ذکر شده مرکب

از سه شک است یکی از آنها شک بین سه وپنج است که اگر در حال قیام نباشد نماز را باطل می کند.

س۹۵: کسی که برایش در نماز شک بین دو وچهار پیدا شد وبعد ازنماز مشغول دو رکعت نماز احتیاط شد، در حال نماز احتیاط شک قبلی او منقلب شد به سه وچهار، بفرمایید آیا یک رکعت نماز احتیاط دیگر لازم است یا خیر؟

ج: هوالعالم، ظاهراً لازم نیست چون سک اول از بین رفته وشک دوم شک بعد از فراغ است ومورد قاعده فراغ

س۹۶:شخصی که برای حفظ عدد رکعات از نشانه ای استفاده می کند ولی نه تنها وجود نشانه شک او را بر طرف نمی کند بکله گاهی شک می کند که از نشانه درست استفاده کرده یانه، حکم شک های او چیست، آیا تنها اعتماد به نشانه کند وبه شکش اعتناء نکند؟

ج: هوالعالم، چنین شخصی یقیناً کثیر الشک است نباید اعتناء کند به شکش.

س۹۷:شخصی که درنماز کثیر الشک است وبرای حفظ عدد رکعات ازنشانه ای استفاده می کند، آیا به نشانه اعتماد کند یا به حکم کثیر الشک عمل کند ؟

ج: هوالعالم، بید به حکم کثیر الشک عمل کند .

س۹۸:کسی که کثیر الشک است آیا به کثیر النسیان در موضوع ویادر حکم فرق دارد؟

ج: هوالعالم،بلی فرق دارند، کثیر النسیان غیر حکم ناسی حکمی ندارد.

س۹۹:شخصی که وظیفه اش یک رکعت نماز احتیاط است به علت شک بین سه وچهار لکن بعد ازنماز، فراموش می کند نماز احتیاط بخواند وبعد از تسبیح حضرت زهرا(سلام الله علیها) یادش می آید و فورا نماز احتیاط را می خواند آیا

کفایت می کند یا نمازش را اعاده کند؟

ج: هوالعالم، کفایت می کند.

سجده سهو

س۱۰۰:تکبیر گفتن برای سجده سهو چگونه است ؟آیا شرط است ولازم یا مستحب یاجایز ؟

ج: هوالعالم، مشروعیت تکبیر بر غیر امام معلوم نیست، واجب یقینا نیست، بنابراین اگر خواست بگوید به قصد رجاء مطلوبیت بگوید

س۱۰۱: اگر شخصی سهوا در سجده سهو، ذکر سجده نماز را بگوید وبعد از سر برداشتن از سجده یادش بیاید حکمش چیست ؟

ج: هوالعالم، وجوب ذکر در سجده سهو مبنی بر احتیاط است. ولکن بر تقدیر وجوب، ذکر سجده نماز کافی نیست باید ذکر مخصوص بخواند.

نمازشب

س۱۰۲:نسبت به چهل مؤمن که درنماز وتر دعا می شوند آیا دلیل یاعرفی وجود دارد بر ترجیح وتقدیم مؤمن متدین بر غیر متدین؟ مرد برزن؟

ج: هوالعالم، اینجا مورد مراجعه به دلیل عقلی وعرفی نیست بلکه متعین رجوع به دلیل شرعی است که روائی است که شیخ طوسی در مصباح المتهجد آورده ((ثم ید عولا‌خوانه المؤمنین ویستحب آن یذکر اربعین نفسا(رجلا) فجازا علیهم)) وبه مقتضای اطلاق روایت فرقی بین متدین وغیرمتدین نیست، گرچه صریح روایت اختصاص دعا به امت وغیر مؤمن را شمال نمی شود.

واما در مورد مرد وزن، نسخه های روایت مختلف است مفاء بعضی از نسخ اختصاص دعا به مرد امت ومفاء بعضی زا نسخ دیگر اطلاق وعدم فرق بین مرد وزن است.

نماز مسافر

س۱۰۳:کسی که به صورت غیر طبیعی طی مسافت کند مثلا زمین زیر پایش بچرخد یا باطی الارض حرکت کند وبه جایی برود که مسافت شرعی است آیا نمازش شکسته می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، شکسته نمی شود چون صدق مسافر نمی کند .

س۱۰۴:حکم نماز وروزه کسانی که هرروز یا هفته ای یک روز ویا ده روز یکبار مسافرت می کنند امثال طلاب، دانشجویان، سربازان، کارمندان، اساتید، خلبانانو... چگونه می باشد؟

ج: هوالعالم،هرکسی که در سفر نماز تمام باید بخواند چنانچه در جائی ده روز بماند برای سفر اول باید شکسته بخواند،واگر کمتر از ده روز بماند خلبان وراننده نمارشان تمام است وروزه آنها صحیح است، اما نسبت به دیگران من احتیاط می کنم مرجع دیگری رجوع شود

س۱۰۵:کسی که شغلش سفر است همانند راننده کامیون، اگر در سفرش یک روز یا دوروز به دیدار فامیل برود ویامکان زیارتی

توقف کند آیا به وظیفه سفر همیشگی اش ضرر می رساند یا خیر ؟

ج: هوالعالم،چنانچه در همان سفرکار، چنین می کند مضر نیست .

س۱۰۶:بفرمایید آیا تحصیل کردن شغل است یانه ؟

ج: هوالعالم،بلی شغل است .

س۱۰۷:اشخاصی که شغلشان هم در سفر است و هم در حضر، بفرمایید تکلیف نمازشان در سفر چیست؟ و اگر چنانچه نمازشان در سفر تمام است در بین راه چه وظفه ای دارند؟

ج: هوالعالم،در سفر نمازشان تمام است و در بین راه هم چون سفر شغلی است تمام باید بخوانند.

س۱۰۸:اگر صاحب ماشین احتمال بدهد و یا بداند مسافر برای کار حرامی سفر می کند آیا سوار کردنش جایز است؟ و کرایه گرفتن چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، چون سوار کردن علت تامه فعل حرام نیست جائز است و گرایه دریافتی هم حلال است.

س۱۰۹: مسافری که در محلی به مدت ده روز اقامت کرده آیا می تواند برای یکی، دو ساعت، از آنجا به کمتر از مسافت شرعی بیرون رود؟

ج: هوالعالم، چنانچه از اول صقصد بیرون رفتن نداشته باشد بیرون رفتن حتی شب هم بیرون باشد مضر به قصد اقامت نیست.

س۱۱۰: مریضی که بیهوش است او را از شهری به شهر دیگر منتقل می کنند. چنانچه مریض به هوش آمد با توجه به اینکه قدص سفر نداشته، حکم نماز و روزه اش چیست؟ قصر است یا تمام؟ و در حال برگشتن از آنجا چطور؟

ج: هوالعالم، چنانچه سفر به حد مسافت باشد بلی، وظیفه اش قصر است، چون شرط سیر موجب قصر، اختیاری بودن نیست.

س۱۱۱: چنانچه مبدا و مقصد سفر مسافر مسافت شرعی نباشد ولی مسافر در بین راه با نیت قبلی، به سمت

راست یا چپ جاده مسافتی را طی کند و بعد برگردد به جاده اصـلی و ادامه راه خود بدهد پس مجموع راه اصلی و انحرافی به حد مسافت شرعی گردد ال بفرمایید این سفر با انضمام راه انحرافی مسافت شرعی می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی (نماز شکسته است چون) میزان در قصر بعد از وطن نیست بلکه میزان سیر است.

وطن

س۱۱۲: آیا انسان می تواند در وطن برای خود اختیار کند یا نه؟

ج: هوالعالم، دو وطن بلی، که بنا داشته باشد در هر کدام از دو محل شش ماه به قصد توطن بماند.

س۱۱۳: شخصی که از محل زادگاهش به شهر دیگری رفته و زندگی می کند و نمی خواهد دوباره به بادگاهش برگردد لکن در آنجا سـهمی از منزل ارثی پـدرش را مالك است بفرمایید حکم نماز و روزه اش در محل زادگاه در صورتی که قصد اقامه ده روز نکند چیست؟

ج: هوالعـالم، مادامیکه اعراض نکرده است و احتمال می دهـد بعـدا برای زنـدگی به آنجا برگردد نماز او تمام است و روزه را هم باید بگیرد ولو قصد اقامه ده روز نکند، و ملك داشتن هم شرط نیست.

نماز قضاء

س۱۱۴:زنی که جنب بوده و غسـل جنابت را فراموش کرده و با این حال مـدتی نماز خوانـده، و در همین اثناء هم غسل حیض نموده است بفرمایید: وظیفه او نسبت به نمازهایی که در این مدت خوانده چیست؟

ج: هوالعالم، آنچه که بعد از غسل حیض خوانه صحیح است.

س۱۱۵:دختری هسـتم که چندین سال بعد از سن تکلیف دست به خود ارضائی زده ام و چون مسـئله را نمی دانستم در اینچند سال بدون غسل نماز و روزه

ام را بجا آوردم تا اینکه چند روز پیش که به مجلس روضه رفتم آخوندی پیرامون همین مطلب مسئله میگ فت، یکه خوردم و فهمیدم نماز و روزه های من اشکال داشتند حال از جنابعالی می پرسم با اینکار قبیح و اشتباهی که از روی بی عقلی کرده مام، تکلیف این همه سال از نماز و روزه ام چیست؟ چه مقدار لازم است؟ و آیا کفاره هم دارد؟

ج: هوالعالم، روزه هایتان قضاء و کفاره ندار، و اما نمازها، اگر با خود ارضائی نی خارج شده باشد باید آنها را قضاء کنید. و اگر منی خارج نشده باشد آنها هم قضاء ندارد، و به هر حال اگر غسل حیض کرده باشید آن غسل کفایت از غسل جنابت می کند، بنابراین آن اعمال قبیحی که قبل از غسل حیض کردید از ناحیه روزه و قضاء نماز هیچ اشکالی ندارد.

س۱۱۶: نمازهایی بسیاری از من ترک شده که حدود و مقدار آن از ذهنم رفته و نمی دانم چه مقدار بوده، بفرمایید تکلیفم چیست؟

و در ضمن حدیثی در کتاب... پیرامون دستوری برای نمازهای قضایی که فراموش شده اند از رسول خدا (ص) نقل شده: هر کس نمازش ترک کند از روی عمد یا جهالت و نداند چه مقدار باید قضا کند پس شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز بخواند و بعد در روز دوشنبه روزه بگیرد و در وقت ظهر نیز پنجاه رکعت نماز بخواند و بعد از اتمام نمازها صد مرتبه استغار کند، این عمل معادل صد سال نماز قضاء، حساب می شود آیا می شود این دستور اکتفا کرد؟

ج: هوالعالم، نمازهای قضا شده همه را باید بخوانید، نهایت

امر، آنچه را فعلا می دانید و یقین دارید انجام دهید. و اما روایت مذکور یا هیچ مجتهدی قبول ندارد.

س۱۱۷: کسی که در وقت مختص نماز عصر، به جای اینکه نماز عصر بخواند، عمدا نماز عصری که به عهده اش است را رها کند و نماز قضا بخواند قضای نماز عشاء یا غیره به نحوی که نماز قضاء تمام شد وقت نماز عصر هم تمام شود آیا چنین کاری جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، تکلیف جایز نیست ولی اگر این کار خلاف را انجام داد نماز قضای او جایز است وضعا - یعنی صحیح است.

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است

س۱۱۸: با اینکه در روایت است فرزند اکبر قضای نماز و روزه پدر را بجا آورد با اینعبارت یقضی عند اکبر ولده، و کلمه اکبر افعل التفضیل است حال بفرمایید اگر شخصی تنها یک پسر دارد و افعل التفضیل بر او صدق نمی کند آیا نماز و روزه پدر بر این پسر واجب است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۱۱۹: اگر نماز پدر که به عهده پسر بزرگتر است توسط او بجا آورده نشود آیا پسر کوچکتر می تواند آن را بجا بیاورد؟

ج: هوالعالم، لی میتواند، ولی لازم نیست به آن گونه که بر پسر بزرگ لازم است.

س۱۲۰: پدری که مقید به اقامه نماز یومیه نمی باشد آیا بعد از مرگش قضای تمام نمازهای مدت عمرش بر پسر بزرگتر واجب است؟

ج: هوالعالم، آنچه ثابت شود فوت آن ولو عمدی باشد بر پسر بزرگتر واجب است.

نماز جماعت

س۱۲۱: هر گاه در نماز جماعت ماموم به گمان اینکه امام تکبیره الاحرام را گفته و یا از روی سهو، پیش از امام جماعت، تکبیره الاحرام را بگوید وظیفه اش چیست؟

ج: هوالعالم، نماز ماموم فرادی می شود، و اگر بخواهد جماعت بخواند عدول کند به نافله و آن را قطع کند یا تمام کند.

س۱۲۲: اگر شخصی بعد از اتمام نماز جماعت متوجه شود که متصل به امام جماعت نبوده است، نمازش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد، نمازش صحیح است.

س۱۲۳: طلبه ای هستم که در منطل پدرم زندگی می کنم و پدرم نیز طلبه است و رسم منزلمان این است که اعضای خانواده با پدرمان نماز جماعت می خوانند و عدالت پدرم محرز است لکن وضو و قرائت

او را صحیح نمی دانم و محترمانه به او تذکر دادم ولی او نیز قطع دارد که وضو و قرائتش صحیح است، با این حال اگر اتدا نکنم پدر و مادرم متاذی و ملول می شوند واگر اقتدا کنم، مشکل می بینم لطفا مرا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، اگر تالی فاسدی بر نخواند مترتب می شود گاهی بخوانید و بعد اعاده کنید احتیاطا.

س۱۲۴: بعد از نماز جماعت آیا دست دادن مامومین به همدیگر جایز است؟

ج: هوالعالم، بلی، جایز است.

س۱۲۵: در جایی که نماز جماعت منعقد است نماز فرادی خواندن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه عنوان تفسیق منطبق نباشد اشکال ندارد.

مصافحه بعد از نماز جماعت

س۱۲۶: در کتاب بحارالانوار و سفینه البحار ماده عرج و صفح حدیثی از کتاب (سعد السعود سید بن طاوس، نقل کرده اند به این مضمون: رسول خدا (ص) در شب معراج با ابراهیم خلیل و ملائکه نماز جماعت اقامه کرد و بعد از نماز با جبرئیل و ابراهیم مصافحه کرد...

آیا حدیث مزبور دلیل استحباب مصافحه بعد از نماز می شود؟

ج: هوالعالم، بلی، نقل معصوم (ع این عمل را دلیل بر استحباب آن است.

امام جماعت

س۱۲۷: صبی ممیز آیا می تواند برای اطفان دیگر اعم از ممیز و غیر ممیز نماز جماعت بخواند؟

ج: هوالعالم، بلی جماعت صحیح است.

س۱۲۸: در نماز جماعت آیا می شود به صبی ممیز یا شخص معلول اقتداء کرد؟

ج: هوالعالم، اقتداء بالغ به غیر بالغ جایز نیست ولی اقتداء غیر بالغ به غیر بالغ جایز است. و اقتداء معلول به معلول مثل خودش جایز است، ولی اقتداء غیر معلول به معلول جایز نیست مگر در موارد خاصه.

س۱۲۹: در یک شهرک مسکونی سه مسجد

وجود دارد که در یک مسجد توسط شخص روحانی نماز برگزار می شود و در دو مسجد دیگر توسط اشخاص غیر معمم، بفرمایید با وجود نماز جماعت توسط روحانی، می شود بغ غیر معمم اقتداء کرد؟

ج: هوالعالم، در نماز جماعت شرط نیست که امام معمم باشد؟ پس چنانچه دسیسه ای برای اهانت به عمامه در کار نباشد اقتداء به غیر معمم جایز است.

س۱۳۰: در مسجدی که امام جماعت روحانی دارد لکن به علت کهولت سن و ناتوانی، فرد غیر معمم را برای امامت معرفی می کند آیا می توانیم بر او اقتداء کنیم؟

ج: هوالعالم، بلی، می توانید اقتداء کنید.

س۱۳۱: آیا در مسجدی که روحانی نداشته باشد می توان نماز جماعت توسط شخص غیر معمم برگزار کرد؟

ج: هوالعالم، بلی، می توان توسط شخص غیر معمم جماعت برقرار کرد با رعایت شرط جماعت که عادل بوده است.

س۱۳۲: آیا امام جماعت می تواند برای خواندن نماز جماعت وجهی بگیرد؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست. و چنین شخصی نماز پشت سر او نهر شده است.

س۱۳۳: اگر کسی از روی جهل در غیر مورد تقیه، اقتدا به نماز جماعت اهل سنت کرده، بعد حکم مسئله را فهمیده. آیا نمازهایی که خوانده صحیح است یا اعاده کند؟

ج: هوالعالم، اگر رکنی اضافه نکرده باشد نمازش صحیح است اعاده و قضاء ندارد.

س۱۳۴: حکم امامت جماعت شخص غیر روحانی را شرعا بفرمایید؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است.

نماز جمعه

س۱۳۵: آیا اقامه نماز جمعه بدون اذن مجتهد جامع شرایط جایز و رواجع است یا خیر؟

ج: هوالعالم، به نظر ما با اذن مجتهد جامع شرایط هم، در زمان غیبت معلوم نیست راجع باشد و لذا گفته ایم

که اگر کسی نماز جمعه خواند مقتضای احتیاط لزومی آن است که نماز ظهر هم بخواند و یا اینکه میتواند به مجتهد دیگر رجوع کند.

س۱۳۶: نماز جمعه در عصر غیبت چه حکمی دارد و جنابعالی چه توصیه ای می فرمایید؟

ج: هوالعالم، به نظر ما مجزی از نماز ظهر نیست، و اگر خوانده شود باید بنابر احتیاط لزومی نماز ظهر را هم بخواند.

نماز استیجاری

س۱۳۷: کسب و امرار معاش از طرق اجرت نماز و روزه استیجاری آیا مرغوب است یا مرجوع؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکالی ندارد؟

س۱۳۸: رفع شبهه اکتساب با نماز و روزه استیجاری چگونه می شود؟ آیا قصد اکتساب با قصد قربت تنافی ندارد؟

ج: هوالعالم، خیر، تنافی ندارد چون قصد اکتساب از قبیل داعی بر داعی است.

س۱۳۹: در صورتی که موجر در نماز استیجاری شرط کند که با اذان و اقامه خوانده شود آیا اجیر می تواند به اذان و اقامه نماز جماعت اکتفاء کند یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند، مگر آنکه موجر تصریح کند به اکتفاء نکردن به اذان و اقامه نماز جماعت.

س۱۴۰: اینکه زنی نماز استیجاری از میت مرد بخواند به نظر حضرتعالی آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است، ولی در جهر و اخفات لازم است زن به وظیفه خودش عمل کند یعنی در نماز جهری که بر مرد لازم است جهر بخواند بر او لازم نیست بلکه مخیر در جهر و اخفات است.

نماز آیات

س۱۴۱: نماز کسوف و خسوف تا چه زمانی اداء است؟

ج: هوالعالم، از اول گرفتن تا تمام باز شدن اداء است.

نماز عید فطر و قربان

س۱۴۲: بفرمایید شرکت خانم ها در جماعت نماز عید فطر و قربان چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

احکام روزه

نیت

س۱۴۳: آیا نیت یک ماه روزه گرفتن در اول ماه مبارک رمضان کفایت می کند یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، به شرط بقاء حکم آن، به معنای عدم عدول از قصد و بدون قصد، درخزانه نفس.

کفاره روزه

س۱۴۴: شخص مریضی که علم وارد روزه ماه رمضان را نمی تواند بگیرد آیا می تواند کفاره را قبل از ماه رمضان پرداخت نماید؟

ج: هوالعالم، ظاهرا می تواند ولی خلاف احتیاط است و چنانچه به عنوان قرض بدهد و بعدا حساب کند بی اشکالتر است.

س۱۴۵: کسی که به خاطر مریض شدن، روزه اش را نگرفته و توان پرداخت کفاره آن را ندارد، باید چکار کند؟

ج: هوالعالم، به مقدار ممکن کفاره که یک مد طعام است بدهد، و در صورت عدم امکان استغفار نماید کافی است.

روزه قضاء

(ت) س۱۴۶: دختری هستم که بعد از سن تکلیف نه سالگی از روی کودکی و نادانی خیلی از روزه هایم را خورده ام و الان تعداد آنها را به خاطر ندارم، تکلیفم چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه ضعیف بودید نمی توانستید روزه بگیرید، فقط قضاء بر شما واجب است، آن هم آن تعداد که یقین دارید نگرفته اید.

س۱۴۷: دختری هستم که از سن دوازده سالگی عادت ماهیانه را شروع کرده ام و اکنون بیست و سه ساله هستم و تعداد روزه های قضا شده ام را فراموش کرده ام بفرمایید وظیفه ام چیست؟

ج: هوالعالم، مقدار یقینی را قضاء کنید.

س۱۴۸: در صورت اتفاق جماع در ماه رمضان بدون قصد این کار چه به اسرار شوهر و چه به اسرار زن و فراموش شدن تعداد روزه های باطل شده به سبب جماع، وظیفه در قضا و کفاره چیست؟ با توجه به اینکه دختری هستم که پنج سال است ازدواج کرده ام.

ج: هوالعالم، اگر جماع به زور و اکراه بوده فقط قضاء بر شما لازم است و اگر به اختیار بوده برای

هر روز کفاره بدهید.

س۱۴۹: من به خاطر حاملگی و استفراغ شدید طبق دستور دکتر معالج یک ماه روزه نگرفته ام تکلیفم چیست؟

ج: هوالعالم، قضاء کنید، کفاره لازم نیست.

س۱۵۰: خانمی هستم که به علت شیر دادن به بچه، یک ماه به توصیه شوهر و اطرافیان روزه نگرفته ام، برای جبران چه وظیفه ای دارم؟

ج: هوالعالم، قضاء کنید روزه ها را کافی است.

روزه مسافر

س۱۵۱: بعضی از مقلدین حضرتعالی کارگر هستند و معمولا بیشتر از هشت فرسخ می روند و بر می گردند و نمی توانند ده روز در محل کار بمانند و روزه بگیرند، و همچنین بعضی از معلمین صبح به دهات می روند و غروب بر می گردند و یا بعضی دیگر شنبه می روند و پنج شنبه بر می گردند و...لهذا برای این مقلدین روزه گرفتن مشکل است آیا اجازه می دهید در این مسئله به مجتهدی که روزه را برای کثیر الاسفر اجازه می دهد رجوع نمایند یا خیر؟

ج: هوالعالم، چون اخیرا احتیاط نموده ام لذا می توانند به مجتهد دیگری رجوع کنند.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

س۱۵۲: فرد بیماری که قادر به روزه گرفتن نیست و پزشکان او را به طور جدی منع کرده اند، وظیفه اش برای روزه چیست؟ و اگر او پافشاری کند چه باید کرد؟

ج: هوالعالم، با عدم قدرت و تشخیص دکتر پافشاری مورد ندارد و روزه لازم نیست، و حتی در بعضی مراتب جایز نیست.

س۱۵۳: چونکه بعضی ناراحتی دارند و می بایست از قرص استفاده کنند آیا می شود از قرص استفاده کنند و روزه نگیرند؟ و یا روزه نگیرند و کفاره بدهند؟

ج: هوالعالم، استفاده از قرص اگر

به طریق تنقیه باشد موجب بطلان روزه نیست و اگر با خورد باشد روزه را باطل می کند و در فرض سوال کفاره ندارد.

س۱۵۴: دخترانی که به حد بلوغ رسیده اند ولی چون ضعیف هستند و قدرت بدنی ندارند نمی توانند روزه بگیرند بفرمایید تکلیف روزه آنها چیست؟ و آیا باید کفاره بدهند یا خیر؟

ج: هوالعالم، با عدم قدرت، کفاره لازم نیست، بعدا قضا نمایند.

مسائل متفرقه روزه

س۱۵۵: افرادی که شرعا از روزه گرفتن در ماه رمضان معذورند همانند زنهای حائض، اگر در مکان های عمومی روزه خواری کنند آیا کارشان حرام است و باید نهی از منکر شوند یا تنها حکم استحبابی احترام به ماه رمضان را رعایت نکرده اند؟

ج: هوالعالم، البته کار خوبی نیست، ولی حرمت آن معلوم نیست.

س۱۵۶:در صورتی که شخصی در چند روز از ماه رمضان مثل دهم، پانزدهم،بیستم غسل کرده و سپس علم اجمالی پیدا کرده که یکی از آنها باطل بوده تکلیفش چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه غسل آخر در آن قاعده فراغ جاری نباشد مانند آنکه وسط غسل است در اغسال قبلی قاعده فراغ جاری است. و اگر در آن هم قاعده فراغ جاری باشد نسبت به صوم که همه صحیح است و اما نسبت به نماز چنانچه آخری که علم اجمالی به بطلان یکی از آنها پیدا شده است در وقت باشد در خصوص آن نماز باید بخواند و در گذشته ها قاعده حیلوله جاری است.

راه ثابت شدن اول ماه

س۱۵۷: اثبات شب اول یا دوم ماه آیا به بزرگ و کوچک بودن ماه یا به مطوق بودن آن تشخیص داده می شود؟

ج: هوالعالم، میزان شب دوم بودن، مطوق بودن ماه است.

س۱۵۸: در صورتی که شک کرد آیا امروز عید است یا نه؟ آیا دو اصل اصل عدم ازای کونه عیدا و اصل انه عید تعارض و تساقط می کنند، آیا اصلا اصل جاری می شود؟

ج: هوالعالم، اولا: اصل عدم کونه عیدا، اصل عدم ازای نیست بلکه عدم نعتی است ثانیا: اصل انه عید غیر صحیح است.

احکام خمس

ربح و فائده

س۱۵۹: جوانان و دانشـجویانی که پول پس انـداز می کننـد برای اینکه در آینـده ازدواج کنند، منزل بخرند، کتاب و کامپیوتر خریـداری کننـد و... بفرماییـد آیا برای این پول های پس انداز، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ در حالی که تهیه این پول ها در زمان نیزا مشکل است.

ج: هوالعالم، به همه آنها خمس تعلق می گیرد.

س۱۶۰: اگر کسـی برای تهیه منزل، ماشـین و یا برای ازدواج،حج و دیگر احتیاجات زندگی، پولی را پس انداز کند و سر سال خمسی اش برسد آیا باید خمس آن را بدهد؟

ج: هوالعالم، بلی باید بدهد.

س۱۶۱: چنانچه زن مهریه خود را از شوهرش بگیرد آیا خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد.

س۱۶۲: طلا و جواهراتی که جهت زینت زنانه است آیا خمس و زکات در آنها است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، نیست.

س۱۶۳: شخصی که ماشین سواری برایش ضرورت دارد و ناچار است در مدت چند سال پولش راجع کند تا آن را بخرد لطفا بفرمایید پول های جمع شده در سال های قبل خمس دارد؟

ج: هوالعالم، پول های جمع

شده در صورت گذشتن سال و زیاد بودن از سال قبل خمس دارد؟

س۱۶۴: آیا هدیه یا دیه ای که می گیرد خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس تعلق می گیرد.

س۱۶۵: جهیزیه ای که برای دختران خریداری می شود و چند سال در خانه می ماند آیا خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هوالعالم، چنانچه نم یتوانند یک دفعه جهاز بگیرند خمس تعلق نمی گیرد.

س۱۶۶: شخصی خانه اش را می فروشد تا خانه بهتر بخرد، لکن خریدن خانه چند سالی طول می کشد مثلا دو سال یا سه سال آیا پول خانه اول خمس دارد یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد.

س۱۶۷: اگر شخصی چیزی را خرید و روز بعد سال خمسی او رسید، گرچه این چیز بعدا مؤنه اش می شود آیا خمس آنرا باید بدهد؟

ج: هوالعالم، بلی، باید بدهد.

س۱۶۸: اگر چند روز قبل از سال خمسی، مال خود را به دیگری ببخشد مشروط به اینکه بعد از یک هفته برگرداند آیا خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم،بلی، خمس به این گونه حیل نمی شود از بین برود.

س۱۶۹: کسی که با مبلغ یک میلیون تومان، حج تمتع ثبت نام کرده ولی بعد از چند سال نوبت او می شود آیا به آن مبلغ مس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس تعلق می گیرد چون حکم فائده را دارد.

س۱۷۰: اگر با مبلغی حج یا عمره مستحبی ثبت نام کند و بیش از یک سال بگذرد تا نوبت او برسد آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق میگیرد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که شرایط تعلق خمس به فائده را واجد باشد، بلی تعلق می گیرد.

س۱۷۱: کسی

که حج بر او مستقر شده مثل اینکه مستطیع بوده و نرفته و یا حج افسادی داشته، اگر پول حجش بیش از یک سال بماند تا نوبت او برسد خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، در این صورت تعلق نمی گیرد.

س۱۷۲: اگر شخصی حج یا عمره نذری دارد و ثبت نام می کند ولی بعد از یک سال نوبت او می شود آیا به پولش خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که رفتن حج یا عمره منحصر باشد به ماندن ۱ول، خیر تعلق نمی گیرد.

س۱۷۳: اگر کسی اجیر شده و ولی گرفت برای انجام حج نیابتی لکن آن پول خرج شد و بعدا با تهیه کردن پول، برای حج نیابتی ثبت نام می کند و بعد از چند سال نوبت او می سد آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر چون مانند اداء دین است.

س۱۷۴: اگر کسی پولی را برای حج واجب اعم از حجت الاسلام یا حج نذری یا حج افسادی و یا نیابتی کنار بگذارد تا بعد از چند سال به حج برود آیا پول مذکور خمس دارد؟

ج: هوالعالم، بلی، واجب است تخمیس شود.

س۱۷۵: بفرمایید در چه صورتی پول حج خمس دادن آن واجب است و در چه صورتی واجب نیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه حج واجب شده باشد و رفتن منحصر باشد که پول را جایی بگذارد تا نوبت او برسد خمس واجب نیست و الا واجب است.

س۱۷۶: کسی که به جهت فرار از دادن خمس، مالش را نسیه می فروشد و یا قرض می دهد، تا بعد از سال خمسی، آیا بر این شخص، قبل از وصول آن

نسیه یا قرض، تخمیس آن واجب است؟

ج: هوالعالم، بلی، چون در ذمه مدیون، پول دارد و زاید از مونه است.

س۱۷۷: کسی که اهل خمس دادن نبوده و خمس اموالش را نمی داده، از دنیا رفته است و اموال زیادی از خود باقی گذاشته، و وصیت هم نکرده که خمسش را ورثه بدهد، حال بفرمایید: دادن خمس این مال الارث بر ورثه واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۱۷۸: در فرض مسئله قبل، اگر ورثه هم خمس مال الارث را ندهد آیا مالك آن مال می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، به نحو اشتراك همه آنها مدیون آن مقدار مال می باشند به مقدار حصرشان.

س۱۷۹: در فرض مسئله قبل، اگر ورثه مالك مال الارث نباشند، بفرمایید آیا معاشرت با آنها جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مانعی ندارد.

س۱۸۰: درفرض سابق آیا تصرف خود ورثه در این مال الارث بدون اداء خمس که از دیون میت است، جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خر تصرف جایز نیست، و اگر تصرف کنند مقدار خمس منتقل به ذمه شان می شود.

سرمایه

س۱۸۱: آیا سرمایه از مؤنه زندگی به حساب می آید؟

ج: هوالعالم، خیر، سرمایه مؤنه زندگی که خمس به آن تعلق نگیرد، نیست.

س۱۸۲: شخصی مغازه ای با پول مخمس خریده ولی الان قیمت مغازه ترقی کرده آیا آن ترقی قیمت خمس دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، ترقی قیمت با شرائط وجوب خمس، خمس دارد البته باید با مجموع درآمد سال حساب شود.

س۱۸۳: شخصی مغازه ای را به دوازده میلیون تومان خریده و خمس آن را پرداخت کرده لکن بعد از مدتی به علت کوچك بودنش برای کسبش، آنرا فروخته به مبلغ

چهل میلیون تومان و مغازه ای بزرگتر خریده به مبلغ شصت میلیون تومان و از این بابت بیست میلیون تومان بدهکار گشته، حال بفرمایید برای آن ترقی قیمت مغازه قبلی خمس هست یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، مغازه فعلی را که به شصت میلیون خریده، دوازده میلیون آن را قبلاً تخمیس نموده و بست میلیون هم بدهکار است، این دو قلم کم شود پس بیست هشت میلیون باید تخمیس شود با رعایت شرایط.

س۱۸۴: باز و زمین هایی که چند سال پیش خریداری شده و خمس آن را داده در صورتی که الان بر قیمت آن اضافه شده آیا اضافه قیمت خمس دارد؟ اگر بخواهد بفورشد چطور؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس دارد خصوصا در صورت فروش.

مؤنه

س۱۸۵: عده ای قنات مشترکی برای آبیاری مزرعه دارند در صورتی که قنات مذکرو نیاز به خارجی برای تعمیر و تمیز کردن و... داشته باشد آیا آن خارج را می شود از مؤنه و مخارج سالیانه حساب کرد؟

ج: هوالعالم، خیر، از مونه حساب نمی شود چون مونه زندگی نیست، مؤنه کسب است.

س۱۸۶: صدقات و خیراتی که انسان می پردازد و یا هدایایی که برای کسی می برد و یا ضیافتی انجام می دهد آیا از مؤنه حساب می شود؟

ج: هوالعالم، بلی، از مؤنه است.

س۱۸۷: شخصی مبلغی را برای حرم امام رضا (ع) نذر کرده و آن را قبل از موعد سال خمسی به نیت نذر کنار گذاشته تا موقع تشرف به ضریح حضرت بیندازد آیا به مبلغ مذکور در موعد سال خمسی، خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر، تعلق نمی گیرد.

س۱۸۸: چیزی که از مؤنه است همانند منزل، فرش، کتاب، لوازم منزل و

غیره که به همین جهت در موعد سال خمسی، آن را استثناء کرده، حال بفرمایید اگر بعد از گذشته سال آن را بفروشد خمس به آن تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، بلی. تعلق می گیرد.

س۱۸۹: کسی که خانه مسکونی خود را می فروشد و با پولش خانه دیگری می خرد آیا با پولی که خانه اش را فروخت و به دستش رسید خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر وسط سال است خمس تعلق نمی گیرد.

س۱۹۰: مقداری سرمایه قالی بافی داریم آیا از اخراجات مؤنه است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مؤنه کسب مثل سایر فوائد است آنچه مستثنا است مؤنه زندگی است مثل خوراك و پوشاك و مسکن.

مصرف خمس

س۱۹۱: لطفا بفرمایید به شخصی که مبغی از وجوهات - سهم مبارك امام (ع) و سهم سادات بدهکار است آیا جایز است مقداری از این بدهی را به خودش بخشش کنند مثلا بیست میلیون تومان از وجوهات باید بپردازد لکن پنج میلیون تومان آن را به خودش ببخشند واز او نگیرند؟

ج: هوالعالم، بخشیدن وجوهات به کسی که بدهکار است جایز نیست. (حضرت رضا و امام جواد (ع) به عده ای که از راه دور خمس آورده بودن و تقاضا کرده بودن که مقداری به ما گذشت کنید، هر دو امام فرمودند که ما نمی توانیم ببخشیم)، خدا هدایت کند کسانی که این کارها را می کنند.

س۱۹۲: از سهم مبارك امام (ع) آیا جایز است به فقرا غیر اهل علم داده شود؟

ج: هوالعالم، چنانچه با مجتهد دستگردان شود و از طرف او به فقیر داده شود اشکال ندارد.

س۱۹۳: کسی که می تواند کار کند و مخارجش را تامین

نماید لکن دنبال کار نمی رود و مخارج هم ندارد آیا می شود به او خمس یا زکات داد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر اینکه طالب علم و خدمتگزار اسلام باشد.

س۱۹۴: کسی که تنها از طرف مادر سید باشد آیا می تواند خمس بگیرد؟

ج: هوالعالم، در مساله خمس اگر روایت معتبر خاصی نبود می گفتم خمس می شود به پسر دختر هم داد، ولی روایت به خصوص وارد شده است و صریح است در اینکه نمی شود به او خمس داد.

س۱۹۵: آیا به زن علویه برایت امین مخارج خودش و شوهرش و اولادش، می شود سهم سادات داد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر نمی شود مگر آن که شوهرش خرجی به او نمی دهد.

س۱۹۶: زنی که شوهرش سید است و مفقود گشته، آیا می شود به این زن بابت نفقه اش که از شوهرش طلبکار می شود سهم سادات پرداخت کرد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر آن که شخصی با اجازه مجتهد از طرف آن سید قبول کند و بدهد به زن او.

س۱۹۷: مال خمس در دست کسی به امانت بود پس او هم آن را به مستحق رد کرد لکن بعدا معلوم شد که شخص گیرنده مستحق نبوده، آیا ضامن است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی، ضامن است.

س۱۹۸: در صورتی که شخص مستحق، مقداری از خمس را در معصیت مصرف کند آیا دادن خمس به او جایز است؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست.

س۱۹۹: شخصی که بدهکار خمس است،فرزندش طلبه می باشد، آیا می تواند از سهم امام (ع)ت به فرزندش بدهد؟

ج: هوالعالم، با اجازه یک مجتهد بلی می تواند.

مسائل متفرقه خمس

س۲۰۰: در تلویزیون حدیثی پیرامون خمس از حضرت

صاحب الزمان (ع) نقل کردند که حضرت فرموده: لعنت خدا و فرشتگان و جن و انس بر کسی باد که یک درهم خمس ما بخورد و نپردازد، با بزرگواری بفرمایید این حدیث در چه کتابی است؟

ج: هوالعالم، توقیع شریف در احتجاج طبرسی صفحه ۴۸۰، و کلمه (من) در حدیث نیست.

س۲۰۱: خمس و زکات قرض آیا بر قرض گیرنده است یا بر قرض دهنده؟

ج: هوالعالم، بر قرض گیرنده نیست.

س۲۰۲: اگر خمس و زکات، موعد هر دو، در سر سال خمسی فرا برسد، آیا هر دو را حساب کند یا یکی مقدم است؟

ج: هوالعالم، هر دو را باید حساب کند.

س۲۰۳: غذا خوردن در منزل کسی که خمس نمی دهد چگونه است؟ آیا می شود غذا خورد و مقدار خمس آن را پرداخت کرد؟

ج: هوالعالم، غذا خوردن اشکال ندارد و چنانچه خمس به غذا تعلق گرفته منتقل می شود به قیمت آن در ذمه صاحب غذا.

س۲۰۴: پرداخت حقوق شرعی خمس، زکات به شخصی که مجتهد نیست و وکالت از مجتهد هم ندارد چگونه است؟ آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، حقوق شرعی اگر زکات و یا سهم سادات است و شخص گیرنده مستحق و واجد شرایط مصرف است پرداخت به او جایز است. و اما در خصوص سهم مبارک امام (ع)، چنانچه گیرنده مجتهد مطلق است و علم هم حاصل شود که طریق مصرف او با طریق مصرف مرجع تقلید پرداخت کنند یکی است اینجا نیز پرداخت به او جایز است. و چنانچه گیرنده مجتهد مطلق نباشد و یا علم به یکی بودن طریق مصرف حاصل نشود پرداخت به او جایز نیست. بلی، اگر چنانچه

گیرنده فرد موثقی است و دهنده حق شرط کند که آن را به اهلش برساند، می شود به او داد.

س۲۰۵: منزل هایی که دولت به صورت اقساط می فروشد ولی ملک شخص نمی شود مگر تمام مبلغ را پرداخت کند. بفرمایید اگر یک سال در منزل ساکن نشد با اینکه منزل هنوز ملک او نشده است آیا خمس دارد یا نه؟

ج: هوالعالم، تا مادامی که ملك او نشده است خمس ندارد اما اقساطی که پرداخته آنها خمس دارد و باید داده شود.

احکام زکات

نصاب زکات

س۲۰۶: شخص کشاورزی دارای محصول گندم و جو است، در صورتی که هیچ کدام به تنهایی به حد نصاب نرسند، آیا آن شخص باید گندم و جو را روی هم حساب نماید یا اینکه زکات بر او واجب نیست؟

ج: هوالعالم، باید روی هم حساب نماید.

س۲۰۷: در صورتی که مال زکوی با آب تلمبه و آب باران آبیاری شود بفرمایید که چه مقدار زکات باید بدهد؟

ج: هوالعالم، چنانچه صدق اشتراك بکند در نصف آن یك دهم، و در نصف دیگر یك بیستم باید بدهد، و چنانچه غلبه با یکی بود همان میزان است.

س۲۰۸: کسی که زکات بر او واجب است و دارای یک یا چند مال زکوی است که به حد نصاب رسیده اند آیا می تواند مقدار زکات را به پول بپردازد؟

ج: هوالعالم، بلی، می تواند.

مصرف زکات

س۲۰۹: کسی که می تواند کار کند و مخارج زندگی را به دست آورد لکن دنبال کار نمی رود و مخارج هم ندارد آیا می شود به او خمس یا زکات داد؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر طالب علم و خدمتگزار اسلام باشد.

س۲۱۰: دادن زکات به شخص مستحقی که مقداری از آن را به مصرف خودش می رساند و مقداری از آن را در معصیت مصرف می کنند جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، جایز نیست.

مسائل متفرقه زکات

س۲۱۱: اگر در سالی، موعد حساب خمس و موعد حساب زکات یک زمان شوند آیا مالک هر دو را باید حساب کند یا یکی از آن دو مقدم است؟

ج: هوالعالم، هر دو را باید حساب کند.

س۲۱۲: همس و زکات قرض آیا بر شخص قرض گیرنده است یا قرض دهند؟

ج: هوالعالم، بر قرض گیرنده نیست.

س۲۱۳: اگر صاحب مال زکوی، قبل از تعلق زکات، آنرا تبدیل به مال دیگر کند و یا صاحب خمس قبل از سر سال خمسی مال خود را به دیگری ببخشد مشروط بر اینکه بعد از چند روز به او برگرداند، بفرمایید آیا زکات یا خمس واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، خمس و زکات به این گونه حیل نمی شود از بین برود.

زکات فطره

س۲۱۴: کسی که در شهری مسافر است اگر روز آخر ماه مبارک رمضان وارد خانه اقوام خود شود و قبل از اذان مغرب از آنجا خارج شود و سپس بعد از اذان به همان خانه برگردد آیا فطره او بر عهده خودش است یا بر عهده صاحب خانه؟

ج: هوالعالم، فطریه او اگر بنا است آنجا بماند ولو یک روز به عهده صاحب خانه است.

س۲۱۵: آیا به بی نماز و کسی که روزه نمی گیرد می شود زکات فطره داد یا نه؟

ج: هوالعالم، مقتضای احتیاط این است ندهید.

س۲۱۶: اینکه در رساله نوشته شده: به کسی که آشکارا گناه می کند نمی شود زکات فطره داد، مراد چیست، لطفا توضیح دهید؟

ج: هوالعالم، مراد این است که علنا و در نزد مردم گناه می کند.

س۲۱۷: اینکه در رساله فرمودید: «اگر مهمان پیش از غروب شب عید فطر بر میزبان وارد شود...» منظور

از غروب آیا غروب شمس است یا مغرب شرعی؟

ج: هوالعالم، منظور از غروب شب عید، غروب شمس است.

س۲۱۸: در صورتیکه شب مهمان شدن شخصی بفرمایید آیا فطریه بر عهده مهمان است یا میزبان؟

ج: هوالعالم، فطریه بر عهده میزبان است.

صدقات و کفارات

س۲۱۹: دادن صدقات مستحبی و کفارات به سادات چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکالی ندارد.

س۲۲۰: اگر پولی نزد صندوق صدقات افتاده آیا می تواند آن را بر دارد و به فقیر بدهد؟

ج: هوالعالم، اگر یقین ندارد از پول های صندوق است می تواند بردارد یا به فقیر بدهد.

احکام حج

س۲۲۱: شخصی که خانه مسکونی خود را می فروشد و با پول آن خانه دیگر می خرد بفرمایید آیا با پول فروش خانه اول. حج بر او واجب می شود یا نه؟ و آیا خمس به آن پول تعلق می گیرد یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر وسط سال است خمس تعلق نمی گیرد و حج هم با این کیفیت واجب نیست.

س۲۲۲: کسی که با قرض گرفتن به حج می رود و ادای قرض بر او حرجی نیست آیا حجش حجت الاسلام حساب می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، حساب نمی شود.

س۲۲۳: در صورتی که کافری مسلمان شود و ایام حج نزدیک بود و مستطیع هم گردید ولکن نتوانست به حج تمتع برسد آیا حج او مبدل می شود به حج افراد یا اینکه سال بعد به حج برود؟

ج: هوالعالم، خیر، مبدل نمی شود باید سال بعد حج تمتع انجام دهد.

س۲۲۴: کسی که نذر کرد روز عرفه در کربلا باشد و اتفاقا در همین سال مستطیع هم شد بفرمایید کدام یک مقدم است؟ حج یا نذر؟

ج: هوالعالم، وجوب حج مقدم است.

(جواب گنگ)

س۲۲۵: شخصی که منکر خمس و زکات است به حج رفته آیا حجش صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر منکر باشد شبه، حجش صحیح است و همچنین اگر توبه کرده باشد و الا باطل است.

س۲۲۶: در صورتی که روی جرات از طبقه پایین برای شخص حرجی باشد آیا از طبقه بالا جایز و مجزی است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر از بالا به آن مقدار از جمره که در سابق باشد ولو نهی شده است جایز است ولی نباید به بالاتر از آن رمی نماید.

س۲۲۷: آیا انجام دادن بیش از یک عمره مفرده چه برای خودش و چه برای نیابت از دیگران در یک ماه قمری به قصد ورود جایز و صحیح است؟

ج: هوالعالم، ما فاصله بین دو عمره ولو برای خودش لازم نمیدانیم و به قصد ورود بعد از تمام شدن عمره اولی میتواند دو مرتبه عمره ایتان کند.

س۲۲۸: اگر شخصی قبل از احرام حنا بزند و اثر آن بعد از احرام بماند، حرام است یا نه؟

ج: هوالعالم، استعمال حنا برای مرد و زن حتی در حال احرام و قبل از آن حرام نیست. بلکه مکروه هم نیست، بلی خصوص حنا بستن زن به قصد تزیین برای شوهر خود مکروه است.

س۲۲۹: آیا بوییدن گل محمدی یا عود یا کافور برای محرم جایز است یا حرام؟

ج: هوالعالم، حرام نیست.

س۲۳۰: خانم یا آقایی که نمی تواند بول خود را کنترل کند و برای رفع آن از پوشاک یا پارچه استفاده می کند، آیا می تواند به زیارت خانه خدا برد یا نه؟

ج: هوالعالم، می تواند برود به شرط رعایت عدم سرایت نجاست به

خانه خدا.

س۲۳۱: کسی که به حج عمره رفته، و به طور ناآگاهانه به گردنش کفاره آمده ولی توان پرداخت آن را ندارد، باید چکار کند؟

ج: هوالعالم،

احکام معاملات

«بیع» (خرید و فروش)

س۲۳۲: در عرف جامعه پنجاه سال پیش مثلا، عده ای از بزرگان جامعه، سند عقد بیع و سند مالکیت را می نوشتند و این نوشته حتی بدون امضاء بایع و مشتری سند دال بر خرید و فورش به حساب می آمد و تمام افراد آن جاعه، آن را قبول و معتبر می دانستند، حال سوال این است امروزه که طریقه نوشتن سند مالکیت تفاوت اساسی پیدا کرده آیا سند مالکیت نوشته شده در چند سال پیش توسط بزرگان آن جامع، امروز هم درای اعتبار رسمی شرعی است یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه به آن گونه که نوشته اید رسم چنین بوده است که بزرگان قوم، اگر می نوشتند رسمیت داشته، بلی فعلا هم رسمیت دارد. علاوه بر این ید یعنی در تحت تصرف شخصی بودن اماره ملکیت است و اعتبار رسمی هم دارد.

س۲۳۳: فروختن چک نقد به چک مدت دار مثلا چک صد هزار تومان نقد به چک یکصد و بیست هزار تومانی یک ماهه چگونه است؟

ج: هوالعالم، به نظر من اشکال دارد.

س۲۳۴: به اطلاع حضرتعالی می رساند که قیمت تعیین شده روی کارت تلفن همگانی توسط شرکت مخابرات، هزار و هشتصد تومان است، آیا خرید و روش این کارتها به قیمت بیشتر از قیمت تعیین شده جایز و صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اگر به همان قیمت بفروشد و شرط کند در ضمن خرید که مبلغ زیادی به واسطه داده شود آن هم اشکال ندارد.

س۲۳۵:

امروزه در خریـد و فروش سـیم کارت موبایل چنین رایج است که اگر قیمت آن مثلا هشـتصد هزار تومان باشد به این صورت می فروشـد که مبلغ صد هزار تومان از قیمت آن را از خریدار فقط می گیرد و پس از اینکه چند درصد مثلا سه درصد به مبلغ باقی مانده که هفتصد هزار تومان باشد اضافه می نماید آن باقیمانده را در مدت چند ماه یا در طی چند فقره چک دریافت می کنـد، البته مبلغ دریـافتی در هر مـاه یـا در هر چک معین است مثلا صـد هزار تومان بفرماییـد آیا معامله به این صورت صـحیح است یا خیر؟ و اگر معامله صحیح نباشد راه صحیح شرعی آن چه می باشد؟

ج: هوالعـالم، چنـانچه به این صورت معـامله کنـد که تلفن را خـدش بخرد، بعـد به این نحو بفروشـد به یـک میلیون تومان که یکصد هزار تومان نقد و نهصد هزار تومان نسیه باشد که هر ماه مبغلی معینی بپردازد، صحیح است.

س۲۳۶: اگر شخصـی متـاعی را که قیمت آن یـک میلیون تومـان است به فردی به این صورت بفروشـد که مبغـل پانصـد هزار تومان از قیمت آن را نقـد بگیرد و پس از اضافه نمودن درصـدی به مبلغ باقیمانـده قیمت، آن را در چ ند فقره چک مدت دار بیگرد، آیا معامله به این صورت صحی است یا خیر؟ و اگر معامله صحی نباشد راه صحیح شرعی چه می باشد؟

ج: هوالعالم، بلی صحیح است به اینگونه که ثمن را مجموع یک ملیون وزیادی قرار دهد.

س۲۳۷: عده ای چند قطعه زمین با رنج و سختی خریده اند و بهای آن

را پرداخته و به عنوان تصرف حدود آن را با علامت معین کرده اند اما حصاری دو زمین نکشیده اند، اکنون فروشنده فوت نموده و ورثه اش از تحویل زمین امتناع می کنند در این خصوص تکلیف شرعی چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه ورثه قبول دارند که بهای زمین کاملا پرداخت شده موظفند زمین را تحویل دهند. و اگر قبول ندارند قضیه متوقف است بر حضور طرفین در مجلس و بعد از آن حکم شود.

س۲۳۸: شخصی قطعه زمینی را به اینجانب... طبق قول نامه کتبی واگذار نموده بعد از گذشتن حدود پنج سال ادعا می کند که من اشتباه کرده زمین خودم را به من برگدان، در حال یکه پنج سال پیش جزء طرح بوده و الان طرح عوض شده. حال بفرمایید اینجانب که نسبت به زمین از مالك اصلی مدرك مالکیت گرفته و برای زمین مبلغ زیادی خرج کردم و از شهرداری در حال پروانه گرتفن هستم آیا مالك واگذار کننده حق گرفتن زمین رادارد یا خیر؟آیا اینجانب در زمین تصرف کنم یا خلع ید کنم؟

ج: هوالعالم، با این خصوصیات که نوشته اید خلع ید شما مشروع نیست و زمین مال شما است.

س۲۳۹: دو حق امتیاز تلفن همراه (موبایل۹ توسز زید و عمرو خریداری می شود و دو فیش جداگانه به نام های هر یک به آنها تحویل می گردد ولی یکی به تاریخ تحویل نزدیک و دیگری تحویل چند ماه بعد. سپس زید فیش تلفن خود را نزد عمرو به امانت می گذارد، پس از مدتی عمرو به او خبر می دهد که آن فیشی که تاریخ دیرتری دارد به نام تو می باشد. سپس

زید با توجه به این اخبار فیش مذکور را می فروشد. لکن بعد از مدتی عمرو دوباره خبر میدهد که اشتباه شده و آن فیشی که تاریخش نزدیکتر است به نام تو بوده است، لطفا با توجه به فرض مـذکور بفرمایید: اولا: آیا حق زید نسبت به فیشی که به نام خودش بوده محفوظ است؟ ثانیا: تکلیف معامله ای که صورت گرفته چیست؟

ج: هوالعالم، بلی، حق زید به فیض تلفن که به نام او است محفوظ است. معامله واقع شده، نسبت به او مسلما ملزم نیست، می تواند فسخ کند و می تواند اجازه دهد و می تواند اجازه را مجانا بدهد و می تواند مقدار تفاوت را بگیرد.

معاملات جدید و پورسانت

س۲۴۰: اخیر عده ای از مردم پول گرتفه و به آنها می گوینـد بعد از چهل روز یا پول شما را به اضافه حدود چهل درصد به شما برمی گردانیم و یا وسیله ای را به شما تحویل خواهیم داد. مثلاـ چهار میلیون و پانصد هزار تومان می گیرند و بعد از گشذت مدت ذکر شده یا شش میلیون تومان و یا یک دستگاه ماشین پیکان تحویل میدهند. ضمنا به آنها می گویند ما هیچ تعهدی نسبت به بازگشتن پول شما و یا تحویل وسیله مورد نظر نداریم و فرض کنید پولتان را در رودخانه انداخته اید. آیا چنین معاملاتی شرعا جایز می باشد.

ج: هوالعالم، این معامله بیع نیست، و قرض هم نیست، به نظر من اباحه به عوض است و آن معامله مستقلی است. ادله شرعیه از قبیل اوفوا بالعقود دلالت می کند بر امضاء ان، و سیره متشرعه بر آن است ولکن در مورد

غرر است و چون دلیل مسلم عدم امضاء معامله غرریـد، «نهی النبی (ص) عن بیع الغر» است لذا مورد را نمی گیرد. بنابراین به نظر من این معامله صحیح است.

س۲۴۱: شرکت هایی در اهواز وجوددارد که فعالیت های فروش کالا می باشد به نحوی که کالاهای فروشی خود را نازلتر از قیمت بازار، ولی مدت دار به خریداران عرضه می نماید مثلا قیمت کالایی که در بازار یکصد و پنجاه هزار تومان می باشد را به قیمت صد هزار تومان بعد از مدت پانزده روز به مشتری واگدار میک ند و یا اینکه شرکت مشترک مشتری را مخیر می کند بین اینکه کالا را با قیمت آن را که یکصد و پنجاه هزار تومان باشد به مشتری تتحویل دهد آیا چنین معامله ای صحیح است؟ و آیا جهل به اینکه شرکت با یان مبلغ های دریافتی چکار می کند که این قدر سود داشته باشد به صحت معامله ضرر می رساند یا خیر؟

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشته شده معامله صحیح است و هیچ اشکالی ندارد. و جهل به اینکه شرکت در این معامله چه نظری دارد، هیچ ضرری به معامله نمی رساند.

س۲۴۲: اخرا شرکتی در ایران تاسیس شده که نحوه فعالیت آن به این صورت است که صنایع دستی ایران و یکسری از لوازمات منزل را به صورت بازاریابی اینترنتی به فروش می رساند و کسی که به این سایت اینترنت مراجعه می کند و خواهان خرید می شو نجاه و پنج هزار تومان پرداخت می کند که بیست و پنج هزار تومان آن برای خرید مشخص پس انداز می شود و سی

هزار تومـان این پول به حساب شـرکت ریخته می شود. سـپس به ازای افرادی که به این شـرکت معرفی می کنـد برای خریـد، پورسـانت میـگ یرد بـه طـوری که برای معرفی دو نفر اول، بیست هزار تومـان، بعـد از آن به ازای معرفی هر شـش نفر به مبلغ بیست و هفت هزار و پانصد تومان پورسانت می گیرد که بعضی از این پورسانت ها پس انداز می شود که با آن مبغل بیست و پنـج هزار اولیه برای خرید از شـرکت در نظر گرفته می شود که شـخص می تواند با نظر و میل خود جنسـی را خریداری کند. حـال بفرماییـد پورسـانت هـایی که شـرکت پرداخت می کنـد چه حکمی دارد؟ و آیا سـی هزار تومانی که به حساب شـرکت وارزی می شود و سرمایه گذاری می شود حلال می باشد؟ و اگر غیر از این است پس تکلیف پول هایی که به حساب شرکت ریخته ایم و عضو شده ایم چه می شود؟

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشـته اید به نظر من هم معاملات انجام شده اشـکال ندارد و پورسانت ها هم حلال است از باب شرط ضمن عقد یا جعاله.

س**۲۴۳**: شرکتی است به نام «کیش وست ویژن انترنشنال» که اصلی ترین اهداف شرکت عبارتند از :

کم کردن فشـار از روی دولت در جهت ایجـاد اشـتغال، کمـک به دولت محرتم در جهت جلـوگیری از خروج بی ضـابطه ارز توسط شـکرهای هرمی شـکل خارجی، کمک به اقتصاد ملی از طریق ایجاد نمایندگی در کشورهای همسایه. ورود ارز،ایحای صنایع دستی.حمایت از صنعتگران و تولدی کنندگان کشور و ایجاد توازن در قیمت کالاهای مورد نیاز....

این شرکت

دارای مجوز رسمی و ثبتی برای فروش کالاهای بازگرانی. اتغال زائی از طریق بازاریابی و مشارکت عمومی و مردمی می باشد که عضو شدن افرادر آن به این گونه است :

هر فرد با پرداخت پنجاه و پنج هزار تومان به جهت مشارکت در طرح. به عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم های قرارداد مشارکت ثبت می گردد و با این مبلغ امتیاز خرید سهم و نیز یک کارت تسهیلات برای خرید کالاهای ضروری از فروشگاه های طرف قرارداد شرکت به وی واگذار می شود، و علاوه بر خرید سهم و دریافت کارت تسهیلات، فرد می تواند با جذب و بازاریابی مردمی مباغلی را به عنوان حق الزحمه در حساب شخصی اش دریافت نماید. قلت و کثرت مبلغ دریافتی و زمان آن به صرعت و اندازه فعالیت شخص بستگی دارد و هیچ کس بدون فعالیت مشارکت در طرح نمی تواند از حق الزحمه بهره مند شود.

شرکت به جهت فعالتی مستمر افراد و نیز به جهت ایجاد انگیزه مثبت و حمایت از اقشار کم در آمد. کالاهای مورد نیاز افراد را با تخفیف ۱۵ الی ۲۰ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکت می باشند در فروشگاه های طرف قرار داد شرکت در معرض فروش قرار میدهند.

حال از محضر مبارک سوال می شود آیا خرید کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی و نیز دریافت حق الزحمه که شرکت برای افراد در نشر گرفته، از نظر شرعی صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، آنچه در فوق نوشته اید دخیل در جواز نیست، آنها

مربوط است به راعی و ربطی به معامله ندارد. ولی آنچه سوال شده است چون معامله است مشروط به شرط ضمن معامله جایز است به مقتضای ادله شرعیه.

خلاصه: این گونه که نوشته اید اشکال شرعی ندارد.

س۲۴۴: آیا همکاری و معامله با شرکت هایی از قبیل، گلدکوئیست و گلدمان و نظایر آنها که به طریق بازاریابی باعث سودهای کلان می شوند را جایز می دانید؟ با توجه به دو نکته که: اولا: سران آن شرکت ها یهودی باشند. و دوما: معامله مزبور اینترنتی است.

ج: هوالعالم، معامله با شرکت های ذکر شده فی نفسها هیچ اشکال ندارد. سود کلان بردن از موانع صحت معالمه نیست و سران آن شرکت ها اگر صهیونیست باشند که در حال حربند با مسلمانان تجایز نیست ولی مسلمان آنها نیستند. و یهودی بودن موجب اشکال نیست.

خلاصه: به نظر من هیچ اسکال ندارد.

و دولت هم اگر قانونا منع کرده است به عنوان خلاف شرع بودن، بنابراین چون خلاف شرع نیست قانونا هم بی اشکال است.

صلح

س۲۴۵: شوهرم در زمان حیات و تحتعنوان صلح، ملکی را به فرزندان ذکور خود مصالحه و ضمن عقد شرط نموده است.

الف) منافع مورد مصالحه تا زمان حیات شخص مصالح. متعلق به خودش بوده و حق استیفاء رایگان منافع و یا واگذاری کان به غیر به هر مدت و مبلغ و شرط، به نفع خو را دارا باشد.

ب) شخص مصالح مادامالحیات، حق فسخ صلح ناه را با رد مال الصحل به صورت یک جانبه دارا باشد.

حال با توجه به مطالب فوق، لطفا جواب سوالات را مرقوم فرمایید:

۱ در صورتی که به قراین و امارات ثابت

باشد که متعاملین قصد صلح نداشته و مقصود واقعی و پنهانی انان و وصیت به ثلث بوده است، چنین معامله ای صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، در معاملات میزان مقاصد صلیه نیست بلکه میزان آن است که انشاء می شود. در فرض سوال، انشاء صلح نموده بنابراین صلح واقع شده است.

س۲۴۶:در فرض صلح تلقی کردن عقد اعم از اینکه مبتنی بر تسامح باشد یا نه آیا عدم تعیین مدت در اشتراط خیار. مخل صحت عقد می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، مخل نیست چون اشتراط امر مجهول، خصوص مادام الحیاه صحیح است

س۲۴۷: آیا سلب مالکیت منافع برای مدت موهوم به ترتیب فوق، موجب جهل طرین به عوضین. و در نتیجه غرری بودن آن بوده یا خیر؟ معامله صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در عقد مصالحه جهل به این گونه موجب بطلان نیست. خلاصه مصالحه مذکوره با همه خصوصیاتش صحیح است باید عمل شود.

مضاربه

س۲۴۸: اگر دو نفر با شغل متفاوت مثلا یکی کشاورز و دیگر کاسب مبلغ معینی را مثلا دو میلیون تومان به صورت اشتراکی کنار بگذارند و قرارشان بر این باشد که هر یک در مدت معینی با آن مبلغ دو میلیون تومان کار کند و در آخر مدت معین، مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان برگرداند بفرمایید معامله مذکور از نظر شرعی چه صورت دارد.

ج: هوالعالم، در حقیقت معامله مضاربه اشتراکی است، و اشکال ندارد با رعایت شرایط مضاربه

س۲۴۹: شخصی مبلغی پول به عنوان مضاربه در بانک گذاشته بدین جهت که گفته می شود در بانک مضاربه انواع تجارت بساز و بفروش، دامداری، راهسازی صورت

می گرد و بانک هیچ موقع ضرر نمی کند اگر در معامله ای ضرر کند، در معامله دیگر سود می کند و جبران می شود.

حال بفرمایید شخصی که در بانک این پو را گذاشته اگر قصدش این باشد که از پولش ربح بگیرد و ضرر قبولنکند آیا این مضاربه جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر در ضمن مضاربه شرط کند، که اگر ضرری متوجه شود خود بانک تقبل کند، اشکال ندارد و مضاربه صحیح است، البته باید رعایت بقیه شرایط مضاربه بشود.

س۲۵۰: اینجانب مبلغی را به شخصی سپرده ام به این عنوان که با آن کار کند و شرط گردید که هر ماه ۵/۲ درصد ربح به کل مبلغ اضافه نماید مثلا اگر اصل مبغ صد هزار تومان باشد پس ربح ماه اول دو هزار و پانصد تومان می شود که باید اضافه بر مبلغفوق نماید و در ماه دوم کل مبغ صد و دو هزار و پانصد تومان می شود که ربح آن باید محاسبه شود و همینطور در مبلغ ماه های بعد حال بفرمایید:

آیا چنین قرارداد و شرطی صحیح می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، پولی که سپرده اید برای کار کردن، اگر به عنوان قرض است پس با شرط مزبور ربا است و حرام.

اگر به عنوان مضاربه است واجد شرط نیست چون شرط مضاربه آن است که ربحی که به صاحب پول داده می شود کسر مشاع باشد. راه تصیح این معامله این است که: در معامله شرط ربح به نحو کسر مشاع بنمایند و بعد از تمام شدن معامله، طرفین با یکدیگر مصالحه نمایند که آن کسر مشاع مصالحه

شود به مبلغ معین. و در ضمن شرط شود که اگر در معامله مضرر شود. به صاحب مال ربطی نداشته باشد بلکه کسی که مال به او داده شده است تدارک ضرر بنماید.

هبه

س۲۵۱: اگر کسی به زن خود چیزی هبه کند مشروط به اینکه رجوع نکند و از او پس نگیرد آیا بعدا می تواند شرط را نادیده بگیرد و رجوع کند؟

ج: هوالعالم، تکلیفا نمی تواند

رهن واجاره

س۲۵۲: در ورد اجاره خانه ای که بین موجر و مستاجر توافق می گردد به مبلغ دو میلیون تومان رهن و ماهیانه مبلغ پانزده هزار تومان اجاره و طرفین اااره قولناه را در بنگاه امضاء می نمایند و به دلیل نیاز منزل به تعمیرات و موجود نبودن پول کامل رهن، فق به مبلغ دویست هزار تومان به موجر پرداخت می گردد و الباقی مبلغ رهن و کلید منزل بین طرفین قبض و اقباض نمی گردد. سپس به دلی شرط و شروط مستاجر و شرایط خاص موجر، آندو راضی می شوند از خیر این اجاره بگذرند و آن را بهم می زنند، حال بفرمایید در این فرض حق العملی که بنگاه معاملات دریافت نموده آیا باید مسترد نماید یا خیر؟ چنانچه مستمک بنگاه در اخذ حق العمل این بند از قرارداد باشد که فسخ و اقاله تاثیری در میزان حق العمل نخواهد داشت چه می فرمایید؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که نوشته اید حق العمل بنگاه باید داده شود به همان گونه که مرسوم است و قید می شود که هر دو طرف معامله یا یک کدام هر نحو که در قرارداد ذکر می شود.

س۲۵۳: شخصی کهب رای تعمیر چاه حسینیه ای اجیر گردیده و در حالی که کار می کرده به درون چاه افتاده و مصدوم شده، بفرمایید که در این خصوص چه کسی مسئول است؟ هیئت امناء حسینیه، یا اجیر کننده

یا شخص اجیر؟

ج: هوالعالم، به این نحو که سوال شده است هیئت امنا و اجیره کننده مسئولیت ندارند.

س۲۵۴: اجرت گرفتن طبیب از برای معالجه مریض چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، جایز است.

س۲۵۵: شخصی قطعه ای زمین به کسی اجاره داده و در قراردادنامه قید نموده که مستاجر فقط بار گندم بکارد. اما مستاجر از مفاد قرارداد تجاوز کرده، پس زمین را دانه روغن بهاری کاشته که مجددا جای آن گندم بکارد.

اینک مرقوم فرمایید آیا مستاجر حق کاشتن گندم را دارد یا خیر؟

و آیا با کاشتن دانه روغنی به اجره المثل ضامن است یا خیر؟

ج: هوالعالم، مستاجر حق کاشتن دانه گندم مرتبه دوم را ندارد. و کاشتن دانه روغنی که ربطی به مورد اجاره ندارد جایز نبوده و باید اجره المثل بدهد.

قرض

س۲۵۶: چنانچه شخص طلبکار مدیون را به چیزی متهم کند آیا مدیون می تواند برای رفع تهمت از مالی که قرض گرفته کم کند؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی تواند.

س۲۵۷: چنانچه قرض گیرنده ای اعلان کند که: «هر کس فلان مبلغ به من قرض بدهد در قبال اینقدر مثلا ده درصد یا بیست درصد به او سود داده می شود». حال بفرمایید:

اولا: با توجه به اینکه ربا از ناحیه شرط و شروط پیدا می شود آیا قرض دادن به آن طرف بدون اینکه خود قرض دهنده شرط سود کند جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، جایز نیست. بلی ربا از ناحیه شروط است ولکن فرقی بین ذکر شرط به خصوص و عام و شرط ضمنی نیست.

س۲۵۸: آیا فرقی در این حکم بین بانک حکومتی و بانک اهلی است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، فرقی بین بانک حکومتی

و اهلی نیست.

س۲۵۹: برای حلال شدن سود از آن قرض گیرنده راه حل شرعی چیست؟

ج: هوالعالم، راه حل آن است که به عنوان اباحه به عوض بدهد.

س۲۶۰: آیا می توان از بدهکاری که حق را نمی پردازد از راه دروغ یا حیله از او گرفت و یا تقاص کرد؟

ج: هوالعالم، از راه دروغ و حیله، خیر. ولی تقاص جایز است.

بانک و قرض الحسنه

س۲۶۱:با توجه به بعضی از کارهای بانک، بفرمایید حقوقی که کارمندان بانک از بانک می گیرند چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۲: بانک هایی که وام ازداج می دهند مبلغی در حدود بیست هزار تومان را به عنوان حق الزحمه، برای خودشان بر می دارند، آیا این مبلغ بیست هزار تومان در صورتی که ما راضی نباشیم، برای آنهاچگونه است؟ حلال است یا حرام، و در صورتی که راضی باشیم چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد و جایز است، خصوصا در صورت رضایت دهنده پول که هیچ اشکال ندارد.

س۲۶۳: بعضی از موسسه ها و باک ها برایت اخیر در پرداخت قسط وام جریمه یا دیرکرد می گیرند. این جریمه یا دیرکرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه قرض است اشکال دارد، و اگر به عنوان مضاربه پول بگیرند اشکال ندارد.

س۲۶۴:پول هایی که به عنوان قرض الحسنه در بانک گذاشته می شود و به آن جایزه تعلق می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۵: پول هایی که به عنوان سپرده در بانک گذاشته می شود و به آن سود تعلق می گیرد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۲۶۶: نزد مردم خصوصا خانم ها متداول شده است که چند نفری پول جمع می کنند و در آخر هر

هفته یا هر ماه قرعه کشی می کنند و قرعه به نام هر که افتاد پول جمع آوری شده به او داده می شود، و سپس آن فرد از قرعه کشی بعدی کنار گذاشته می شود. حال سوال این است:

اولا: آیا چنین کاری شرعا جایز است یا نه؟

ثانیا: در صورت جواز، اگر معلوم شود که بعضی از خانم ها پولی که در این صندوق ها می گذارند بدون اجازه از شوهرشان است و یا چه بسا از بعضی پول های حرام مخلوط شود. بفرمایید که چه حکمی پیدا می کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه شرط پول گذاشتن در آن حل، قرعه کشی باشد و به حسب قرارداد لازم باشد عمل به قرعه کشی، این عمل قمار است و حرام، و پول جمع شده را به هر کس بدهند برایش جایز نیست تصرف در آن. مگر آنکه تمام کسانی که پول داده اد بگویند ولو ملزم نیستیم پول بدهیم لکن با رضایت خاطر و با علم به عدم استحقاق راضی هستیم تصرف شما را مجانا، پس در این صورت تصرف جایز است. در صورت جواز و اگر پول حرام هم مخلوط باشد چنانچه صاحبش علوم نباشد با اجازه حاکم شرع بعد از ادای خمس تصرف کنند. و چنانچه صاحبش معلوم باشد به هیچ نحو تصرف جایز نیست.

س۲۶۷: در منطقه ما صندوقی افتتاح شده به نام «بانک بلاد» که تصمیم دارد با مشارکت مردم و مجموعه ای از سهام کار کند و به مردم فرصت داده است که در آن مشارکت کنند و سهام بخرند و به نحوی مقرر کرده است که به مرور زمان قیمت سهام بالا رود

و برای خریدار سود کند حال بفرمایید:

اولا ک آیا جایز است خریـدن سـهام و مشارکت مردم در تاسـیس آن با التزام به اینکه بتواننـد این سـهام را بعد از سود کردن بفروشند؟

ثانیا: آیا جایز است مشارکت و خرید سـهام و سـپس فروش آنها در صورتی که صندوق شروع به کار معاملات کرده و ما علم نداشته باشیم به عدم مشروعیت بعضی از معاملاتش، و در صورتی که علم پیدا کنیم بهعدم مشروعیت بعضی از معاملات؟

ج: هوالعالم، مشارکت و سهام گذاری در اسیس بالتزام به فروش آن در زمان سود جایز است و اشکالی ندارد.

اما در صورت علم نداشـتن به مشـروعیت معاملات بانک، باز هم مشارکت این است چون مقتضای اصاله الصـحه نباء گذاشتن بر صـحت آن معاملات است. مگر در صورت علم به عـدم مشـروعیت بعضـی معامله، که بایـد از اخذ سود همان معامله خاص امتناع شود.

س۲۶۸: کسـی که برای حل مششکلش از بانک وام بر میدارد و بانک هم روز آن وام سود می کشد آیا برداشتن آن وام جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، وام با سود جایز نیست ولی چنانچه به عنوان مضاربه باشد اشکال ندارد.

س۲۶۹: شخصـی پولی به بانک سپرده، و هر ماه که پولی از بانک می گیرد قبل از تصـرف، یک پنجم آن پول را بابت خمس سهم امام (ع) و سهم سادات می دهد آیا می توان در بقیه پول تصرف کند؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند.

س۲۷۰: شخصـی که به عنوان مضاربه، در بانک های تارتی سپرده گـذاری می کنـد، و نمی دانـد که مسؤولین بانک به طریق شرعی عمل می کنند یا نه؟ حال سودی که سپرده

گذاری می گیرد آیا حلال است وتصرف در آن جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، همان که احتمال بدهد که به طریق شرعی عمل می کنند حلال است و تصرف در آن بی اشکال است.

س۲۷۱: کسی که پولی در بانک سپرده به قصد سود گرفتن، در سر ماه که سود از بانک می گیرد اگر قبل از تصرف آن را تخمیس نماید و خمس آن را به مستحقین برساند آیا بقیه پول حلال است یانه؟

ج: هوالعالم، سود گرفتن از بانک در صورتی خمس آن واجب است که زاید بر مؤنه سال باشد. و به هر حال سود حلال است.

ربا

س۲۷۲: فروختن چک نقد به چک مدت دار مثلا چک یکصد هزار تومانی نقد به چک یکصد و بیست هزار تومانی یک ماهه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، به نظر من اشکال دارد.

س۲۷۳: معامله ای به صورت نقد واقع شده، لکن خریدار موقع تحویل ثمن، می خواهد چک مدت دار سه ماهه بدهد و فروشنده نمی پدیرد و می گوید معامله نقد بوده نه نسیه، حال اگر خریدار با رضایت خویش ماوالتفاوت، ثمن نقد و نسیه را به فروشنده بدهد و او را راضی کند، آیا برای فروشنده گرفتن پول مذکور حلال است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی حلال است.

س۲۷۴: با توجه با احکامی که در مسئله خرید و فروش دو چیزی که همجنس و مکیل و موزون هستند اما در مزایای ذاتی مختلف می باشند، بیان گشته و آن احکام عبارتند از:

الف) جواز فروش به همزون خود

ب) جواز فروش آن به دو معامله مستقل

ج) عدم جواز آن به بیشتر از هموزن خود

حال چند پرسش مطرح می

گردد:

۱ آیا جنس برتر مستلزم ربانی ذاتی - هر چند حکمی نیست؟

ج: هوالعالم، ربای محرم ربای عینی است. اما حکمی به نظر ما حرام نیست

س۲۷۵:اگر در ذات مستلزم ربا باشد. آیا با ادله حرمت ربا تعارض ندارد؟ آیا از نظر عقلا صدق ربا نمی کند؟

ج: هوالعالم، تعارض ندارد چون حرمت ربا مختص به عینی اس. و نظر ع...Ɇمیزان نیست.

س۲۷۶: آیا مصلحت و مفسده فردی و اجتماعی در این فرض با فرض فروختن به بیشتر یا کمتر، فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، ما موظف به عمل شرعی هستیم. ملاکات را میزان عمل نمی دانیم مگر آنکه خود شارع بیان کند.

س۲۷۷: آیا این مسئله با فروش به دو معامله جدا و مستقل، در مصلحت و مفسده با هم فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، از جواب سوال قبلی فرق معلوم شد که ما موظف به عمل شرعی هستیم و ملاکات را میزان عمل نمی دانیم.

س۲۷۸: آیا جواز بیع در دو عقد مستقل، جعل حکم بر مجرد لفظ خالی از معنا نیست؟

ج: هوالعالم، بسیاری از احکام باالفاط فرق می کند، مثلاـ مرد و زن رضایت کامل به همخوابی دارند اگر کلمه «انکحث و قبلث» گفته نشود به همدیگر حرامند و با گفتن آن کلمه، به همدیگر حلال می شوند.

س۲۷۹: آیا جعل احکام مختلف در مورد الفاظی که موجد مفهوم و معنای واحدی هستند، لغو و باطل و مخالف با حکمت نیست؟

ج: هوالعالم، خیر نیست.

س۲۸۰: آیا جواز فروش به هموزن خود مستلزم اضرار و ظلم به صاحب جنس برتر نیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه با رضایت باشد ظلم نیست.

س۲۸۱: آیا این گونه معاملات از نظر عرف و عقلا سفهی نیست؟

ج: هوالعالم، عقلائی است.

س۲۸۲: آیا چنین

حکمی مستلزم فساد اموال، که علت حرمت ربا در روایات قرار داده شده نیست؟

ج: هوالعالم،

س۲۸۳:آیا موجب تمرکز ثروت - که منهی قرآن است نیست؟

ج: هوالعالم، خیر نیست.

س۲۸۴: آیا مخالف با قرآن که ربا را به طور مطلق حرام و بیع را به طور مطلق در برابر آن حلال نموده نیست؟

ج: هوالعالم، با بیان معصومین (ع)، اشکالات مرتفع می شود.

س۲۸۵: آیا تعبد در این گونه موارد که عقل حکم استقلالی به نفی و یا تعارض آن با ادله قطعی دیگر می نماید، جایز است؟

ج: هوالعالم، چنانچه تعبدی که شارع می کند منافی با قرآن نیست. مبین قرآن است.

س۲۸۶: از آنجا که این پرسش ها در حقیقت مربوط به نحوه استنباط که در کتب فقهی ذکر شده نظیر اجماع، و بلا خلاف بین مسلمین یا شعیه، و اطلاق و عموم آیات و روایات. و قید زدن حلیت بیع به اینکه ربوی نباشد می باشد نمی تواند دلیل پرسش ها باشد زیرا معقول نیست چیزی دلیل خود باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه سوال از حکم شرعی باشد دلیل آن باید از طریق آیا و روایات بررسی شود نه از راه عقل «لان دین الله لایصاب بالعقول»، «السنه اذا قیست محق الدین».

ضمان

س۲۸۷: مستدعی است فتوای خود را در خصوص سوالات زیر بیان فرمایید: الف) والدین در مراقبت از کودک خود تقصیر و سهل انگاری می کنند و او موجب ورود خسارت به شخص ثالثی می شود، قرار ضمان بر چه کسی می باشد؟

ج: هوالعالم، در غیر باب دیات و فرض خسارت مالی، چنانچه صبی غیر ممیز باشد او ضامن نیست در صورتی که اتلاف

به او مستند نشود و او آلت باشد. و اما والدین اگر تسبیب در جنایت نموده باشند قهرا ضامن هستند و الا آنها هم ضامنی ندارند.

ب) در صورت مراجعه شخص ثالث به مال کودک یا والدین مقصر. آیا آنها حق مراجعه به هم را خواهند داشت؟

ج: هوالعالم،اگر جنایت منتسب به هیچ کدام نباشد که هیچ کدام حق مراجعه به دیگری را ندارند، و اگر به هر دو منتسب باشد پس سبب اقوی از مباشر است.

س۲۸۸: مربی یا مسول موسسه ای که از کودکان حفاظت و نگهداری می کند در صورت تصیر در نگهداری، آیا ضامن خسارت ناشی از فعل کودک می باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه تقصیر در نگهداری به نحو یاست که عرفا صدق تسبیب در جنایت می کند که او ضامن است و الا وهی بر ضامن نیست.

س۲۸۹: آیا فرقی بین صغیر ممیز و غیر ممیز در موضع ضمان فوق وجود دارد؟

ج: هوالعالم، فرق بین ممیز و غیر ممیز در صدق تسبیب و عدم آن، موثر است، ولی در ضمان مستقیما دخیل نیست.

س۲۹۰: امام راحل در رضوان الله تعالی علیه در مسئله ۵۴ کتاب الغصب تحریر الوسیله می فمرایند: «للضما سببان آخران: الا تلاف و التسبیب. و بعباره اخری سبب آخر و هو الا تلاف سواء کان بالمباشره او التسبیب».

مستفاد از ماده ۳۲۸ قانون مدنی این است که در ضمان حاصل از اتلاف، عمدی بودن یا غر عمدی بدن عمل مرتکب تفاوت ندارد، لکن از مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مزبور استظهار شده است که در تسبیب، شرط ضمان تعهد یا تقصیر مرتکب است. حال نظر مبارک را بیان فرمایید آیا از جهت اشتراط

عمد و علم و تقصیر بین احکام اتلاف و تسبیب تفاوت وجود دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، اسباب ضمان را می توان سه چیز بر شمرد ۱ تلف ۲ اتلاف ۳ تسبیب

سبب اولی عبارت است از استیلای بر مال غیر بدون اذن او. و دلیل آن هم حدیث «علی الیه ما اخذت حتی تؤدی» است

و اما سبب دوم که اتلاف باشد برای آن دلیل زیادی ذکر کرده اند و از نظر ما همه اش خالی از اشکال نیست، لکن عمده دلیل آن روایات خاصه است که در ابواب مختلف فقه مانند عقود اتیمانیه مثل وکالت، مضاربه، رهن و غیره که در همه اینها حکم به ضمان شده در صورت تعدی و تفریط، و مانند آنچه که حدیث «القصار یخرق الثوب» دلالت می کند بر ضمان قصار به جهت «ما جنت به یده»، و موید است این سبب دوم به اموری که ایه کریمه «من اعتدی علکیم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» و حدیث «علی الید ما اخذت» و روایت «حرمه مال المسلم کحرمه دمه» و روایت «المغصوب مردود» و بسیاری از روایات دیگر، باشد. و اتلاف مباشری عبارت است از فانی کردن خود اسنان مال غیر را بدون واسطه فاعل ارادی یا غیر ارادی دیگر.

و اما سبب سوم که تسبیب باشد که آن را یک قسم از اتلاف شمره اند عبارت است از هر فعلی که سبب وقوع تلف گردد ولی علت قامه تلف نیست و یا جزء اخیر از علت قامه است، و لهذا تعریف نموده اند سبب را به اینکه «انه مالا یلزم من وجوده الوجود ولکن یلزم من عدمه

العدم» و ظاهر اجماع است بر اینکه آن هم موجب ضمان است فی الجمله.

و ما موارد ضمان را در جلد ۲۶ المصادق ص ۳۱۶ مفصلا نوشته ایم مراجعه شود.

س۲۹۱: ماده ۳۲۸ قانون مدنی به تبعیت از نظر مشهور فقهاء مقرر می دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد...»

و با توجه به مبانی فقهی این قاعده در تحقق ضمان با اتلاف. فرقی بین عمد و غیر عمد، داشتن تقصیر و عدم آن، و حتی علم و جهل عامل ورود ضرر. قائل نشده اند. و در هر حال عامل ضرر را ضامن دانسته اند، از طرفی فقهاء اتلاف را به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب تقسیم کرده و برخی تسبیب را به عنوان قاعده مستقلی مطرح نموده اند. در قانون مدنی نیز بحث تسبیب ذیل بحث اتلاف مطرح شده لکن از مواد ۳۳۳ و ۳۳۴ استظهار شده است که ضمان عامل ضرر در صورت تسبیب منوط به اقدام عمدی یا بی احتیاطی و تقصیر وی می باشد. حال با توجه به این مقدمه استدعا می شود به سوالات زیر که در مسائل قضایی متعددی مبتلا به می باشد پاسخ داده شود:

۱ آیا تسبیب عامل مستقلی برای ضمان می باشد یا یکی از اقسام و فروع اتلاف تلقی می شود؟

ج: هوالعالم، بلی سبب مستقلی است.

س۲۹۲: آیا بین احکام تسبیب و اتلاف تفاوت وجود دارد؟ «بخصوص از جهت اشتراط عمد و علم و تقصیر».

۳ بنابر فرض تفاوت بین حکم اتلاف و تسبیب از نظر

حکم، ضابطه دقیق در تفکیک آن دو چیست؟ زیرا فقها در مواردی اتلاف را به اقدام بالمباشره مرتکب در از بین بردن مال معنا کرده اند لکن ایجاد علت تلف مثل روشن کردن اتش روزدن تیر و امثال آن را نیز از مصادیق اتلاف دانسته اند. در صورتی که برخی موارد مشابه مثل کندن چاه در سر راه و امثال آن را تسبیب تلقی کرده اند؟

۴ در مواردی که فردی از طریق وسائل نقله یا ماشین آلات صنعتی اقدام نموده و با بی مبالاتی در اقدام موجب صدمه می شود مصداق اتلاف است یا تسبیب؟

ج: هوالعالم، جواب این سه سوال (۲و۳و۴) از آنچه در جواب سوال سابق نسبت به تعریف و ادله اسباب ضمان ذکر شد، به خصوص بعد از مراجعه به فقه الصادق» معلوم می شود.

س۲۹۳: جزء مسلمات فقه در خصوص و فتاوی این موضوع است که «خطا القاضی علی بیت المال». و اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهور اسلامی نیز بر این اساس مقرر داشته است که:

هرگاه دراثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود»

۱ آیا این کممنحصر به قاضی است یا شامل سایر کارگزاران حکومت نیز می شود، به عبارت دیگر ار یکی از مسولین حکومتی اعم از وزر یا استاندار یا کارمند مرتکب عملی خلاف قانون و غیره مجاز شد که از آن طریق آسیب و زیان به شخص یا اشخاص وارد شد

مسلما در فرض تعمد و تقصیر فرد عامل زیان وی، طبق عمومات تسبیب ضامن و مسوول پرداخت خسارت شناخته می شود.

لکن اگر کار او بدون عمد و تقصیر بود، تکلف خسارت وارده چه می شود؟ آیا خسارت بدون جبران باقی می ماند یا می شود به استناد به ادله «لا ضرر» یا «تسبیب» یا «تنقیح مناط» از قاعده «خطاء القاضی علی بیت المال» دولت و حکومت را مسئول پرداخت خسارت تلقی کرد؟

۲ در صورت مسول دانست دولت و بیت المال، لطفا مبنای آن را ذکر فرمایید؟ و در صورت عدم سئول دانست دولت، تکلیف جبران خسارت را مشخص فرمایید؟

ج: هوالعالم، در صورتی که بر خلاف قانون عمل کند قطعا خود او باید جبران کند. اما در صورتی که بر طبق قانون شرعی عمل کرده است و حکومت هم حکومت اسلامی است باید خسارت از بیت المال حساب شود. اما دلیل و مدرک: نه بواسطه «لاـ ضرر» چون این قاعده نافی حکم است نه مثبت آن، و نه به «تسبی» چون صدق تسبیب نمی کند، بلکه به واسطه همان دلیلی که دال است بر قاعده «خطا القاضی علی بیت المال» چون این قاعده تنها در اینمورد نیست مثلا در ازدحام جمعیت در نماز جمعه کسی تلف شود و یا ضرری بر او وارد شود همین حکم را دارد، و نیز در موارد دیگر. حال اسم این دلیل را «تنقیح مناط» بگذارید یا «عموم علت» و یا «استفاده حکم کلی از موارد خاصه».

س۲۹۴: آیا اجزاء مختلف حکومت، شخصیت حقوقی مستقل محسوب می شود یا کل حکومت و دولت یک شخصیت حقوقی است؟ مثلا اگر سازمان اب

در حفاری خیابان برای کار گذاشتن لوله به تاسیسات منصوبه از سی سازمان دیگری اسیب برساند و یا اگر شهرداری موقع تعریض یک خیابان، ملک مربوط به اداره دیگر را تصرف و تخریب نماید، آیا سازمان اقدام کننده ضامن و مسئول جبران خسارت در مقابل سازمان زیان دیده می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه در ضرر و نفع مؤسسه و سازمان از اجزاء دولت. به دولت مراجعه می شود که ظاهر هم چنین است معلوم می شود شخصیت حقوقی مستقلی ندارد. و الله العالم.

س۲۹۵: اینجانب در سال ۸۲ از اداره ارشاد اسلامی شهرستان... در خصوص برپایی نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب در محلی... که مالکیت زمین آن با اداره ارشاد اسلامی بوده است دریافت نمودم.

بلافاصله با موافقت شهرداری اقدام به ساخت نمایشگاه در آن زمین، با هزینه شخصی نمودم. اما اکنون پس از دو سال فعالیت مطلوب و مورد تایید عموم، اداره ارشاد خواستار تخلیه و تخریب ملک شده است، در حالی که مجزو اینجانب دائمی بوده و قید مکان هم در مجوز مشخص شده و مالکیت بناء با اینجانب است.

حال بفرمایید: در صورت تخلیه و تخریب، خسارت و ضرر و زیانی اینجانب متوجه اداره ارشاد است یا خیر

ج: هوالعالم، به این گونه که نوشته اید تمام خسارات متوجه ارشاد است. و تا زمان تعیین تکلیف درآمد حاصله متعلق به شما است.

احکام خیارات

س۲۹۶: آیا غش در معامله، موجب خیار برای بایع یا مشتری می شود؟

ج: هوالعالم، غش در معامله حرام است و موجب بثوت خیار برای شخص مغشوش می شود، و در خصوص بیع مطلی بماء الذهب، موجب فساد معامله است.

س۲۹۷: اگر کسی جنسی را

برای تعمیر پیش تعمیرکار ببرد و تعمیر کار قیمت بیشتری از سایر تعمیرکاران طی کند آیا در صورت با خبر بودن صاحب جنس از نرخ دیگر تعمیر کاران، پول مذکور به تعمیر کار حلال است؟

ج: هوالعالم، چونخیار غبن را مختص به بیع نمی دانم چنانچه غبن صدق کند یعنی اختلاف معتنی به باشد می تواند فسخ اجاره کند. و اما اگر فسخ نکند زیادی حلال است.

س۲۹۸: در صورتی که تعمیرکار با صاحب جنس اجرت را به صورت نقدی طی کند لکن صاحب جنس هنگام تحویل گرفتن جنس، بگوید پول شما را بعد از پنج ماه می دهم آیا تعمیر کار برای تاخیر در پرداخت اجرت، می تواند زیادی بگیرد؟

ج: هوالعالم، می تواند معامله را فسخ کند از باب خیار تاخیر ثمن. و معامله دیگری به مقدار زاید بنماید و زیادی در این فرض خالی از اشکال است.

س۲۹۹: شخصی ملکی را با رعایت جمیع ارکان و شرایط صحت معامله، ابتیاع نموده است. فروشنده مدعی است چون خریدار ثمن معامله را تادیه ننموده پس معامله باطل و خریدار شرعا مالك بیع شناخته نمی شود. حال مورد سوال در فرضی است که اولاـ عقد بیع با رعایت همه شروط معتبر در صحت عقد واقع شده، ثانیا: عقد به صورت مطلق و بدون قید و شرط (غیر خیاری) بوده، حال بفرمایید:

آیا فروشنده شرعا مجاز است با عذر به اینکه چون ثمن تادیه نشده، معامله فسخ و غیر لازم الوفاء است یا اینکه عقد و معامله محکوم به صحت و لزوم بوده و خریدار فقط ملزم به تادیه ثمن است؟

ج: هوالعالم، یکی از مواردی که فروشنده می

توانـد معـامله را بهم بزنـد و فسـخ نمایـد موردی است که خریـدار ثمن معـامله را تـادیه ننماییـد، بنابراین در فرض سوال چون خریـدار ثمن را نپرداخته فروشـنده می توانـد معامله را فسخ کند، بلی چنانچه در حین معامله شـرط سـقوط کافه خیارات بشود خیار نداارد. و اما اگر خریدار ادعا می کند که ثمن معامله را داده ام پس حکم تغییر می کند.

س۳۰۰: اینجانبه ساختمانی با وجوه شخصـی و وام اعطایی در شهرسـتان... جهت نگهـداری سالمندان تاسـیس نمودم و در طی قراردادی بـا اداره بهزیستی... منعقـد نموده که سالمنـدان معرفی شـده از بهزیستی و یـا خانواده ها را. با پرداخت شـهریه ماهانه نگهداری نمایم. اگر چنانچه شـهریه تا ۱۵ روز پرداخت نشود، اینجـانبه حق دارم به صورت یکطرفه قرار داد را فسـخ نمـایم. و حل انکه به مدت شش ماه و حتی یکسال است شهریه آنهاپرداخت نگردیده.

اینجـانبه از بـاب انسـان دوستی در دسـتگاه ساختمـان اجاره کرده و سالمنـدان را به آنجا منتقل نمودم، ولکن اداره بهزیستی به دلیل انیکه سالمندان را به انجا منتقل نمودم، بر علیه اینجانبه شکایت نموده و اینجانبه را در دادگاه به عنوان کلاهبردار محکوم نموده. اینجـانبه بـا اینکه مالـک بالانحصـار آن ساختمـان هسـتم و آنهـا که فقـط حق انتفـاع داشـتند طبق قرارداد.آیـا حق اداره بهزیستی شرعا ساقط می گردد یا نه؟

ج: هوالعـالم، به این گونه که نوشـته ایـد شـما خیـار تخلف شـرط داریـد و می توانیـد قرارداد را فسـخ کنیـد. بنـابراین شـما نه کلاهبردارید و نه ظالم به مستمندان و حق انتفاعی که داده بودید با فسخ معامله به خودتان منتقل می شود.

س۳۰۱: اینجانب آپارتمانی را از شخصی که سند

به نـام او بود خریـداری نمودم به مبلغ بیست میلیون تومـان، و قرار شـد پنجاه درصـد از مبلغ را در بنگاه پرداخت نمایم و پنجاه درصد دیگر را در محضـر موقع انتقال سند پرداخت نمایم و در موقع مقرر تمام مبلغ را در دو قسمت پرداخت نمودم و سند نیز به نام اینجانب انتقال یافت. و فروشـنده عنوان کرد چون آپارتمان در دست کسـی می باشد حدود شـش ماه دیگر آن را تخلیه می نمایـد و من هم قبول نمودم. لکن موقع تحویـل منزل بـا مـدارکی که داشـتم به نزد ایشان رفته و تقاضای تخلیه آپارتمان را نمودم. ایشان در جواب گفتند: من آپارتمان را به فروشـنده شـما به طور مدتی فروخته و در قرارداد شـرط کرده ام هر کدام از چک ها برگشت شود معامله فسـخ است و من در اینجا به طور رایگان می نشـینم. در صورتی که فروشـنده دوم (خریـدار اول) حدود دو ماه قبل از شـرط مذکور سند را به نام اینجانب انتقال داد و تمام ثمن را دریافت نموده در حالی که من هیچ عنوان از قرارداد و شرط این دو نفر خبر نداشتم. حال تقاضا می شود حکم شرعی را در خصوص سوالات ذیل بیان فرمایید:

۱ خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول، خیار شرط است یا خیار تخلف از شرط؟

ج: هوالعالم، شرط مذکور از دو جهت باطل است:

الف) چون شرط فعل نیست شرط حکم است و آن هم مخالف شرع می باشد.

ب) مدت مجهول است.

س۳۰۲: با جعل خیار مذکور، حکم معامله دوم – که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته است – چه می باشد؟

ج:

هوالعالم، با بطلان شرط، دیگر وجهی بر بطلان بیع دوم نیست.

س۳۰۳: بر فرض اینکه عامله دوم صحیح باشد، فروشنده اول الباقی طلب خود را از خردیار خودش باید بگیرد یااز اینجانب که تمام ثمن معامله را به فروشنده خود پرداخت نموده ام؟

ج: هوالعالم، بر فرض صحت معامله دوم، فروشنده اول نمی تواند طلب خود را از خریدار دوم مطالبه کند.

س۳۰۴: آیا فروشنده اول بعد از معامله دم و انتقال سند به خریدار خود - می تواند از تخلیه و تحویل آپارتمان به خریدار دوم خودداری نماید یا خیر؟

ج: هوالعالم، فروشنده اول نمیت واند از تخلیه و تحویل ملك به خریدار دوم خودداری کند. اساسا این گونه که مسئله عنوان شده است همه حرف های زیادی همچون ادعایی است تا اثبات نشود مورد اعتنای شرع نیست. پس معامله صحیح بوده و آپارتمان مال خریدار دوم است.

س۳۰۵: اگر عیب حادث بعد از عقد بیع، قبل از رد بیع، زایل شودخیرا و ارش هم ساقط می شود؟

ج: هوالعالم، به نظر ما عب حادث بعد از عقد بیع موجب خیار نیست.

س۳۰۶: عیوبی که بعد از عقد بیع ظاهر می شود اگر معامل در حال عقد آنها را اسقاط کند اسقاط م«مالم یجب» است آیا اسقاط «مالم یجب» به دلیل «المؤمنون عند شروطهم» تصحیح می شود؟

ج: هوالعالم، اسقاط مالم یجب در صورتی که معلق بر ثبوت آن عیوب باشد مانعی ندارد، لذا شیخ انصاری (ره) استدلال فرموده بر صحت اسقاط در مورد سوال به عموم «المسلمون عند شروطهم».

س۳۰۷: در صورتی که مشتری بیع معیوب را به دیگری هبه کند آیا خیار عیب او ساقط می شود یا نه؟

ج: هوالعالم،

اگر هبه لازم باشد خیار ساقط می شود در صورتی که هبه بعد از علم به عیب باشد. و به هر تقدیر ارش ساقط نمی شود. و اگر هبه جایز باشد و شخص موهوب له، تصرف متلف عین نکرده باشد، خیار ساقط نمی شود.

س۳۰۸: شخصی ملک خود را به بیع مؤجل فروخته و متعاملین ضمن عقد شرط نموده اند چنانچه هر یک از اقساط در سر رسید پرداخت نشود، فروشنده حق فسخ داشتهباشد، سپس خریدار، مذکور را به شخص دیگر فروخته و تمام ثمن معامله را دریافت نموده است. پس از وقوع معامله دوم، فروشنده اولی به علت پرداخت نشان اقساط ثمن معامله که سر رسید آن بعد از وقوع معامله دوم بوده است از حق فسخ خود استفاده نموده است. حال تقاضا می شود نظر فقهی را در خصوص پرسش های زیر مرقوم فرمایید:

اولا: خیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول خیار شرط می باشد یا خیار تخلف از شرط؟

ج: هوالعالم، به هر تقدیر خیار فسخ ثابتاست و بایع می تواند فسخ کند

س۳۰۹:ثانیا: با جعل خیار و مذکور، حکم معامله دوم که قبل از اعلان فسخ معامله اول صورت گرفته است چه می باشد؟

ج: هوالعالم، بعد از فسخ چنانچه بایع اول آن معامله را امضاء کند صحیه است و الا باطل است.

و در فرض صحیت ثمن مال بایع اول می شود چون اگر صحیح باشد معنایش این است که بعد از فسخ، معامله دومی بقاء فضولی است.

س۳۱۰: ثالثا: در فرضی که معامله دوم صحیح باشد نحوه جبران خسارت فروشنده اول چه می باشد؟

ج: هوالعالم، لازمه صحت آن این است که مشتری اول باید

فقط همان قسط معامله اول را بپردازد.

س۳۱۱: اگر پاسخ سوال «ثالثا» بدل بیع باشد قیمت چه روزی باید بدهد؟ قیمت روز فسخ یا روز اداء یا غیر آن؟

ج: هوالعالم، در صورت استحقاق بدل بیع، قیمت یوم اداء را باید بپردازد.

س۳۱۲: در مورد خیار غبن و خیار عیب چنانچه بعد از اطلاع مخبون از غبن و بعد از اطلاع مشتری از عیب، قیمت بیع بالا رفته و تدارک ضرر نماید آیا خیار مخبون و مشتری ساقط می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، در مورد خیار غبن خیار ساقط می شود. و اما در خیار عیب خیر ساقط نمی شود.

س۳۱۳: هر گاه بایع بعد از وقوع معامله مفلس شود و ثابت شود که در آن معامله مخبون واقع شده آیا می تواند با اعمال خیار غبن، بیع را به ملک خود برگداند؟

ج: هوالعالم، اجازه بیع خیاری و فسخ آن چون تصرفی است که اثر بر سابق بر حجر است در اختیار است می تواند معامله غبنی رافسخ کند و بیع را به ملک خود برگرداند.

احکام ازدواج

احکام عقد

س۳۱۴: اگر زن و مرد شخصی را وکیل کنند برای خواندن صیغه عقد ازدواج، لکن وکیل فراموش کند که آیا عقد دائم بخواند یا عقد منقطع. در حالی که دسترسی به موکل هم ندارد وظیفه اش چیست؟

ج: هوالعالم، احتیاط دو عقد اجرا کند، یکی را دائم و دیگری منقطع به آن مدتی که موکل تعیین نموده است در صورت وکالت در ارای صیغه انقطاعی.

س۳۱۵: آیا خواندن صیغه عقد دایم با عبارت «متعت» به نظر مبارک شما صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خلاف احتیاط است.

س۳۱۶: مرد و زنی که هر دو قصد

ازدواج داشته اند بدون جاری کردن صیغه عقد عربی، و بدون جاری کردن ترجمه فارسی آن تنها با قصد واقع شدن ازدواج، نوشته ای رد و بدل کرده اند و مواقعه صورت گرفته است، حکم را بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، ازدواجی که انشاء با ایجاب و قبول نباشد، صحیح نیست.

شرایط عقد

س۳۱۷: دختری که باکره، بالغه، عاقله رشیده است و حدود سی سال از سن او می گذرد و نیاز به ازدواج دارد آیا می تواند بدون اذن پدر با... با مردی که مؤمن و متدین است ازدواج موقت دراز مدت نماید؟

ج: هوالعالم، من نسبت به ازدواج دختر بالغه باکره رشیده اذن پدر و غیر پدر را شرط نیم دانم حتی در ازدواج دائم و تحقق دخول، بنابراین ازدواج مشارالیه هیچ گونه اشکالی ندارد.

س۳۱۸: آیا در ضمن عقد دایم جایز است شرط شود که در فاصله زمانی بین عقد تا عروسی. زوج با زوجه آمیزش و دخول نکند یا خیر؟

و عقد دایمی که چنین شرطی در ضمن آن شده است صحیح است یا باطل؟

(خواه این شرط از طرف زوجه یا زوج یا هر دو باشد).

ج: هوالعالم، شرط جایز است و عقد هم صحیح است.

س۳۱۹: آیا زوجه می تواند در ضمن عقد ازدواج شرط کند که تمامی کارهای منزل را شوهر انجام دهد و او هیچ کاری انجام ندهد؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند.

زن هایی که ازدواج با آنها حرام است

س۳۲۰: مردی که زنش فوت کرده یا طلاق داده، پس فورا با خواهرزنش ازدواج کرده بفرمایید حکم چیست؟

ج: هوالعالم، در صرت فوت زن جایز است ازدواج خواهر او. و در طلاق اگر رجعی باشد جایز نیست و اگر بائن باشد جایز است.

س۳۲۱: شخصی که زنش را طلاق بائن داده و یا مدت متعه اش تمام شده آیا جایز است خواهر آن زن را بگیرد؟

ج: هوالعالم، بلی، جایز است.

س۳۲۲: زنی که در عده است چه عده وفات و چه عده طلاق کسی با او ازدواج کرده، بفرمایید با علم به مسئله و یا

جهل به مسئله این ازدواج چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، ازدواج در عده مطلقا جایز نیست. و چنانچه ازدواج نمایند زن محرم ابدی میوشد به شرط یکی از دو امر ۱ یا یکی از آنها یا هر دو عالم به حکم و موضوع باشند ۲ یا دخول محقق شده باشد و الا محرم ابدی نیست.

س۳۲۳: در صورتی که زن در حال عده باشد و نداند که ازدواج در حال عده حرام است. پس شخصی او را برای خودش عقد می کند، حال زن علم پیدا کرده آیا حرام ابدی می شود؟

ج: هوالعالم، مزویج در عده با علم یا دخول موجب حرمت ابدی است.

س۳۲۴: کسی که علم اجمالی دارد به اینکه در بین این چند زن، یکی در حال عده است و یکی از آنها را برای خود عقد کند، آیا عقد صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، در صورت علم اجمالی واجب است ترک تزویج همه. و اگر تزویج یکی از آنها را بنماید باطل است ولی موجب حرمت ابدی نمی شود.

مهریه

س۳۲۵: اگر زن مهریه اش به شوهرش ببخشد آیا می تواند برگردد یا خیر؟ و آیا قصد قربت مدخلیت دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، می تواند برگردد، و فرقی بین قصد قربت و عدم آن ندارد.

نفقه

س۳۲۶: نفقه ای که مرد به زنش می دهد آیا به شأن و حال زن و حال مرد لحاظ می گردد؟

ج: هوالعالم، به حسب عرف و شأن زن به شأن مرد مقیاس گرفته می شود، در کلمات فقها به اینگونه عنوان شده است.

س۳۲۷: در صورتی که مرد از زنش جدا شده آیا خرج سه ماه و ده روز را

باید به آن زن بدهد؟

ج: هوالعالم، خیر، لازم نیست خرج سه ماه و ده روز را بدهد.

س۳۲۸: زنی که شوهرش سید است و مفقود گشته آیا می شود به اینزن بابت نفقه که از شوهرش طلبکار می شود سهم سادات داد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، نمی شود مگر آنکه شخثی با اجازه مجتهد از طرف آن سید قبول کند و بدهد به زن او.

متعه (عقد موقت)

س۳۲۹: چنانچه کسی زنی را متعه کرد ولی مدت را معین نکرد آیا عقد باطل است؟

ج: هوالعالم، مدت باید معین باشد.

س۳۳۰: کسی که زنی را صیغه غیردائم نموده ولی به وقت طولانی نود و نه ساله، حال تصمیم گرفته اند از هم جدا شوند آیا صیغه طلاق لازم است یا آن وقت طولانی را ببخشد کافی است؟

ج: هوالعالم، صیغه طلاق لازم نیست چون آن زن متعه است و وقت طولانی را ببخشد کافی است.

س۳۳۱: زنی که متعه شده، مدت عقد را فراموش کرده، لکن مرد مدت را میداند، با این حال زن که از باقی بودن یا نبودن مدت از مرد می پرسد، مرد جواب نمی دهد و میخواهد زن را اذیت کند. بفرمایید حکم مسئله چیست؟

ج: هوالعالم، نباید اذیت مؤمن نمود، ولی تا زمانی که احتمال می دهد مدت باقی است نمی تواند بنا بگذارد بر اینکه شوهر ندارد.

س۳۳۲: یک شخص چه تعداد زن متعه میتواند اختیار کند؟

ج: هوالعالم، عدد خاصی برای متعه نیست.

س۳۳۳: آیا ملا عبد با زن متعه در فراش همسر دائم جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است در صورتی که هبوها به عورت همدیگر نگاه نکنند.

س۳۳۴: آیا ملا بعد با زن متعه در فراش همسر

دائم حدود و شرایطی دارد؟

ج: هوالعالم، برای آن غیر از شرط فوق که هبوها به عورت یکدیگر نگاه نکنند شرط دیگری نیست.

(ت) س۳۳۵: آیا عقد متعه در مورد زن های ادیان دیگر غیر از شیعه جایز و صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، متعه در مورد زن های سنی صحیح است و در زنهای کافر چنانچه مسیحی یا یهودی و یا مجهوسی باشند نیز جایز و صحیح است و لا در غیر اینها جایز نیست.

س۳۳۶: لطفا توضیح دهید ازدواج متعه چه احکامی دارد؟

ج: هوالعالم، برای ازدواج متعه احکام بسیاری است که به چند موردش اشاره می شود

۱ ذکر مهر در عقد لازم است و بدون ذکر آن عقد باطل است.

۲ زوجه از زوج ارث نمی برد مگر در صورتی که ارث بردن زوجه در ضمن عقد متعد شرط شود.

۳ در غیر مورد وفات، عده زن متعه کمتر از عده زن دائم است.

۴ نسبت به زوجه متعه، ظهار، لعان و طلاق وجود ندارد.

۵ نسبت به فسخ عقد متعه، حضور دو شاهد عادل شرط نیست که چنانچه در عقد دایم شرط است.

مسائل متفرقه ازدواج

س۳۳۷: چنانچه کسی با زنی که برای او مسجل نیست شوهر دارد یا نه. با رضایت زن در قبال مبلغی به ملا عبد و بازی بپردازد تا حدی که جنب شود:

۱ آیا با توجه به رضایت طرفین می تواند صیغه را حالا بخواند؟

۲ درغیر این صورت حکم شرعی این فعل چیست؟ و آیا می تواند کفاره پرداخت کند؟

ج: هوالعالم، عمل ملاعبد ولو با رضایت بوده، ولو بعدا صیغه بخوانند حرام بوده، کفاره ندارد لکن باید توبه کند.

و اما بعد

بخواهند صیه بخوانند جایز است و زن و شوهر می شوند و تمام اعمال زناشویی از ملاعبه و جماع حلال می شود.

س۳۳۸: شخصـی به زن شوهردار تجاوز کرده و شوهرش او را طلاق داده پس همان مرد متجاوز او را عقد کرده حالا از او چندین اولاد دارد آیا این اولاد حلال زاده هستند؟

ج: هوالعالم، فتوای فعلی من این است که حلال زاده می باشند چون زنا به ذات بعمل موجب حرمت ابدی نمی شود.

س۳۳۹: شخصی با پسری لواط کرده. سپس با خواهر آن پسر ازدواج کرده آیا اولادشان حلال زاده هستند؟

ج: هوالعالم، چنانچه آن شخص حین لواط بالغ بوده و آن پسر غیر بالغ بوده. آن ازدواج باطل بوده و اولادشان حلال زاده نیستند.

س۳۴۰: پسر بچه صغیر و نابالغی با رضایت ولی یا حاکم وطبق مصلحت به عقد زنی در می آید برای اینکه دختر آن زن به این پسر محرم شود زیرا آن پسر تحت تکفل دختر آن زن است و چونکه بدون دخول، مهمیت نسبت به دختر آن زن حاصل نمی شود آیا دخول قهری به پسر نابالغ مثلا در حال خواب یا بدون اختیار پسر بچه مجزی است یا نه؟

و آیا سایر احکام وضعیه بر این دخول قهری مترتب می شود مثل وجوب تمام مهر، حصول جنابت. حرام شدن ربیبه، حرمت ابدی در صورتی که زن درعده باشد و لزوم عده بعد زا فراق؟ و آیا اگر زن شوهر داشته باشد صدق زنا می کند؟ و آیا حد و رحیم مترتب می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، در احکام مصاهره که دخول معتبر است فرقی بین اختیاری

و غر اختیاری، محرم و غر محرم نمی کند و همچنین در لزوم عده بعد از فراق. و اما در حد، رجم با زنای صغیر نیست بلکه حد زده می شود.

س۳۴۱: آیا این روایت منقول در رسائل الشیعه «قال مسئل امیر المومنین (ع) أتؤتیالنساء فی ادبارهن فقال (ع) –سفلت، سفل الله، اما سمعت بقول الله عزوجل – تتأتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین» دلالت بر حرمت وطی دبر خوددارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی. اگر همین یک روایت بود حکم می شد به حرمت، ولی معارض دارد.

س۳۴۲: اگر در فاصله زمانی بین عقد تا عروسی، شهور با آمیزش نکردن با زن شرعی خود به حرام دچار شد، آیا واجب است که زن خودش را برای آمیزش در اختیار شوهر قرار دهد؟ با عنایت به اینکه زن در فاصله مذکور در منزل پدرش زندگی می کند.

ج: هوالعالم، اگر شرط ضمنی نکرده باشند که زن مادامی که در منزل پدر است می تواند تمکین نکند. و شوهر هم درخواست آمیزش کند. بلی واجب است.

س۳۴۳: آیا ازدواج اجباری صحیح است یا خیر؟ و در صورت تحقق چنین ازداجی آیا فرزندان متولد شده ولد زنا محسوب می شوند؟ و آیا ارث می برند یا خیر؟

ج: هوالعالم، ازدواج اجباری صحیح نیست و اگر زوین خیال می کردند صحیح است اولاد آنها ولد زنا محسوب نمی شود و ارث می برند.

س۳۴۴: حدود اطاعت زوجه از زوج، خصوصا در مسئله خروج از منزل را بفرمایید؟

ج: هوالعالم، خروج زن از منزل بدون اجازه زوج جایز نیست.

موارد فسخ عقد

س۳۴۵: در صورتی که زن بگوید آلت شوهرش کوتاه است و او را ارضاء نمی

کند، آیا این عیب از موارد فسخ ازداج شمرده می شود به حکم ثانوی؟

ج: هوالعالم، خیر، مورد فسخ نیست چون ارضاء آن به حسب روایات به نحو دیگر ممکن است و جایز.

احکام والدین و اولاد

س۳۴۶: در صورتی که فرزند به سن تکلیف رسیده و حلال و حرام را تشخیص می دهد آیا باز هم بر در لازم است همه وقت، تکالیف شرعی را بر فرزندش یادآوری نماید؟

ج: هوالعالم، بلی لازم است.

س۳۴۷: با فرض مسئله قبلی آیا بر پدر لازم است فرزندش را برای انجام نماز صبح از خواب بیدار کند؟

ج: هوالعالم، بلی، بیدار کردن او و افراد دیگر لازم است.

س۳۴۸: در صورتی که فرزند نماز نخواند پدرش می تواند با او قطع رابطه کند؟

ج: هوالعالم، به هر کیفیت که ممکن است او را وادارد به نماز خواندن، بر پدر از باب امر به معروف لازم است.

س۳۴۹: طلبه ای که برای تحصیل علوم دینی از پدر و مادرش جدا شده و به شهر دیگر رفته، احساس می کند از جهت اینکه تنها فرزند آنها است آنها میل و رغبتی به هجرت و جدایی او ندارند آیا بر او واجب است پیش آنها بماند؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است، خصوصا در صورتی که از هجرت او اذیت شوند.

س۳۵۰: با فرض این مسئله که، چنانچه زنی حامله باشد به دختری و دختر در شکم مادر نیز حمل داشته باشد آیا این حمل دختر نسبت به شوهر آن زن دختر حساب می شود یا نوه او؟

ج: هوالعالم، نمی دانم آیا فرض مسئله ممکن است؟ بر فرض امکان آن دختر او می شود.

س۳۵۱: اینجانب به استحضار حضرتعالی می رسانم که:

پسرم

که در خارج از کشور همسری اختیار کرده که دین بودایی (بت پرست) دارد لذا به عنوان یک فردمسلمان بارها به او متذکر شده ام که همسرت را در جهت دینمبین اسلام راهنمایی کن و مسلمان نما، ولی پسرم از این امر خودداری میورزد که جای چند سوال است.

۱ آیا بنده به عنوان یک مادر وظیفه ام را انجام داده ام ؟

ج: هوالعالم، شما به عنوان یک مسلمان و مادر وظیفه امر به معروف انجام داده اید.

س۳۵۲: آیا فرزندانی که از او به دنیا می آیند دارای اشکال شرعی هستند؟

ج: هوالعالم، فرزند در صورتی که یکی از پدر و مادر مسلمان باشند محکوم به مسلمان بودنند. بنابراین اشکال ندارد چون پدرشان مسلمان است، ولی چون عقد باطل است حلال زاده نیستند.

س۳۵۳: آیا اصلا جایز است که فرزندم با زن مذکور ازواج کند؟

ج: هوالعالم، ازدواج مسلمان با مشرکت باطل است.

س۳۵۴: آیا پسرم با این وصلت از اسلام خارج شده است.

ج: هوالعالم، خود پسرتان از اسلام خارج نشده است.

س۳۵۵: وقتی که آنها به منزل من می آیند می توانم راه بدهم؟

ج: هوالعالم، راه بدهید، ولی راهنمایی کنید اقلا از حال به بعد زن مسلمان شود تا بچه های بعدی حرام زاده نشوند، و پسرتان هم مبتلا به زنا نباشد.

س۳۵۶: دختر چهارده ساله که به بلوغ شرعی و رشد عقلی رسیده است و نسبت به رشد عقلی دارای گواهی از دادگاه حقوقی اسلامی می باشد.

این دختر به علت رفتار تبعیض آمیز والدین قصد زندگی با برادر خویش که دارای صلاحیت عقلی و علمی است را دارد.

آیا در این مورد اذن والدین یا شخص پدر شرط است یااینکه دختر

با توجه به ثبوت رشد عقلی، آزاد در انتخاب است؟

ج: هوالعالم، اطاعت پدر و مادر بر فرزند واجب است، خصوص اگر اطاعت نکردن سبب اذیت آنهابشود. بلی در صورتی که اطاعت آنان موجب مشقت بشود و حرجی باشد، و یا موب ضرر بشود به ضرر معتنی به. وجوب اطاعت ساقط می شود.

س۳۵۷: حدود اطاعت از والدین در موردی که آنان با ایجاد مزاحمت و تهمت و عدم توجه به فرزند باعث به وجود امدن ناراحتی های جسمی و روحی فرزند گردند چیست؟

ج: هوالعالم، اطاعت والدین واجب است خصوصا در صورتی که عدم اطاعت موجب ناراحتی آنان می شود، ولی اینکه اجازه آنان در هر کاری لازم باشد ثابت نیست، و نسبت به موردی که ذکر فرمودید اطاعت آنان لازم نیست.

س۳۵۸: مردی زن خود را طلاق رجعی داده و زن در حال عده بوده که مرد دیگر او را وطی به شبه کرده، و سپس از این زن فرزندی به وجود آمده که معلوم نیست آیا از شوهرش می باشد و یا از مرد دوم؟ با وجود دلیل «المطلقه رجعیه زوجه و الولد للفراش» آیا می توان از طریق آزمایش خون. پدر بچه را تشخیص داد؟

ج: هوالعالم، با امکان الحاق به زوج، ملحق است به او

س۳۵۹: در بخشش و احسان کردن آیا والدین انسان مقدمند یا همسر و بچه ها؟

ج: هوالعالم، در غیر نفقه واجبه خیال می کنم والیدن مقدم باشند.

س۳۶۰: در کتاب منتهی الامال، پیرامون ولادت امام حسن مجتبی (ع) حدیثی نل شده که اما رضا (ع) فرمود:

بعد از تولد امام سن و امام حسین (ع) رسول خدا (ص) به امر جبرئیل، گوش راست

و چپ آن دو بزرگوار را سوراخ کردند

حال با توجه به این حدیث بفرمایید: آیا سوراخ کردن گوش نوزاد از مستحبات و از آداب مولود است به حسب عمل معصوم؟

ج: هوالعالم، در کتاب «وسائل الشیعه» باب ۵۱ از ابواب احکام اولاد روایات زیادی دال بر استحباب سوراخ کردن گوش نقل کرده است، و در متون فقیه هم این فتوی موجود است. و صاحب ریاض ادعای اجماع بر آن فتوی نموده، و من هم در کتاب فقه الصادق ج ۲۲ مفصلا نوشته و استدلال مفصل هم نموده ام .

حضانت

س۳۶۱: خانمی که عقد متعه مردی بوده است ولی با پایان یافتن زمان متعه از همدیگر جدا شده اند، این خانم از شوهرش پسر بچه چهار ماهه دارد؟ آیا مرد می تواند بچه را از مادر بگیرد یا اینکه لازم است دو سال صبر کند؟ با توجه به اینکه مادر از شیر خودش به بچه نمی دهد بلکه شیر خشک می دهد.

ج: هوالعالم، مرد نمی تواند بچه را از مادر جدا کند خصوصا اگر از شیر خودش به او بدهد و به هر تقدیر به نظر ما مادر احق است به حضانت بچه تا هفت سال مطلقا.

احکام محرمیت و شیر دادن

س۳۶۲: زنی که دختر شیرخوار دارد از شیر این دختر به پسر بچه ای شیر می دهد آیا این دختر و پسر می توانند بعد با هم ازدواج کنند؟ و آیا پسر می تواند با خواهر این دختر ازدواج کند؟

ج: هوالعالم، خیر نمی توانند، چون محرم به الرضاع مایحرم من النسب.

س۳۶۳: شخصی که مادرزنش به بچه اش مرتب شیر داده و مسئله را نمی دانسته آیا این شخص باید زنش را رها کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه رضاع محقق شده است باید زن را رها کند.

س۳۶۴: خانواده ای از پرورشگاه سری گرفته اند و برای او شناسنامه صادر کرده اند و این پسر الان از ده سال بیشتر سن دارد، بفرمایید: گرفتن شناسنامه برای او و بودنش در منزل آن خانواده و محرمیت با زن آن خانواده چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، شناسنامه گرفتن اشکال ندارد، ولی به آن زن محرم نمی شود و حکم اجنبی را دارد.

س۳۶۵: در صورتی که خود مادرزن اعتراف دارد که سه روز پی در پی

نوه دختریش را شیر داده. دختر و دامادش از هم جدا که نشده اند بلکه تازه دارای پسر دیگری هم شده اند. حکم این پسر دوم چیست؟

ج: هوالعالم، در صورتی که می دانستند حرام شده اند به یک دیگر، پس بچه حرام زاده است و الا چون با وطی به شبهه متولد شه است بچه حلال زاده است و ملحق به آنان می باشد.

س۳۶۶: اگر مردی بخواهد خواهر زنش به او محرم شود، راه محرم شدن چه می باشد؟

ج: هوالعالم، چنانچه خواهر زن دختری را شیر دهد به لبن شوهرش و مرددختر را عقد موقت یکساعته مثلاً کند، قهره خواهرزنش مادر زن، شوهر خواهر می شود و مادر زن محرم است.

احکام نامحرم

نگاه به نامحرم

س۳۶۷: دیدن تصاور عریان چه زن و چه مرد در تلویزیون یا کامپیوتر و دیدن عکس عریان - چه زن و چه مرد حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، دیدن بدن عریان جنس مخالف و دیدن عورت همجنس در تلویزیون حرام است.

دست دادن به نامحرم

س۳۶۸: دست دادن با زنان فامیل که در بین ما به عنوان یک رسم می باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دست دادن به نامحرمان، با دست برهنه جایز نیست.

دست زدن به عورت غیر

س۳۶۹: در صورتی که دستکش در دست باشد آیا می توانیم به عورت مرد یا زن چه محرم و چه نامحرم دست بزنیم؟

ج: هوالعالم، چنانه دستکش خیلی ن ازک نباشد و موجب تهییج قوه شهویه هیچ کدام نشود جایز است.

سفارش معنوی به بانوان و دوشیزگان

س۳۷۰: خواهشمند است از باب «ان للذکری تنفع المؤمننی» نصیحت و سفارش که سفید دنیا و آخرت بانوان و دوشیزگان باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، در زمان حاضر که رسائل فساد زیاد است بانوان و دوشیزگان مهمترین چیزی که موجب سعادت دنیا و آخرت

است عفت است.

احکام طلاق

س۳۷۱: در صورتی که زن، پدر و مادر را اذیت کند و پدر و مادر شوهر هر دو یا یکی از آنها به پسر دستور لاق زنش را بدهند آیا بر پسر لازم است او را طلاق بدهد یا نه؟

ج: هوالعالم، در صورتی که پدر و مادراذیت بشند بلی لازم است طلاق بدهد به شرط آنکه طلاق موجب ضرر نشود و الا واجب نیست.

س۳۷۲: شوهرم به جرم کلاهبرداری و خوردن مال مردم به مدت هفت سال است در زندان شهرستان... است و چون طلبکاران درخواست یوم الاداء کرده اند تا بدکاری ها را ندهد بیرون نمی اید و او هم اگر مالی داشته به نام دیگران نموده و حاضر به ادای دین خود نمی باشد، شاید سال های طولانی در زندان باشد از زمان محکومیت به زندان تاکنون به اینجانب و دختر دوازده ساله ام علی رغم مراجعات مکرر به او و برادران و فامی هایش، دیناری خرج ندادند و نمی دهند اینجانب در سن چهل سالگی و مستأجری و هزینه های کمرشکن زندگی و نداشتن هنر و توان کاری. هیچ گونه درامد ندارم و به مارکز امدادی هم مراجعه نخواهم کرد و تنها از راه فروش وسایل زندگی به صورت بخور و نمیر زندگی کردم اگر چه مبالغی هم مقروض شده ام که توان پرداخت ندارم.

خلاصه در عصرت و فقر مطلق و حرج کامل قرار گرفتم.

علی رغم مراجعات مکرر برای طلاق، نامبرده به دلیل لجباری، نه خرجی می دهد و نه حاضر به طلاق می باشد و از طرفی او در زندان شهرستان... می باشد و اینجانب در تهران زندگی می کنم پس مراجعه به محاکم تهران کردم برای طلاق طبق شرط ضمن عقد که وی نیز امضاء کرده، اما محاکم تهران می گویند دادخواست باید در شهرستان مربوطه انجام شود. به آنجا مراجعه کردم متاسفانه او حاضر به طلاق نگردید. حال بنده نه توان وکیل گرفتن دارم و نه هزینه ایاب و ذهاب.

آیا با شرح فوق و عسرت کاملی که دارم آیا شرعا مجازم که با مراجعه به طالق شرعا به اختیار طلاق در شرط ضمن عقد، خود را مطلقه نمایم یا نه؟

ج: هوالعالم، شما از دو جهت می توانید بدون موافقت شوهرتان مطلقه شوید:

۱ آنکه از راه شرط ضمن العقد که می گویند بوده.

۲ اینکه او نفقه نمی دهد و کسی هم نیست نفقه شما را بدهد.

و لذا به شما اجازه می دهم که یک نفر را وکیل بگیرد که با اجازه من شما را مطلقه نماید.

طلاق خلع

س۳۷۳: در طلاق خلعی آیا زن می تواند بعد از طلاق از بذل خود برگردد و طلاق لغو شود و رجوع کند؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند، ولی طلاق لغو نمی شود بلکه زوج می تواند رجوع کند با تحقق شرایط.

س۳۷۴: در صورتی که زن مهریه خود را در ذمه زوج ابراء کند تا او را طلاق دهد و بعد از طلاق از ابراء برگردد آیا در این صرت به طلاق رعی

بر می گردد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی چنانچه در اثناء عده باشد.

عده طلاق

س۳۷۵: زنی که در حال عده طلاق است ار با خوردن قرص، عده خود را از مدت سه ماه تقلیل دهد و به دو حیض و یک طهر تمام کند آیا مجزی است یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی مجزی است.

احکام بلوغ

نشانه بلوغ

س۳۷۶: اگر صبی قبل از مراحل بلوغ، جماع نماید یا با خود استمناء کند آیا این دو نشانه بلوغ او می شود؟

ج: هوالعالم، با جماع خیر، ولی با استمناء چنانچه انزال بشود. بلی.

احکام حجر

صغیر و دیوانه

س۳۷۷: آیا وصی شرعی صبی و یا مجنون در حالی که اموال این دو با اموال دیگر وراث غیرمحجور به صورت اشاعه مخلوط می باشد، می تواند قبل از تقسیم، از این اموال به کسی هدیه بدهد و ببخشد یا نه؟

ج: هوالعالم، بدون اجازه ورثه دیگر خیر.

س۳۷۸: با توجه به فرض قبل، آیا دیگران می توانند به منزل این افراد که با هم زندگی می کنند به مهمانی بروند و از عذا و سایر امکانات آنها استفاده نمایند یا اینکه باید اول اموالشان را تقسیم نمایند تا بعد مهمان ها بتوانندااستفاده نمایند؟

ج: هوالعالم، با اجازه حاکم شرعی و رعایت غبطه صغار بلی.

س۳۷۹: با توجه به فرض قبل که اشتراک اموال به صورت اشاعه باشد، اگر وصی صبی یا مجنون مادر آنها باشد و او چون زن است ناچار باشد با پسر بزرگترش که متاهل است و دارای دو فرزند می باشد و جمعا چهار نفر می باشند در یک ساختمان زندگی کند و در قبال بچه های مهجور دو نفرند، حال بفرمایید:

چون نسبت محجورین با غیر محجورین نسبت دو نفر به چهار نفر است آیا اجاره منزل و پول آب و برق و گاز و غذا و سایر

مایحتاج زندگی را به نسبت دو به چهار تقسیم نمایند و بپردازند ای اینکه این مقدار سداقه و دقت لازم نیست؟

ج: هوالعالم، دقت مزبور لازم است.

مفلس

س۳۸۰: چنانچه بایع بعد از وقوع معامله مفلس شود و ثابت شود که در آن معامله مجنون واقع شده، آیا می تواند با اعمال خیار و غبن. بیع را به ملک خود برگرداند؟

ج: هوالعالم، اجازه بیع خیاری و فسخ

آن چون تصرفی است که اثر امر سابق بر حجر است در اختیار او است می تواند معامله غبنی را فسخ کند و بیع را به ملک خود برگرداند.

س۳۸۱: با توجه به فرض سابق در صورت استمرداد بیع، آیا مفلس حق تصرف در آن را دارد یا اینکه متعلق حق طلبکاران قرار می گیرد؟

ج: هوالعالم، متعلق حق طلبکاران نمی شود.

س۳۸۲: آیا اقرار مفلس به دینی در ذمه اش یا به مال معینی از اموالش صحی و نافذ است یا خیر؟

ج: هوالعالم، اقرار نافذ است و اگر مقر ثقه باشد علاوه بر اینکه اقرار او صحیح است مقرله با خرماء شریک می شود و الا شریک نمی شود.

س۳۸۳: لطفا بفرمایید که: چنانچه شخصی مفلس شد آیا دین مؤجل او مبدل به حال می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر، دین مؤجل او حال نمی شود.

احکام شکار کردن

س۳۸۴: در ایام قدیم با تیر و کمان شکار می زدند اما امروز با اسلحه هایی که گلوله آنها از سرب و امثلا آن است مثلا کبک را در هوا می زنند وقتی که به زمین می رسد مرده است آیا با این کیفیت، حیوان شکار شده حلال است یا حرام؟

ج: هوالعالم، چنانچه گلوله تیز باشد و در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند، و یا با فشار در بدن حیوان فرو رود حیوان پاک و حلال است البته با رعایت شرایط دیگر.

احکام خوردن و آشامیدن

س۳۸۵: کشمش را در آش ریختن و یا در روغن سرخ کردن و یا لابلای پلو گذاشتن. چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حلال است.

س۳۸۶: برای قطع خون دماغ معمولا افراد سر خود را

بالاـ می گیرند پس در این حالت خون بدون ورود به دهان از راه حلق به معده می رود آیا این عمل خوردن خون است که حرام می باشد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر خوردن خون حرام نیست.

س۳۸۷: خوردن گوشت خرگوش نر یا ماده چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۸۸: با فشار دادن جگر گوسفند خونی که از آن می اید آیا خوردنش جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، آن خون پاک است و اگر مستهلک نشده است خوردن آن جایز است و اگر در غذا مستهلک شده است خوردن آن هم جایز است.

س۳۸۹: اگر از آمیزش سگ با گوسفند یا برعکس، حیوانی متولد شد که شبیه هیچکدام نباشد آیا طاهر و خوردن آن جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی طاهر و جایز است مگر اینکه صدق یک حیوان محرمی بر آن بشود.

س۳۹۰: اگر کسی در دریا یا در نهر آب، آلتش را در دهان ماهی بگذارد آی آن ماهی حرام می شود؟

ج: هوالعالم، خیر، حرام نمی شود.

احکام لباس پوشیدن و آرایش کردن

کیفیت و مقدار پوشش

س۳۹۱: اینجانب دختری هستم که دستکش در دست می کنم و به صورت خود نقاب می زنم و تا به حال کوچکترین ارتباطی با نامحرم نداشته ام حتی صدای مرا نامحرم نشنیده است و در این عمل حضرت زهرا (س) را الگوی خود قرار داده ام، در حالی که بسیاری از افراد در این رفتار بر من ایراد می گیرند، اکنون سوالات من این است که :

اولا: آیا رفتار و عمل من صحیح است؟

ج: هوالعالم، کار شما خوب است و شما چنانچه زیبا باشید و یا زینت کنید که اگر با صورت

باز بیرون بروید و رو را از نامحرم نپوشانید موجب تهیج قوای شهویه نامحرمان گردد پوشاندن صورت واجب است و الا واجب نیست.

ثانیا: آیا وجه و کفین مبارک حضرت زهرا (س) را نامحرم دیده بود یا نه؟ و آیا افرادی مانند جناب مسلمان و ابوذر که نزدیکترین صحابی پیغمبر اکرم (ص) بودند وجه و کفین مبارک آنحضرت را دیدند یا نه؟

ج: هوالعالم، قطعها ندیده بودند، من حتی احتمال نمیدهم بعضی از روایاتی که در این مورد ذکر شده است صحیح است.

ثالثا: اگر حضرت زهرا (س) وجه و کفین مبارکش را از نامحرم می پوشاند آیا عمل را به عنوان واجب انجام می داده یا مستحب؟

ج: هوالعالم، پوشاندن وجه و کفین حضرت زهرا (س) معلوم نیست که به عنوان واجب بوده یا مستحب.

س۳۹۲:نمایان بودن پا روی پا، کف پا، پاشنه آن برای زن ها چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، نسبت به مستر در حال نماز جایز است مکشوف بودن قدمین تا ساق و اما نسبت به ستر از نامحرم لازم است پوشاندن.

س۳۹۳: بانوانی که از زیارت عتبات عالیات می آیند اطرافیان آنها دور گردنشان گل می اندازند که رنگ های مختلفی دارد. حکم این کار در صورتی که جذب نظر نامحرم بکند و در صورتی که جذب نظر نامحرم نکند چیست؟

ج: هوالعالم، هر عمل یکه موجب تهیج قوه شهویه نامحرم بشود در جایی که نامحرم نیست اشکال ندارد، ولی در جایی که نامحرمان هستند نباید انجام داده شود.

تشبه مرد به زن و تشبه زن به مرد

س۳۹۴: اینکه مرد موی خود را بلند کند به طور یکه شبیه زن شود و بر عکس زن موی خود

را کوتاه کند به طوری که شبیه مرد شود حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، بی اشکال است.

س۳۹۵: پسرانی که موی بلند می گذارند و چه بسا بعضی از آنها با کش یا چیز دیگر می بندند حکمش چیست؟ در حالی که بعضی استناد می کنند به عمل پیامبر (ص) که موی بلند می گذاشت و فرق باز می کرد آیا این استناد درست است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلند گذاشتن مو به نحوی که شبیه شوند به جنس مخالف حرام نیست ولی کار خوبی نیست. و پیغمبر (ص) هم بعد از رسالت چنین نمی کردد یا موی بلند نداشتند. ولی اگر شبیه به جنس مخالف نشوند هیچ اشکالی ندارد.

ناخن بلند کردن

س۳۹۶:بلند گذاشتن ناخن توسط مردان یا زنان. حکمش چیست؟

ج: هوالعالم، ناخن بلند،اگر در وضو رعایت کنند هیچ اشکالی ندارد.

ریش تراش

س۳۹۷:تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۹۸: ماشین کردن ریش. به نحوی که از ته می تراشد چگونه است؟

ج: هوالعالم، حرام است.

س۳۹۹:مالیدن پماد برای ازاله ریش چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۰: عمل جراحی پلاستیک برای از بین بردن ریش برای همیشه چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰۱: تیغ زدن بر گردن و گونه صورت چگونه است؟

ج: هوالعالم، اشکال ندارد.

س۴۰۲:دادن اجرت برای ریش تراشی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۳: دستمز گرفتن برای ریش تراشی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست.

س۴۰۴: خرید و فروش آلات ریش تراشی چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر استفاده دیگری از آن ممکن است اشکال ندارد و جایز است.

س۴۰۵: اطلاق ریش از جهت بلندی و کوتاهی چقدر می باشد؟

ج: هوالعالم، از یک مشت بلندتر بودن ظاهرا مکروه است و از حیث کوتاهی به مقداری که

صدق ریش بکند کافی است.

س۴۰۶: با توه به روایت «المقنع»: و لـذا حلق رجل لهیه رجل فان لم تنبت فعلیه دید کامله و آن نبتت فعلیه ثلث الدیه» بفرمایید: دیه تراشیدن ریش چقدر است؟

ج: هوالعالم، در صورتی که عـدوانا بتراشـد چنانچه نروید تا یکسال بلکه تا ابد، پس دی کامله است. و چنانچه بروید ثلث دید است. و اما اگر با رضایت خود آن شخص باشد دیه ندارد.

س۴۰۷: اگر فاعل، ریش خود را بتراشد دیه را باید به چه شخصی بدهد؟

ج: هوالعالم، دیه ندارد.

احکام لهو و لعب

س۴۰۸: شندیه شده است که بعضی از فقها، اشتغال به «لهو» و «لعب» را از گناهان کبیره می دانند، حضرتعالی در این خصوص نظرتان را بیان فرمایید؟

ج: هوالعـالم، در بیـان مراد از لهو در کلمـات فقهـا اختلاـف است و چنـد معنا بر آن ذکر می کننـد، و در حکم آن هم خلافی است عظیم. امـا به نظر مـا حرام نیست. و اما لعب، بعضـی از قـدماء فرموده انـد حرام است، و شـیخ انصاری، اختیار کراهت آن نموده است. لکن به نظر ما نه حرام است و نه مکروه.

س۴۰۹: آیا هر لهوی حرام است؟

ج: هوالعالم، خیر حرام نیست.

س۴۱۰: آیا خواند ترانه ها و تصنیفات و اصوات لهوی حرام است؟

ج: هوالعالم، ترانه های لهوی حرام است.

کف زدن

س۴۱۱: کف زدن به نحو لهوی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کف زدن غیر مهیج شهوت جایز است.

س۴۱۲: چه می فرمایید در مورد مجالسی که مردم در حال خواندن ماح، ف و دست می زنند؟

ج: هوالعالم، کف زدن در اعیاد مذهبی هیچ اشکالی ندارد.

س۴۱۳: دست زدن به صورت بلند و طرب آور در روز میلاد ائمه (ع) در مسجد یا حسینیه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دست زدن فی نفسه تا مادام که عنوان محرم دیگری بر آن منطبق نشود، جایز است.

غنا و موسیقی

س۴۱۴: مدیحه سرایی برای حضرات معصومین به سبک خوانندگان زن و مرد غربی و طاغوتی که در مالس لهو و لعب استفاده ی شوند در مجالس اهل بیت چه حکمی دارد؟ و وظیفه ما در این قبال چیست؟

ج: هوالعالم، چنانچه به نحو غنا و موسیقی باشد حرام است. و وظیفه همه نهی از منکر است و اگر قدرت ندارند باید در آن مجلس ننشینند.

س۴۱۵: در مورد موسیقی که انسان را در خود فرو می برد و به یاد گذشته یا آینده می افتد و حالت خاصی به انسان نمی دهد، چه حکمی می فرمایید؟

ج: هوالعالم، موسیقی مطلقا حرام است.

س۴۱۶: گوش دادن به موسیقی در صوری که انسان تحریک نشود و تنها برای سرگرمی باشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، گوش دادن به موسیقی مطلقا حرام است ولو برای سرگرمی.

س۴۱۷: غنا چیست و چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، غنا صوت لهوی است که موجب رقص و خفت می شود و محرک قوه شهویه است و مناسب با بعضی آلات لهواست. و حکمش حرام است.

س۴۱۸: آیا غنای حرام مستثیناتی هم دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، مستثنیات آن یکی

غنای شب زفاف است. و چند مورد دیگر ذکر شده است که به نظر ما تمام نیست.

س۴۱۹: آیا گوش دادن به غنا، تعلیم و تعلم آن، اخذ ارت بر خواندن آن، حرام است؟

ج: هوالعالم، همه سه مورد حرام است.

س ۴۲۰: آیـا غنـا در مراثی. در قرائت قرآن، در عروسـی، مجلس ختـان، اعیاد و مجالس سـرور، در حکم حلیت و حرمت فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، در تمام موارد غیر از مورد زفاف همه اش حرام است بدن اینکه فرقی بین آنها باشد.

س۴۲۱: آیا غنا در عروسـی حلال است یا حرام. و اگر حرام نیست آیا حکم، اختصاص به هنگام زفاف دارد یا کل شب و روز عروسی بلا اشکال است. و یا مجموعه مجالس عقد و ازدواج را شامل است؟

ج: هوالعالم، حکم حلیت غنا مختص به شب زفاف است و شامل بقیه مجالس نیست.

س۴۲۲: نسبت به حکم حلیت غنا در شب زفاف، بفرمایید، آیا این حکم مخصوص زان است و یا مردان را نیز شامل می شود؟ و آیا مردان محرم و یا نامحرم در این خصوص فرقی دارند؟

ج: هوالعالم، مختص به زنان است و مشروط به اینکه مرد نامحرم حتی داماد در مجلس نباشد.

س۴۲۳: آیا مقارنات غنا از قبیل استعمال آلات موسیقی و دست زدن و رقص در مجلس شب زفاف حلال است یا خیر؟

ج: هوالعالم، استعمال آلات موسیقی جایز نیست و اما دست زدن و رقص زن برای زن مطلقا جایز است.

س۴۲۴: آیا خواند ترانه ها و تصنیفات و اصوات لهوی حرام است؟ اصوات غیر لهوی از قبیل هلهله چطور؟

ج: هوالعالم، ترانه های لهوی حرام و غیر لهوی جایز است.

احکام فیلم و

فیلم و سینما

س۴۲۵: تحصیل در رشته سینما و حوزه علمیه به صورت همزمان برای آشنایی با معارف دین و تبلیغ آن از طریق سینما آیا از لحاظ شرعی اشکال دارد؟

ج: هوالعالم، خیر، اشکال ندارد.

س۴۲۶: آیا می توان برای تحصیل در رشته سینما به خارج از کشور رفت؟

ج: هوالعالم، مانعی ندارد.

س۴۲۷: آیا می توان در خارج از کشور فیلم ساخت؟ و کسب درآمد از طریق فیلم سازی در کشورهایی غربی چگونه است.

ج: هوالعالم، فیلم غیر منافی با موازین شری، ساختن آن در خارج از کشور بی اشکال است. و همچنین کسب در آمد از آن بلا مانع است.

س۴۲۸: آیا می توان رسالت خویش را در تبلیغ اسلام، قرآن، ائمه معصومین، شهداء و... از طریق فیلم به گوش جهانیان رساند؟

ج: هوالعالم، بلی بسیار کار خوبی است با رعایت موازین شرعیه.

س۴۲۹: آیا با تبلیغ دین از طریق فیلم میتوان خشنودی خداوند و امام زمان را کسب کرد؟

ج: هوالعالم، بلی.

س۴۳۰: آیا این کار (تبلیغ دین در فیلم) جهاد اکبر است؟ چرا که امروزه دشمنان اسلام به جای نگک از طریق فرهنگک اقدام می کنند.

ج: هوالعالم، کار خوبی است ولی جهاد اکبر بودن معلوم نیست.

س۴۳۱: نظر حضرتعالی درباره کتاب یا فیلم هایی که در بر دارنده مضامین تخیلی هستند شخصیت های اصلی آن، کارهای خارق العاده مشابه سحر و جادو و شعبده و... انجام می دهند مثل هری پاتر، دو قلوها، افاسنه مرلین، دیوید کاپر فیلد و... چیست؟ ساخت، نوشتن، پخش، خواندن، دیدن و ترجمه این قبیل کتاب ها و فیلم ها شرعا چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه معلوم است که واقعی نیست و تخیلی است اشکال ندارد.

س۴۳۲: فیلمی

کـه مســتهجن اسـت و در آن موسـیقی حرام و منظره غیر شـرعی وجـود دارد نظیر اختلاـط زنهـا و مردهـای نـامحرم، بوسـیدن همدیگر، ظاهرشان با لباس بدن نما و... چنانچه ترجمه و تبدیل به سی دی شود تا در دسترس مردم قرار گیرد، بفرمایید که:

اولا: شخصی که مترجم و مبدل این فیلم ها است تا آنها در دسترس مردمقرار گیرد کارش حرام است یا خیر؟

ج: هوالعـالم، بلی کار مبـدل حرام است چون تسبیب به حرام است و نهی از منکر که واجب است قهرا به طریق اولی تسبیب به فعل منکر حرام است.

س۴۳۳: چنانچه تبـدیل فیلم به سـی دی برای کسـی انجام شود که علم داریم از مواضع حرام اجتناب می کنـد، در این صورت کار مبدل چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، با علم به اجتناب شخص از حرام، تبدیل برای او جایز است.

تلویزیون

س۴۳۴: دیدن تصاویر عریان – چه زن و چه مرد در تلویزیون یا کامپیوتر چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، دیدن بدن عریان جنس مخالف، و دیدن عورت همجنس در تلویزیون حرام است.

سی دی

س۴۳۵: حکم رایت کردن سـی دی های یکه هنگام خرید آنها، فروشـنده گفته است راضـی نیستم از آن تکثیر کنید، چیست؟ در حالی که الان در جامعه رایج است که از سی دی مادر تکثیر می کنند.

ج: هوالعالم، تکثیر اولی ها جایز نیست، ولی بعد از رواج و افتادن از مالیت، تکثیر اشکال ندارد.

س۴۳۶: سیسـتم عامل کامپیوتر (ویندوز) محصول یک شـرکت آمریکایی است که نوع اصـلی آن گفته می شود حدود سیصد دلار قیمت دارد اما معمولا با شکستن قفل سی دی حاوی ویندوز بدون پرداخت وجهی از آن استفاده می شود حال بفرمایید:

اولا: آیا اینگونه استفاده از این محصول جایز است؟ و آیا اینك ار تصرف در حق دیگران بدون رضای ذی حق نیست؟

ج: هوالعالم، تا قفل شکسـته نشده حق اسـتفاده متعلق به صاحب آن است ولی بعد از شکسـتن قف، این حق به حسب خارج از مالیت می افتد بنابراین استفاده از آن اشکال ندارد چون حقی بر کسی نیست.

س۴۳۷: آیا فرقی بین محصولات ایرانی و خارجی به خصوص محصولات کفار در این جهت می باشد؟

ج: هوالعالم، و اما اینکه محصولات کفار است، سبب جواز تصرف نیست چون فقط مال کافر حربی حلال است.

احکام بازی ها

بازی ورزی

س۴۳۸: با توجه به فقدان بودجه کافی برای برگزاری مسابقات ورزشی جهت جوایز و امور دیگر، مبالغی از تیم های شرکت کننده دریافت می شود تقاضا می شود بفرمایید:

اولا: آیا دریافت این مبالغ از تیم های شرکت کننده و خرج آن برای مراسم اشکال دارد یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر. اشکال ندارد.

س۴۳۹: با توجه به اینکه ممکن است از آن مبالغ، مقداری اضافه بماند، با عنایت به رضایت دهندگان آیا

صرف مقدار مازاد در امور فرنگی و عقیدتی اشکال دارد؟

ج: هوالعالم،خیر اشکال ندارد.

بازی قمار

س۴۴۰:نظر حضرت تعالی در مورد شطرنج چیست؟

ج: هوالعالم، حرام است مطقا.

س۴۴۱:بازی کردن با شطرنج درمواقع بیکاری تنها به عنوان تفریح وسرگرمی چگونه است ؟

ج: هوالعالم، ازمحرمات اکیده مسلمه است

س۴۴۲:قمار از نظر فنی چگونه تعریف می شود

ج: هوالعالم، قمار، بازی کردن باآلات است در آن برد وباخت باشد

س۴۴۳: درقمار آیا بازی کردن باآلات به خصوصی شرط است یا اینکه بابازی کردن به هر چیزی واقع می شود وآلات به خصوص شرط نیست؟

ج: هوالعالم،آلات به خصوصی شرط نیست

س۴۴۴: اگر شخصی به تنهایی با آلات قمار بازی کند قمار صدق می کند یا خیر بلکه قمار متقوم است به اینکه از دو نفر باشد؟

ج: هوالعالم، خیر، به تنهایی قمار نیست بلکه متقوم است به دو طرف

س۴۴۵:آیا قصد ونیت قمار در تحقق قمار مدخلیت دارد پس هر اگر هر دو آنهایا یکی از آنها قصد قمار نداشته باشند قمار محقق نشود ویا اینکه قصد مدخلیت ندارد ؟

ج: هوالعالم، قمار بدون قصد ونیت محقق می شود وقصد مدخلیت ندارد .

س۴۴۶:آیا در تحقق قمار شرط است که مبلغ برد وباخت از فرد بازنده باشد یاخیر، اگر مبلغ توسط شخص دیگری غیر بازی کنندگان هم هبه شود قمار محقق می شود؟

ج: هوالعالم،خیر، شرط نیست که مبلغ از فرد بازنده باشد.

س۴۴۷:لطفا بفرمایید: بازی کردن باآلات قمار از طریق کامپیوتر چه حکمی دارد؟ اولا: با شخص دیگری که درهمانجا

حضور دارد ویا باشخص دیگری که درجای دیگر است بوسیله ارتباط اینترنتی ؟

ج: هوالعالم،دراین صورت برد وباخت جایز نیست ولی

بدون برد وباخت مانعی ندارد

ثانیا: بازی کردن با برنامه کامپیوتری نه باشخص دیگری؟

ج: هوالعالم، جایز است

س۴۴۸: نظر حضرت تعالی درمورد نرد وشطرنج چیست؟ وبفرمایید اگر نرد وشطرنج از آلات قمار بودن خارج شوند آیا بازی با آنها در چنین صورتی جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بازی کردن با نرد وسطرنج حرام است، واین حرمت ثابت است حتی در صورت نبودن برد وباخت.

س۴۴۹:اینکه چه بازی قمار بر او صدق می کند وچه بازی از قمار خارج است ملاک تعیین آن چیست؟ آیاعرف است؟ وبر فرض معیار بودن عرف، نسبت به خروج یک بازی از قمار، آیا نظر همه ملاک کاست یا اکثر آنها؟

ج: هوالعالم،ملاک تعیین، روایات است مبنی بر اینکه هر بازی که برد وباخت در آن باشد مطلقا حرام است چه از آلات معده قمار باشد وچه از آلات غیرمعده. وچنانچه بردوباخت در آن نباشد جایز است مگر نرد وشطرنج که بازی کردن به این حتی در صورت نبودن برد وباخت نیز حرام

است.

س۴۵۰:آیاجایزاست رفاقت وسیاحت باکسی که اهل شطرنج است؟ وآیا سلام کردن بر او در حال بازی کردن جایز است یانه؟

ج: هوالعالم، جایزنیست ودر روایت نهی شده است از سلام بر او در حال بازی

بازی ومسابقات باحیوانات

س۴۵۱:بعضی افراد بین حیوانات دعوا ومسابقه می اندازند مثلا بین دو خروس یا دوگاو وعدهای سرگرم میشوند آیا چنین کارهایی شرعا جایز است؟

ج: هوالعالم، روایتی است در بحارالنوار از عبدالله بن نافع از پیغمبر اکرم

صلی الله علیه وآله که آن حضرت در ضمن حدیثی پیرامون اذیت خروس وخصی کردن آن حیوانات دیگر می فرماید: حرام است

که خروس ها را به جان هم بیندازید.

س۴۵۲:اگر باری تماشاکردن دو خروس را به جنگ هم اندازند ویکی از آن دو یا هردو زخمی شوند آیا باشرط یابدون شرط جایز است؟

ج: هوالعالم،بدون شرط جایز است وبا شرط جایز نیست.

احکام هوا و زمین

محیط زیست

س۴۵۳:باتوجه به اینکه حفظ ونگهداری محیط زیست که شامل آب وخاك وهوا ودریا وجنگل می باشد، آیا حفظ ونگهداری آن وپرهیز وجلوگیری وپیشگیری از تخریب محیط زیست بر آحاد مردم واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم،از احکام اسلام حرمت ضرر زدن به غیر است ودر صورت ضرر به جامعه اسلامی نه فرد، این حرمت اکیدتر می شود، بنابراین تخریب محیط زیست که موجب ضرر به جامعه باشد، مسلماجایز نیست (و) پس حفظ محیط زیست هم مطلوب شارع است

س۴۵۴:درصورت وجوب حفظ محیط زیست آیااین وجوب عینی است یا کفایی ؟

ج: هوالعالم، موارد و افراد مختلف است در جایی که جلوگیری از تخریب متوقف باشد بر اقدام عده ای نه همه مردم، قهرا وجوب کفایی است. و چنانچه متوقف باشد بر اقدام شخص حقیقی یا حقوقی خاصلی. قهرا بر آنها واجب عینی است.

س۴۵۵: آیا این وجوب حفظ محیط زیست ارشادی است یا مولوی؟

ج: هوالعالم، مولوی است در صورت ثبوت.

س۴۵۶: آیا اگر تاسیس کارخانه و توسعه آن باعث آلودگی هوا یا آب شود، از نظر شرعی حرام است؟

ج: هوالعالم، اگر به نحوی باشد که موجب ضرر به جامعه یا افرادی باشد قهرا حرام است.

س۴۵۷: با توجه به اینکه مادران و فرزندان بی شماری در جهان در اثر وضعیت بد بهداشتی و ناسالم بودن محسط زیست و عوارض آن جان می دهند آیا سالم سازی محیط

زیست بر دولت واجب است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی. بر دولت واجب است.

س۴۵۸: آیا رعایت اخلاق زیست محیطی که عبارت است از کلید اقداماتی که باعث بهره برداری مفید از فناوری محیط زیست و دانش علوم زیست محیطی و مضرات و خطرات احتمالی آن، واجب است؟

ج: هوالعالم، مطلوب است نه واجب.

س۴۵۹: توسعه و رشد محیط زیست از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، آنچه موجب عزت و عظمت و شرافت و سلامت جامعه اسلامی است مطلوب شارع است.

س۴۶۰: با توجه به نقش سازنده محیز زیست مطلوب در بهداشت روح و روان آیا بر دولت اسلامی واجب است که به تاسیس و توسعه و ترمیم عوامل زیست محیطی مانند پارک ها، بهینه سازی اب ها و دریا و جنگل و هوا و خاک بپردازد؟

ج: هوالعالم، بلی واجب است.

س۴۶۱: ترمیم محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، حکم آن از جواب مسائل قبل معلوم می شود، و آن لزوم است

س۴۶۲: آیا دست یابی به دانش فنی تولید و توسعه محیط زیست واجب است؟

ج: هوالعالم، در اخبار به طلب علم و فن زیاد توصیه شده ااست و در بعضی از روایات لازم شمرده است.

س۴۶۳: دستیابی و بکارگیری فناوری زیستی در زمینه گیاهان و حفظ تنوع زیستی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هر دانشی که موجب استفاده جامعه اسلامی باشد امر به آن شده است.

س۴۶۴: هکاری با جامعه جهانی برای توسعه محیط زیست و تحقیقات و فناوری عوامل زیست محیطی و استفاده صلح آمیز از این فناوری نوین و راهبردی روز، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، روایت «اطلبوا العلم ولو من سین (چین)» مراد علم دین

نیست چون در چین آن زمان علم دین مورد نداشته است.

س۴۶۵: ارتقاء سطح علمی و دانش فنی زیست فناوری کشور و کسب سهم علمی شایسته در عرصه جهانی در توسعه بخش کشاورزی، بهداشت و درمان، صنعت، معدن، دریا، نگل و دیگر عوامل زیست محیطی. لطفا بفرمایید چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، همه اینها مامور به است و زیاد سفارش شده است، قهرا برای یک عدد هم لازم است.

س۴۶۶: بفرمایید که بهبود کمی و کیفی محصولات کشاورزی اعم ازگیاه، دام، طیور و آبزیان برای تامین امنیت غذایی کشور با استفاده از زیست فناوری، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، واجب کفائی است بر کسانی که تمکن دارند. و در راس آنها دولت است.

س۴۶۷: آیا بکارگیری اصول اخلاقی اسلام و رعایت حقوق پذیرفته شده بین المللی در توسعه محیط زیست در کلیه مراحل تحقیق، تولید و عرضه محصولات مرتبط با زیست فناوری. واجب است؟

ج: هوالعالم، بلی، واجب است.

احکام غصب

س۴۶۸: با توجه به اینکه شخصی بدون اجازه مالك. زمینی را تصاحب کرده و در آن زمین خانه سکونی ساخته است. لطفا جواب سوالات زیر را مرقوم فرمایید: شخص دیگری که به آن خانه دعوت شده است خواند نماز و انجام سایر فرایض دینی این شخص در آن خانه چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در صورتی که می داند زمین غصبی است در آن زمین نمی تواند نماز بخواند.

س۴۶۹: شخصی که زمین را غصب کرده و در آن ملك مسکونی ساخته است. اگر آن ملك را بهاین شرط بفروشد که فقط آجر و آهن آن را می فروشم نه زمین را. پول آن ملك برای مالك غاصب چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر خریدار

بدانـد زمین غصبی است پول آن مالـک برای مالکغاصب حلال است. و اگر ندانـد معامله صـحیح است ولی بعـد از فهمیـدن، خیار دارد که معامله را فسخ کند.

س۴۷۰:در صورتی که مالک اصـلی زمین از طریق قانونی ثابت کند که زمین غصب شده از آن او است و خریدار آن ملک را بیرون کند و بگوید که آجر و آهن را از زمین بیرون ببر، بفرمایید آیا صحیح است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی صحیح است.

س۴۷۱: در صورتی که بیرون کردن خریدار ملک صـحیح باشد، ضرر و زیان و خرج و مخارج بدون آن آجر و آهن به عهده چه کسی می باشد؟

ج: هوالعالم، به عده غاصب است چون در روایت است که «الغاصب یؤخذ با شق الاحوال». بلی اگر خریدار راضی شده بود به عامله باعلم داشتن به غصبی بودن زمین. پس مخارج و ضرر به عهده خود او است.

س۴۷۲: منافع غیر مستوفا را آیا غاصب ضامن است یا نه؟ مثلا ماشـین یا منزلی را غصب کرده است و استفاده هم نکرده است آیا بعد از باز گرداندن به مالک باید اجاره مدت مزبور را بدهد یا نه؟

ج: هوالعالم، بلی. منافع غیر مستوفاه را غاصب ضامن است.

س۴۷۳: بر فرض ضامن بودن غاصب نسـبت به منافع غیر مسـتوفا بفرماییـد که در صورت تعدد منافع و عدم امکان جمع آن در زمان واحد و تفاوت قیمت منافع، کدامیک را ضامن است؟

ج: هوالعالم، اعلی القیم را ضامن است.

س۴۷۴: مالک قطعه زمین قصد داشـته با اسـتقراض از دیگران و فورش مایملک خود. در زمین مزبور برای عائله اش سـرپناهی احداث نمای، لکن بدون رضایت مالک زمین، وسیله احراز ادارات دولتی

تملك شده است، آیا از نظر شرعی چنین تملکی مشروع است یا غصب و حرام؟

ج: هوالعالم، چنانچه زمین را تملک نموده بوده است و تعطیل اختمان از روی اهمال نبوده، کسی نمی تواند آن را تملک بدون رضات مالکش بنماید.

س۴۷۵: غاصب مال در صورت تلف آن مال و یا اتلاف ان، آیا آن رادر کدام زمان یوم التلف یا یوم الدفع و یا اعلی القیم. ضامن است؟

ج: هوالعالم، میزان قیمت یوم الاداء و الدفع است.

احکام وقف

س۴۷۶: زمین موقوفه ای در بیرون از هر، در دوران قدیم آباد و قابل استفاده بوده است اما الان بخاطر شرایط نبود امکانات کشاورزی، هیچگونه استفاده عملی از آن برده نمی شود و در جهت وقف کاربرد ندارد لکن در حال حاضر در نزدیکی این زمین پالایشگاه... بهوجود آمده است کهفقط می توان آن زمین را فروخت و در عوض آن در شهر اقدام به ساخت حسینیه نمود، آیا فروختن آن با این کیفیت جایز است؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که نوشته اید زمین موقوفه را میتوانید بفروشید و پول آن را در مصرفی که تعیین شده است مصرفی نمایید. و چنانچه مصرف معینی ندارد، و یا معلوم نیست، پس صرف در ساخته حسینیه می تواند نمود.

س۴۷۷: مدرسه ای است در کاشان از بناهای فتحعلیشاه، که در متن وقف نامه چنین است:

«امر تولیت درحال با اعلم العلماء العظام. افضل الفضلاء المجتهدین الفحام، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الاصول آخوند ملا احمد رزاقی، و بعد از وفات او متعلق است به اعدل و ارشد اولاد و اعقاب او بطنا بعد بطن، و در صورت نبود اعدل و ارشد با اعلم

علمای بلد»

بفرمایید آیا اعقاب و اولاد دختری اگر در آن اعدل وارد شده باشد می تواند امر تولیت را به عهده بگیرد و متولی باشد؟

ج: هوالعالم، بلی می تواند متولی باشد زیرا ولد بر او صدق می کند.

س۴۷۸: در صورتی که در مسأله قبلی فرزند دختر بتواند متولی وقف شود. و ولد شمرده شود پس شخصی که ولد دختری هاشم جد رسول خدا(ص) باشد نیز باید بتواند خمس بگیرد، آیا چنین است یا فرقی بین مسئله خمس و مسئله قبل وجود دارد؟ لطلفا بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، در مسئله خمس اگر روایت معتبر خاصی نبود می گفتم خمس می شود به پسر دختر هم داد، ولی روایت به خصوص وارد شده است و صریح است در این که نمی شود به او خمس داد، بنابراین فرق واضح است.

س۴۷۹: منصب و مقامی که فقیه جامع شرایط به کسی بدهد همانند تلیت موقوفه ای، آیا آن منصب به فوت آن فقیه باطل می شود یا خیر بلکه بعد از فوت او نیز به قوت خود باقی است؟

ج: هوالعالم، چنانچه فقیه اجازه و اذن در تصرف در موقوفه را به کسی بدهد با موت فقیه اذن از بین می رود، ولی اگر منصب تولیت به او بدهد با موت فقیه آن منصب باقی است و از بین نمی رود.

س۴۸۰: اینجانب دارای دو برادر و چهار خواهر هستم که در مجموع هفت نفریم و پدرمان در زمان حیاتش یکباب دکان ملکی خود را بدون اینکه نشوته ای تنظیم کند به صورت شفاهی وقف نمود برای حضرت عباس (ع) و دو سال هم در حال حیاتش در جهت وقف

اعـام نمود و سـال سوم بـا اینکه برنـج و روغن اطعام را خریـداری کرده قبل از ایام محرم فوت کرد و لکن در وصـیت عمل به اطعام را متذکر شده است و نیز دو دفعه این وقف مذکور را در حضور عده ای بیان کرد

۱ در مغازه خود بین عـده ای دوسـتان و رفایش ۲ در منزل با حضور خویشاونـدان، زن و فرزندان و در خطاب به پسـران چنین گفت:

«این مغازه وقف حضـرت عباس است و هیچ کس حق فروش آن را ندارد و سه کار خیر انجام می دادم که شـما نیز باید انجام دهید و متولی این کار خیر فرزندان من هستند بدین ترتیب اول: اولاد من به ترتیب من، دوم: با فوت اولاد من، نوه ها به ترتیب سن، سه کار عبارتند از ۱ اطعام روز تاسوعا ۲ اداره سقاخانه جلو مغازه ۳ پختن آش.»

حالا بعـد از فوت او بین ورثه اختلاف شـده و دو پسـر در دادگاه اقرار کردند و چهار سـهم خود را به عنوان وقف پذیرفتند اما یـک پسـر و چهـار دختر نمی پذیرنـد و قسم خوردنـد، دامادهـا هم کتمان مطلب می کننـد و شـهود هم بوده انـد که یکبار در دادگاه حاضـر شدنـد و قاری پرونـده با آنها درگیری ایجاد نمود و قهر کردنـد و رفتنـد و الان هم آنها جز یک نفر فوت کرده اند.

آن بچه هایی که وقف را قبول ندارنـد و نیز دامادها می گوینـد: پـدر پیر مرد بوده باید با اجازه زن. امر خیری مقرر می کرد یا فلا دخترش محتاج است باید به فکر او می بود و... این مسئله را

قبلا از سه مرجع استفتاء نمودم که چنین فرمودند:

۱ حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی: «اگر کسی ملکی را وقف کند و در حیات خود عمل به وقف نماید وقف تمام است و ورثه از آن ارث نمی برند.»

۲ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی: «در صورت ثبوت وقفیت، مغازه وصیت نبوده بلکه از تصرفات منجز آن مرحوم بوده است و مربوط به ثلث نیست.»

۳ حضرت آیت الله العظمی اقای سید روح الله خمینی: «اگر پدر و در زمان حیات وقف کرده و طبق آن عمل نموده باید بر طبق وقف عمل شود. و در صورتی که وقفیت در زمان حیات او ثابت نباشد حکم وصیت را دارد.»

لطفا با توجه به مطالب فوق، حکم و وظیفه را بیان فرمایید.

ج: هوالعالم، آنچه آیات ثلاث نوشته اند حکم الله است. و دعوای اینکه پدر پیر بوده، یا آنکه حرفی زد، و یا دخترش احتیاج دارد همه بیهوده است. در صورت ثبوت وقفیت ولو نوشته نباشد باید به آن عمل شود. و خورد مال موقوفه عواقب سختی در دنیا و آخرت دارد.

مسجد

س۴۸۱: مسجدی مخروبه شده و چون حیوانات به داخل آن می روند و باعث هتك حرمت آن می شود تصمیم گرفتیم آن را تجدید بنا کنیم ولی شهرداری می گوید باید برای تجدید بنا عقب نشینی شود بفرمایید آیا عقب نشینی جایز است؟

ج: هوالعالم، اگر مختار باشید جایزن نیست. ولی در صورت اجبار اشکال ندارد.

س۴۸۲: مسجدی بر اثر تعریض کوچه، از بین رفته و فقط به متراژ ۵×۰۷۵/ از آن باقیمانده، که با آن نمی شود مسجد ساخت و از طرفی شهرداری پول

زمین خیابان شده را به عنوان خسارت می پردازد آیا می شود مبلغ خسارتی شهرداری را برای بنای مسجد سوال قبلی مصرف کرد؟

ج: هوالعالم، بلی می شود.

س۴۸۳: با توجه به اینکه بسیاری از مساجد مخروبه در شهرستان ها هست که بر اثر تعریض خیابان یا کوچه، قابلیت احداث مسجد را ندارند و از طرفی چه بسا مورد هتک حرمت حیوانات قرار میگیرند. بفرمایید نسبت به مقدار باقیمانده آنها. تکلیف چیست؟

ج: هوالعالم، موقوفات دیگر غیر از مسجد را می توان فروخت اما مسجد قابل بیع نیست، ولی می توان اجاره داد برای زراعت یا بنای خانه و دکان و غیر ذلک، و پول آن را در مسجد دیگر مصرف نمود.

س۴۸۴: اهالی روستایی کمک کردند و مسجد قدیمی روستا را بازسازی نموده اند سفت کاری مسجد انجام گرفت و یک مقدار آهن و آجر و سیمان برای ساخت وضو خانه باقی مانده بود بفرمایید:

اولا: آیا می توان این مصالح باقیمانده را برای ساختمان شخصی مصف کرد؟

ج: هوالعالم، خیر نمی شود. بلی چنانچه مسجد حتی برای وضو خانه احتیاج به آنها ندارد. می شود با نظر مجتهد برداشت و پول آن را برای مصارف دیگر مسجد بپردازند.

س۴۸۵: ثانیا: این مصالح باقیمانده را شخصی برای ساختمان خود استفاده کرده. آیا آن شخص مالک ساختمان می شود؟

ج: هوالعالم، البته خلاف شرع نموده و آن ساختمان مشترک می شود بین او و مسجد، پس با نظر مجتهد پول آن باقیمانده را بپردازد برای مصارف مسجد.

س۴۸۶: در صورتی که مسجد در طرح توسعه خیابان قرار بگیرد به چه علتی تخریب آن حرام است ولی در عوض تخریب مدرسه، مغازه و منازل مردم

جایز است؟

ج: هوالعالم، در مواردی که جایز است تخریب، فرقی بین مسجد و غیر مسجد نیست. کما اینکه در موارد حرام فرق بین آن دو نیست.

س۴۸۷: اینجانب... در یکی از مساجد منطقه محرم در شهرستان... به اقامه جماعت و تبلیغ مشغول می باشم و چون شبستان این مسجد کوچک بود به همت خیرین و مؤمنین چند خانه اطراف را خریدیم و به مسد اضافه کردیم و آن را توسعه دادیم و الان قرار بر این شده که قسمت جید دارای سه طبقه باشد:

۱ طبقه همکف، شبستان مسجد است که وقفیت و مسجدیت آن تا ارتفاع هفت متر قرار داده شده است.

۲ طبقه اول، دارای یک سالن می باشد که جهت اطعام در مراسم های مذهبی و ختم و... مورد استفاده قرار می گیرد.

۳ طبقه دوم، بنابراین شد که چند واحد مسکونی جهت احتیاجات مسجد احداث شود لکن چون مسجد بودجه ای برای احداث این واحدها در اختیار ندارد. اینجانب تصمیم گرفتم که از بودجه مردسه علمیه امام صادق (علیه افضل الصلوه و السلام) که در مجاورت مسجد قرار دارد و بنده آن را تاسیس نمودم، این واحدها را تکمیل نمایم و در اختیار اساتید و طلاب مدرسه قرار دهم. تا هر گاه که بودجه ای برای مسجد تامین شد و مه هزینه احداث این واحدها را به مدرسه برگرداندند پس این واحدها را در اختیار مسجد قرار دهم، حال سوالم این است که آیا انجام چنین کاری جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که مرقوم فرموده اید: که با اموالی که وقف برای مصرف خاصی نشده است و بنا دارید بعد از تامین بودجه

مسـجد، وقف برای مسـجد شود همه اعمالتـان صـحیح و موافق شـرع است و مورد رضـایت ولی عصـر -ارواحنـا فـداه که لابد مقداری از پول ها از سهم آن سرور است.

س۴۸۸: اینکه در روایت امام صادق (ع) آمـده: «یکره النوم فی المساجـد و لا یجوز فی المسـجدین الـذین کانا علی عهد النبی (ص) آیا آن مقداری که اضافه به دو مسجد الحرام و مسجد النبی شده حکم همان بناء سابق دارد؟

ج: هوالعالم، در مسـجدین اگر نهی هم باشـد محمول برکراهت است پس حرام نیست نوم در مسـجدین ثانیا: و علی التقدیرین حکم مختص است به مسجد زمان النبی (ص) و شامل زیادی نیست.

حسینه

س۴۸۹: شخصی در کتابش نوشته: شیعیان یک محل به نام «حسینیه» به نام حضرت عباس، به نام حضرت زینب، به نام حضرت صاحب الزمان (عج) و... درست می کنند و نامش در زبان اردو «امام بارگاه» می نهند و در این محل مجالس عزاداری برگذار می کنند و پول زیادی بر ساختمان خرج می نمایند و برای آن محل احترام قائلند ولو احکام مسجد جاری نمی دانند اما احترام فوق العاده قائلنـد و خیال می کنند که در مجالس عزاداری و یا مجالس اعیاد ائمه اطهار (ع) ارواح آنها در مجالس حاضـر می شوند و نیز در ایام عزاء آن محل ها را سیاهپوش می کنند.

این شـخص صـحبت را به درازا کشـید تا اینکه گفته: غیر از مجسـد هیـچ جا مقدس و احترام ندارد و همه اینها از بدعاتاست و مصرف کردن برای این طور جاها جایز نیست.

لطفا بیان فرمایید جای مخصوصی را به نام حسینیه بنا کردن، موجب تقدس و احترام

آن می شود؟ و مصرف کردن پول برای این محل ها شرعا چگونه است آیا ثواب دارد؟ آیا این محل ها که در آنها ذکر مصائب ااهل بیت (ع) و عزای آنها می شود از شعائر الله به حساب می آید؟

ج: هوالعالم، احترام این اماکن یک امر عرفی عقلایی است شما ببینید در تاریخ تمام ادیان و عقلاء بر محلی که امر مهمی انجام شده است و یا شخصیت مهمی در آنجا زندگی کرده چقدر اهمیت قائلند.

س۴۹۰:شخصی در کویت منزلش را به نام حسینیه وقف مؤبد کرده و حدود هفده سال به صورت حسینیه بوده و در آن عزاداری و ذکر امام حسین (ع) برقرار شده اما بعد از هفده سال. خود واقف در زمان حیاتش، وقف حسینیه را تغییر داده و آن جا را تبدیل به منزل اجاره ای کرده که در آمدش به مصرف حسینیه دیگری به نام حسینیه جعفریه شود پس بعد از مدتی آن منزل را فروخته و عوض آن عمارتی خریده که اجاره داده می شود و در امدش صرف حسینیه جعفریه می شود و این تغییر وقف بااذن مرجع دینی کویت آقای... صورت گرفه و با اشرف او بوده است. حال بفرمایید.

اولا: آیا تغییر وقف حسینیه به منزل یا عمارت توسط مرجع دینی جایز است؟

ج: هوالعالم، طبق فتوای من جایز نیست ولکن کسی که خودش را مرجع می داند همانگونه که نوشتید به فتوای خودش عمل می کند و فتوای غیر برای او اثری ندارد بلی تنها در صورتی که حسینیه خراب شده باشد و بدون هیچ فائده ای رها شده باشد جایز است با اذن مجتهد

جامع شرایط فروختن و تبدیل آن به حسینیه دیگری.

س۴۹۱: ثانیا: آیا لازم است عمارت خریدرای شده فروخته شود و تبدیل به حسینیه دیگر گردد؟

ج: هوالعالم، از جواب سال اول، جواب این سوال هم معلوم می شود.

س۴۹۲: شخصی اجیر شده برای تعمیر کردن چاه حسینیه ای، پس اجیر به درون چاه افتاده و مصدوق گردیده، لطفا بفرمایید که در این بین چه کسی مسئول است آیا هیئت امنای حسینیه یا اجیر کنند و یا شخص اجیر؟

ج: هوالعالم، به این نحو که سوال شده است هیئت امنا و اجیر کننده مسوولیت ندارند.

احکام نذر

س۴۹۳: اگر شخصی نذر کند چیزی به شخصی بدهد و قبل از پرداخت، آن شخص بمیرد و ورثه او مستحق نباشند آیا می توان مورد نذر را به فقیر داد؟

ج: هوالعالم، استحقاق ورثه شرط نیست اگر قبل از مردن عمل به نذر واجب شده باشد و تاخیر در اداء بنماید آن شخص مالك می شود و بعد از مردن او به ورثه اش می رسد.

س۴۹۴: آیا زوجه بدون اذن زوج و ولد بدون اذن پدر می تواند نذر کند و یا اعمال مستحبی انجام دهند؟

و آیا زوج و پدر می توانند نذر زوجه را حل کنند و یا نهیی از اعمال مستحبی نمایند؟

ج: هوالعالم، نذر زوجه بدون اذن زوج منعقد نمی شود. نذر ولد منعقد می شود ولی پدر می تواند منحل کند نذر را.

اما نسبت به اعمال مستحبی چنانچه عمل مستحب لازمه اش خرج از خانه است نسبت به زن مشروط است به اذن زوج و همچنین اگر منافی حق استمتاع باشد و الا بدون اذن صیح است ولی زوج و پدر می

توانند نهی کنند.

س۴۹۵: کسـی که نـدر کرده با غسل وارد حرم امام رضا(ع) شود و با آن نماز بخوانـد، اگر بعـد از غسل حـدث اکبر یا حدث اصغر از او صادر شود آیا می تواند وارد حرم شود، و اگر وضو بگیرد می تواند نماز بخواند؟

ج: هوالعالم، نذر دخول حرم اگر تنها بود می گفتم غسل اول روز تا آخر آن و اول شب تا آخر شب کافی است و لازم نیست اگر محـدث شـد دو مرتبه غسل کند ولی چون نذر کرده است که با آن نماز بخواند، وارد حرم می تواند بشود ولی برای نماز باید وضو بگیرد و اگر جنب شد غسل کند.

(جواب گنگ) س۴۹۶: کسی که یقین دارد نذری کرده است ولی جنس و نوع نذر را فراموش کرده است تکلیف او چیست؟

ج: هوالعالم، به مقدار متیقن خرج مطلق وجوه بر بنماید.

س۴۹۷: کسـی که برای حرم امام رضا (ع) مبلغی نذر کرده و قبل از رسـیدن سال خمسی مبلغ مذکور را به نیت نذر جدا کرده است تاموقع تشرف به ضرحی شریف بیندازد آیا موقع رسیدن سال خمسی به مبلغ مذکور خمس تعلق می گیرد؟

ج: هوالعالم، خیر تعلق نمی گیرد.

احکام شرط

س۴۹۸: آیا شـرط بنـدی حرام است یا نه؟ مثلا معلم به شاگردش می گویـد اگر سوال مرا جواب بدهی پس چیزی به شـما می دهم. بفرمایید که این عمل چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، خود عمل کار خلافی نیست ولی معلم (شرط کننده) مدیون نمی شود حتی در صورتی که شاگرد جواب درست بدهد و چنانچه پول را از روی رضا و رغبت بدهد حلال است بر شاگرد، و اگر رضایت نباشد

بر شاگرد جایز نیست گرفتن آن پول.

خلاصه: شرط بندی حرام نیست ولی ملزم هم نیست.

احکام وصیت

س۴۹۹: در صورتی که شخصی وصیت کرده که ثلث زمین مرا بفروشید و به نیابت از من به زیارت امام رضا (ع) یا عمره بروید آیا خود وصی این عمل را انجام دهد جایز است؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است مگر اینکه قرینه ای در وصیت باشد که خود وصی عمل نکند.

س۵۰۰: کسی که وصیت کرده به اینکه ثلث مال مرا به مصرف خیرات برسانید آیا می توان بدن او را به اعتاب مقدسه معصومین (ع) انتقال داد و این جزء خیرات است؟

ج: هوالعالم، بلی جز خیرات است.

س۵۰۱: شخصی در وصیت نامه خود چنین مرقوم داشته است که: «منافع زمین موسوم به نام... مختص روضه خوانی سالیانه است و ورثه حقی در آنندارند» آیا عبارت مزبور منصرف به وقف است یا وصیت؟ با توجه به اینکه آن شخص در زمان حیاتش در آمد زمین مذکور را صرف عزاداری سید الشهداء (ع) می کرده است و در بین فامیل معروف است به زمین روضه،

ج: هوالعالم، ظاهر حال وصیت است و اگر مراد او وقف بوده وقف منفعت باطل است و علی التقدیرین منفعت آن زمین تا ابد باید صرف روضه خوانی شود.

س۵۰۲: زمین مذکور در سوال قبل، حالا در مسیر رفت و آمد عموم قرار گرفته است و توسط شهرداری خیابان شده است و شهرداری مبلغی بابت قیمت زمین به ورثه داده است بفرمایید که آن مبلغ که عوض زمین است به چه مصرفی برسد؟

ج: هوالعالم، باید صرف عزاداری شود.

س۵۰۳: لطفا با توجه به دو سوال قبلی بفرمایید که: مسوولیت مباشرت بر

در آمد زمین و اقامه مجالس با فرض موت وصی، به عهده کیست؟

ج: هوالعالم، با مجتهد جامع الشرایط است.

احکام ارث

س۵۰۴: اینجانب دو برادر و سه خواهر مادری دارم و پدرم از آنها جدا است. پدر و مادرمان قبلا فوت کرده اند. و یکی از برادر مادری من هم نه سال پیش فوت کرده است و اولاد هم ندارد، آقای... مال این برادر را بین برادر و خواهرهای دیگر تقسیم کرده و به من سهمی نداده است. از حضرتعالی تقاضا می شود بفرمایید آیا از مال او سهمی به من ارث می رسد یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه میت پدر و مادر و اولاد ندارد مانند برادر شما اگر بعد از پدر و مادرش فوق تکرده است پس وارث او برادر و خواهر پدر ومادری باشند و یک برادر مادری که ظاهرا وضع شما چنین است در نتیجه یک ششم مال او به شما تعلق می گیرد و بقیه به باقی ورثه. به هر حال شما ارث می برید.

س۵۰۵: زن و شوهری که اگر یکی از آنها قبل از نزدیکی زفاف بمیرد آیا دیگری ارث می برد یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی، چون در ارث بردن دخول شرط نیست.

س۵۰۶: شخصی فوت کرده و از او یک باب ساختمان مسکونی باقی مانده و متوفقی دارای فرزندان پسر و دختر و یک زوجه می باشد و با توجه به اینکه فرزندان آن مرحوم همگی کبیر و رسید می باشند از بابت قیمت یک هستم ماع اعیانی سهم الارث زوجه با توافق زوجه از عین اعیانی به وی انتقال داده اند و بر همین اساس سند مالکیت

یک هشتم مشاع اعیانی به نام زوجه تنظیم و اخذ شده است و پس از مدتی در اثر حوادث طبیعی از قبیل سید و زلزله و... کل اعیانی از بین رفته است و در واقع تمامش تلف شده است و فرزندان عرصه زمین را دارند، حال بفرمایید آیا زوجه می تواند ادعای حقی از قبیل حق اختصاص یا هر حق دیگری نسبت به دیگر وارث و یا زمین داشته باشد؟

ج: هوالعالم، با خصوصیاتی که نوشته اید زوجه هیچ گونه حقی ندارد.

س۵۰۷:قطعه زمینی به مساحت پنجهزار متر مربع به صورت مزرعه است که صاحبش به عنوان ثلث از اموالش، برای خودش نزد سیدی در حدود هشتاد سال قبل قرار داده که به صورت ثبتی گویا بوده که در آمد آن برای صاحبش بعد از فوت او خرج گردد ولی مدتی بعد از فوتش پسرش که وارث او بوده تنگدست شده و چون استعاعت مالی نداشته آن قطعه زمین را در معرض فروش می گذارد و از پدرم تقاضای خرید آن را می کند پس پدرم در قبال مبلغی در حدود سی سال پیش آن قطعه زمین را از سید می خرد و تحویل آن وارث تنگدست می گذارد تا با زراعت امرار معاش خود و خانواده اش بنماید حال تمام افراد یاد شده از فروشنده و خریدار فوت کرده اند و تنها سه دختر از واقف و صاحب اصل زمین باقی ماندند و پدرمان و ما وارثین او هیچ احتیاجی به آن زمین نداشته و نداریم. حال بفرمایید:

اولا: با توجه به فعل خریدن و واگذاری آن قطعه زمین به فرزندش و احتیاج مبرم این

سه دختر که وارث صاحب زمنی می باشند آیا می توانند آن قطعه زمین را بفروشند یا خیر؟

ج: هوالعالم، چنانچه ثلث را صاحبش برای خودش قرار داده به وراث نمی رسد

س۵۰۸: ثانیا: بعد از فوت آن فرزند فرزند صاحب اصلی زمین زمین به صورت اجاره، منبع درآمد همسرش بوده و چیزی هم برای شوهر و پدر شوهرش خرج می کرده، آیا این عمل مشروع است؟

ج: هوالعالم، منافع زمین باید خرج آن صاحب زمین که ثلث را برای خودش قرار داده بشود.

س۵۰۹: ثالثا: حال آن همسر نیز فوت کرده و تنها سه دخر فوق الذکر به جا مانده اند آیا آنها حق استفاده و برداشت از زمین دارند؟

ج: هوالعالم، سه دختر حقی در زمین ندارند.

س۵۱۰: ملکی در محلی پس از فوت مورث بین وراث به صورت شرعی و قانونی تقسیم گردیده و سهم هر یک به استناد سند مالکیت و علائم اهری تفکیک شده، توضیح اینکه ملک مزبور به صورت باغ و ساختمان مسکونی هم اکنون در تصرف هر یک از مالکین می باشد حال بفرمایید آیا یکی از وراث بدون توافق و رضایت دیگران می تواند قسمتی از این ملک را که در تصرف او نیست به عنوان معدن سنگ، پروانه استخراج را با تبانی صادر کرده و بهره برداری را کلا بدون لحاظ منافع دیگران به خود اختصاص دهد؟

ج: هوالعالم، بدون رضایت دیگران عملی است غیر ممضی شرعا، بلی چنانچه بقیه ورثه بعدا رضایت بدهند و شریک در بهره برداری بشوند معامله ای که کرده است فضولی است و با اجازه بقیه شرکاء کامل می شود و ممضی،

شرعا.

احکام قضاوت

س۵۱۱: در باب قضاوت آیا مجتهدی متجزی می تواند قاضی شود و یا اینکه معتبر است که قاضی مجتهد مطلق باشد؟

ج: هوالعالم، معتبر است مجتهد مطلق باشد.

س۵۱۲: آیا اعلمیت در قاضی شرط است و یا اینکه غیر اعلم هم میتواند قاضی شود؟

ج: هوالعالم، اعلمیت در قاضی شرط نیست.

س۵۱۳: اینکه حاکم می تواند به علم خود قضاوت کند آیا علم حاکم ملحق است به عنوان اقرار یا به بیند و یا اینکه عنوان مستقلی است؟

ج: هوالعالم، یکی از اسبابی که قاضی می تواند بر طبق آن قضاوت کند علم قاضی است ولکن اظهر این است که عنوان مستقلی است و مشهور فقهاء هم به همین قائلند.

س۵۱۴: لطفا بفرمایید چرا در باب قضاوت بیند بر قاعده ید مقدم است؟

ج: هوالعالم، چون اصل قضاوت متوقف بر آن است و روایات هم تواتر دلالت می کند بر آن.

س۵۱۵: آیا شهادت وسواس در باب شهادت صحیح است و بر آن ترتیب اثر داده می شود؟

ج: هوالعالم، عنوان وسواس مانع از قبیل شهادت نیست.

س۵۱۶: آیا قاضی تحکیم در زمان غیبت کبری داریم؟ و چه شرایطی دارد؟

ج: هوالعالم، قاضی تحکیم مختص به زمان حضور است.

س۵۱۷: فرق خبر و شهادت چه می باشد؟ و آیا خبر نیز حجت است؟

ج: هوالعالم، شهادت مربوط به باب قضاوت است در آن تعدد شرط است. خبر در غیر آن باب است و به نظر ما خبر ثقه در موضوعات حجت است.

(ت) س۵۱۸: آیا اجازه قضاوت برای زنان می فرمایید یا خیر؟

ج: هوالعالم، زن حق قضاوت ندارد.

احکام گناهان

غیبت

س۵۱۹: اگر شخصی بگوید هر کس غیبت مرا بنماید من راضی هستم آیا غیبت او جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، در

حرمت غیبت معتبر است آنکه چیزی که شخص از ذکر آن کراهت دارد گفته شود، بنابراین اگر بگوید در هر موردی من به ذر این عیب راضیم و ناراحت نمی شوم جایز است آن غیبت، ولی باز در مورد عیب دیگر حرام است.

س۵۲۰: اینجانب در موارد بسیاری مرتکب گناه غیبت می شوم، غیبت می کنم و یا غیبت می شنوم. و اگر بخواهم وجدانم را تسکین دهم و به سراغ کسانی برم که غیبت آنها کرده ام و یا شنیده ام و از آنها حلالیت بطلبم کار به قهر و درگیری می کشد و راضب هم نمی شوند لطفا مرا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، توبه کنید و استغفار نمایید، انشاء الله خدای تعالی شما را می بخشد.

س۵۲۱: در صورتی که پدر یا مادر غیبت دیگران می کنند و ما می شنویم اگر بخواهیم اعتراض کنیم و مخالف غیبت کردن باشیم، شدیدا دل آزده و ناراحت می شند، تقاضا می شود ما را راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، شما با زبان ملایم آنها را نهی کنید و گوش به حرف های آنها ندهید و در مجلسی که غیبت می کنند ننشینید.

س۵۲۲: شوهرم بسیار انسان متدین و پاک است ولی این عیب را دارد که بسیار اهل غیبت کردن و شوخی کردن و مسخره کردن دیگران است به طریقی که از بدن یا قیافه دوست و آشنا می گوید و مسخره می کند و هیچ منظور بدی هم ندارد فقط به قصد خنداندن و عصبانی کردن من است هر چه نصیحت می کنم و نهی از منکر می کنم باز هم دست از این کار بر نمی دارد، بفرمایید وظیفه

من چیست؟

ج: هوالعالم، شما بیش از نهی از منکر وظیفه ندارید.

اسراف

س۵۲۳: اسراف در چه مواردی حرام است و در چه مواردی حرام نیست؟

ج: هوالعالم، اسراف در جمیع موارد حرام است و روایات در مورد طیب وضوء و یا حج و عمره و یا مأکول و مشروب وارد شده است که دلالت بر جواز اسراف در این موارد دارند ولی مراد آن روایات آن است که اسراف نیست و الا اگر صدق اسراف کند حرام است.

جادو و طلسم

س۵۲۴: اینجانب اطلاع یافتم که برای یکی از دختران فامیل ما جادو کرده ادن و بخت او را بسته اند و به این دلیل به هر خواستگاری که می اید جواب منفی می دهد لذا خواهشمندم اگر در احادیث معصمین (ع) برای باطل شدن چنین جادویی، دستور العملی بیان شده است مرقوم نمایید تا به وسیله آن دستور که توسط دخر و خانواده اش انجام می گیرد از آن رفع مشکل گردد؟

ج: هوالعالم، برای هر حاجتی باید مراجعه به اخبار وارده از حضرات معصومین (ع) نمود. آنچه که بر هر کاری دوا است نماز حضرت پیغمبر اکرم (ص) و حضرت امیر المومنین (ع۹ و حضرت فاطمه زهرا (س) و جعفر طیار و زیارت عاشورا خصوصا چهل روز متوالی خواند است.

و قطع نظر از همه اینها یک ختمی که در روایت است و جمعی ادعای تجربه کرده اند و گفته اند بسیار سریع التأثیر است و آن ختم به این نحو است که: روز پنجشنبه را روزه گرفته و با غسل صد مرتبه صلوات بفرستد و دو رکعت نماز حاجت بخواند و در هر رکعت بعد از حمد پانزده

مرتبه آیه الکرسی و بیست و پنج مرتبه «قل هو الله احد» بخواند و بعد از سلام بلافاصله چهل و یک هزار بار بگوید «یا وهاب»

س۵۲۵: متاسفانه در عصر حاضر گستره خراقه و خرافه پرستی به حدی رسیده است که در هر کوی و برزن شاهد هستیم که افرادی به عنوان فال گیر، رمال، جادوگر، طالع بین، کف بین، با انواع و اقسامش همچون فال هندی، فال چینی، فال قهوه، فال پرنده. طالع زنان در بروج، فال حافظ احضار اراح، جن گیری، انتقال انرژی، تجویز طلسمات و برخی موارد خاص. ادعای گره گشایی. معالجه امراض. خبر از گذشته و اینده و مغیبات می دهند که در بخری م وارد آیات و اسماء الهی را نیز مورد استفاده قرار می دهند و به کارشان رنگ و بوی دینی می دهند و از آن راهی نیز برای کاسبی خود پیدا می کنند مثلاـ می گویند چیزی از تو خواهند دزدید. مال و ثروت به تو می رسد. صاحب فرزند پسر می شود. یک خانم بلند قد یا کوتاه قد دشمن و بدخواه تو است و به تو حسودی می کند و.. حال اگر می خواهی از شرش خلاص شوی باید فلان مبلغ پول بدهی تا دعا و طلسم به تو بدهم. بنابراین نظر حضرتعالی را در خصوص سوالات ذیل مرقوم بفرمایید:

۱ فال گیری، رمالی، سحر و جادو، هیپنوتیزم، جفر، انتقال انرژی، دراسلام دارای چه حکمی است. نظر شارع مقدس در مورد پرداختن به این امور چیست؟

ج: هوالعالم، سوال خیلی مجمل است چون بر سحر هشت معنا کرده اند به هر حال سحر فی نفسه

حرام مؤکد است در رایت نبوی است: «السحر و الشرک تعرونان» و در رایت علوی است: «من تعلم شیئا من السحر فقد کفر». و جادو نیز حرام است، ولی جفر نمی دانم که حرام باشد.

و اما دف سحر به سحر، فقها گفته اند که جایز است و ما هم در صورت انحصار. فتوی به جواز داده ایم.

و اما شعبده. کهانه همه اینها حرام است و نیز رجوع به ساحر و کاهن و... جایز نیست و اما جن گیری و احضار ارواح اگر اهانت به کسی که جایز نیست اهانتش نباشد جایز است.

س۵۲۶: آیا رجوع به افراد مذکور برایگره گشایی و معالجه جایز است؟

ج: هوالعالم، رجوع به افراد مذکور جایز نیست خصوصا که اغلب انان بازیگر و در دروغگو می باشند.

س۵۲۷: تعلیم و تعلم این امور چه حکمی دارد؟ نگهداری و مطالعه کتبی که در این زمینه نگاشته شده است دارای چه حکمی است؟

ج: هوالعالم، تعلیم و تعلم سحر در صورت احتیاج به دفع سحر ساحرین جایز است در غیر این صورت جایز نیست.

نگهداری کتب اشکال ندارد خصوصا ممکن است برای رد آنان مورد حاجت قرار گیرد.

س۵۲۸: بعضی از فال گیران به درخواست مراجعین به قران مجید تفأل زده و بدون داشتن علم کافی به تفسیر آن می پردازند و در جواب تفأل نظر خود را می گویند نه نظر قرآن را، آیا این عمل جایز است؟

ج: هوالعالم، تفتل به قران به خصوص روایاتی غیر از رایات نهی از تفسیر به رای وارد شده است که دلالت بر حرمت آن دارد.

س۵۲۹: آیا افراد مذکور همانند دکتر معالج انسان محرم هستند؟ آیا

می توانند جهت معالجه به وسیله طلسمات و انتقال انرژی دست به اعضای بدن نامحرم بکشند.

ج: هوالعالم، ابدا محرم نیستند.

س۵۳۰: توصیه حضرتعالی به افرادی که به جای پیدا کردن راه حل مناسب برای رفع مشکلاتشان به این گونه افراد متوسل شده و نه تنها مال خود را از دست می دهند بلکه در برخی موارد عرض خود را نیز از دست می دهند چیست؟

ج: هوالعالم، توصیه ما به این افراد این است که تابع دستوراتاسلامی باشند. که در آن دستورات شدیدا نهی شده از مراجعه به این گونه افراد.

از مصائب شدیده این ایام اینکه جماعتی ادعای تشرف به حضور انور حضرت بقیه الله فی الرضین ارواح من سواه فداه می نمایند و از آن بزرگوار چیزهایی نقل می کنند و این ها روز به روز زیاد می شوند سوالات زیادی از ممالك اسلامی مانند عراق، حجاز، امارات و پاکستان از ما می شود که اگر اجازه می دهید ما به آنهارجوع کنیم و می گویند جوانان ما زیاد دور آنها را گرفته اند و قضیه بالاتر از این حرف ها است که نمی توانم بنویسم.

مسائل متفرقه گناه

س۵۳۱: تقلب در امتحال چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، تقلب مطلقا کار بدی است.

س۵۳۲: آیا شرط بندی حرام است یا نه؟ مثلا معلم به شاگردش بگوید اگر سوال مرا جواب بدهی چیزی به شما می دهم؟

ج: هوالعالم، خود عمل کار خلافی نیست ولی معلم مدیون نمی شود حتی در صورتی که شاگرد جواب درست بدهد.

خلاصه: شرط بندی حرام نیست ولی ملزم هم نیست.

س۵۳۳: در مسیر مورچه ها اگر انسانی ندانسته پا روی آنهابگذارد و مبیرند و

یا دانسته چون راه دیگری ندارد پا ری آنها بگذارند آیا گناه محسوب می شود؟

ج: هوالعالم، خیر گناه ندارد.

توبه

س۵۳۴: متأسفانه اینجانب از سن تکلیف تاکنون که بیست و سه سال دارم مرتکب گناه استمناع شده ام ویکی دو سال است که با عنایت خداوند خیل کم به این وسوسه و گناه دچار می شوم و در هر دفعه غسل جنابت کرده ودر دلم توبه میکنم و باز گاهی به این وسوسه دچار می شوم آیا غسل نابت انسان را پاک می کند؟ و یااینکه اگر برای همیشه دست از این کار کثیف بردارم خداوند توبه مرا می پذیرد؟

ج: هوالعالم، چنانچه توبه کنید و دیگر این عمل قبیح را مرتکب نشوید خداوند شما را می بخشد.

س۵۳۵: جوانی به همراه گروهی برای صید ماهی رفتند و با همدیگر ماهی حرام بدون فلس صید کردند و آن را به گروهی از شیعه فروختند و آنها نیز به گروهی از عامل فروختند حال آن جوان پشیمان از عمل خویش شده و توبه کرده بفرمایید برای اینکه برئی الذمه شود چکار کند؟

ج: هوالعالم، چنانچه کسانی که از او خریدند را می شناسد به آنها مراجعه کند و از آنها حلالیت بطلبد و اگر نمی شناسد پس به عنوان صدقه مبغلی به مقدار ثمن با اذن فقیه به فقرا بدهد.

احکام دیات

س۵۳۶: عاقله چه کسانی هستند و آیا در روایات تصریح به آنان شده است یا نه؟ و آیا خود شخص جانی متحمل بخشی از دید می شود یا نه؟

ج: هوالعالم، عاقله متقربین به میت هستند به اوین و یا به اب فقط به شرط ذکوریت مثل برادرها و اولاد آنها و عموها و اولاد آنها، و شرط نیست که در حال ارث ببرند. اما قاتل داخل در

عاقله نیست.

عاقله متحمل دیـد نمی شود در صورتی که قتل با اقرار ثابت شده باشد. و چنانچه جانی عاقله نداشـته باشد و یا نشود از آنها به واسطه عجز یا غیره گرفت از خود جانی گرفته می شود.

در تقسیم بر عاقله قریب و بعید فرق ندارد و بالسویه تقسیم می شود. و اصل دین به ذمه قاتل است و عاقله موظف به ابراء ذمه او می باشد.

س۵۳۷: با توجه به روایت کتاب المقنع «اذا حلق رجل لحیه رجل فان لم تنبت فعلیه دیه کامله ونبتت فعلیه ثلث الـدیه» بفرمایید دیه تراشیدن ریش چقدر است؟

ج: هوالعالم، در صورتی که عـدوانا بتراشـد چنانچه نرویـد تا یکسال بکله تا ابـد دیه کامله است. و اگر بروید ثلث دیه است. و اگر با رضایت خود آن شخص باشد دیه ندارد.

احکام قصاص

س۵۳۸: فرض مسـئله این است که مربی ورزشـی که در تعلیمات خود رعایت موازین شرعی و قانونی را داشته است و با توجه به فعالیت های ورزشـی بر روی وزشـکاران که به همه افراد ضـربه متعارفی وارد می کرد اتفاقا یک نفر در بین آنهاتوسط هین ضربه به قتل رسید. حال بفرمایید آیا این مربی عمل او جرم محسوب می شود یا خیر؟

و اگر جرم است قتل او از کدام نوع قتل عمد، شبه عمد، خطای محض است؟

ج: هوالعالم، چون برای مربی در وقت اسـتخدام شـرط ضـمنی است که در بعضی موارد ضربه متعارفی بزند، پس ضربه ای که در مورد سوال وارد کرده است جرم نیست یعنی خلاف شرع نیست.

ولی چون قتل که اصلا احتمال داده نشده است در موقع استخدام و

با فعل او محقق شـده است قتل غیر عمـد است و حکم آن را دارد و بر این مطلب روایات متعدید دلالت می کند مثل روایت ( )یونس از امام صادق (ع) «ان ضرب رجل رجلا بعصا ازو بحجر خمات من ضربد واحده قبل آن یتکلم فهو یشبه العمد» و امثال این روایت.

س۵۳۹: در صورتی که مربی ورزشـی با رعایت تمامی موازین شـرعی و قانونی عملی را بر روی ورزشـکارانش انجام می دهد که متعارف بین باشگاه ها می باشد اما فرض در جایی است که مربی با قصد قتل یک نفر از کارآموزانش عملی متعارف یک ورزشـکار انجـام داده و هیـچ نوع تخطی از موازین ننموده است و آن شـخص اتفاقا به وساطه این عمل فوت نموده است. حال سوال این است که آیا این عمل مربی با توجه به قصد قتل. بدون عملی که نوعا کشنده باشد جرم است یا خیر؟

و اگر جرم است قتل واقع شـده منسب به مربی از چه نوع قتلی عمـد، شـبه عمـد، خطای محض می باشـد؟ لطفا مبنای روایی را مبسوطا بیان فرمایید؟

ج: هوالعـالم، در این فرض چون قصـد قتـل نموده به آن عمـل، لابـد احتمـال تحقق قتل هم می دهـد بنابرانی جرم است و قتل عمد.

و دلیل آن هم روایات زیادی است که در کتاب رسائل الشـیعه ( ) مذکور است مانند روایت صحیح عبدالرحمن از امام صادق (ع) «انما الخطأ آن ترید شیئا فتصیب غیره فاما کل شیئی قصدت الیه فاصبته فهو الحمد» و روایات متعدد دیگر.

احکام مسائل اجتماعی

دین و سیاست

س۵۴۰: چه نوع سیاستی با دین مبین اسلام سازگار می باشد؟

ج: هوالعالم، چون جمله ای از احکام اسلام

احکام سیاسی است و لذا خود پیغمبر اکرم (ص) اول عملی که انجام داد بعد از گرویدن اهل میدنه به اسلم تشکیل حکومت اسلامی بود پس سیاستی که بر وفق موازین اسلامی باشد سیاستی صحیح است.

جهاد

س۵۴۱: کسانی که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به جبهه ها رفته اند و در دفاع از کشور اسالمی ایران کشته شده اند آیا جر و پاداش شهدا را دارا می باشند؟

ج: هوالعالم، آنهایی که با اعتقاد به اینکه جنگی است بین اسلام و کفر و با استناد به فتوای مجتهد عادلی که او معتقد به او است، رفته اند بلی حکم شهید را دارند.

س۵۴۲: آیا مثله کردن کافر یا مشرك چه قبل از مرگ و چه بعد از مرگ جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر جایز نیست.

س۵۴۳: مثله کردن کافر در حال حیات و یا بعد از مردم آیا جایز است یا خیر؟ به چه دلیل؟

ج: هوالعالم، در غیر حال حرب جایز نیست و همانا در روایت است که مثله کردن جایز نیست حتی نسبت به کلب

امر به معروف و نهی از منکر

س۵۴۴: نظر آیت الله خوئی (قدس سره) در کتاب «صراط النجاه» این است که: «امر به معروف و نهی از منکر اختصاص ندارندبه غیر والدین» و نظر آیت الله تبریزی (دام ظله) این است که :

« اینکه ضرب و جرح و مانند آن از مراتب امر به عروف و هی از منکر باشد مورد اشکال است ولی ضرب و جرح و مانند آن توسط پدر و مادر و دیگر افراد خانواده در صورتی که ممانعت آنها از گاه متوقف بر آن باشد جایز است»

حال با توجه به این دو فتوا بفرمایید: نظر حضرتعالی نسبت به مطلب فوق چیست؟ و اینکه امر به معروف و نهی از منکر به نسبت به پدر و مادر چه مراتبی دارد؟

ج: هوالعالم، امر به معروف و نهی از منکر بر دو

قسم است.

۱ دعوت خاص و انفرادی، و آن عبارت است از دعوت بعضی افراد نسبت به بعضی دیگر مثل امر به فریضه خاصی نسبت به شخص تارک آن و نهی از منکر خاصی همانند دروغ و غیبت و... نسبت به شخصی که مرتکب آن است .

۲ دعوت عام و اجتماعی، و آن عبارت است از دعوت امت پیامبر سایر است را بر خیر و هدایت و نور این دعوت عام به بیان طرق. مبانی، حقایق و احکام شریعت مقدس است برای امت دیگر.

اما مورد سوال در مراتب امر به معروف و نهی از منکر از قسم اول است که دعوت خاص و انفرادی باشد و برای آن مراتبی است:

اول: انکار قلبی مثل اظهار کراهت. اعراض، ترک کلام و غیره نسبت به مرتکب گناه.

دوم: انکار لسانی.

سوم: انکار بدید و این مرتبه به دو شرط است اینکه اسیر نالایسر رعایت شود و مفسده ای در پی نداشته باشد.

چهارم: انکار به ضرب و جرح، با عدم تأثیر مراتب قبل نوبت به این مرتبه می رسد.

پنجم: قتل، باعدم کفایت مراتب قبل نوبت به قتل می رسد در صورتی که مفسده گناه معصیت کار اهم از قتل باشد و یا مصلحت قتلش اهم باشد.

و در هیچ از یک از مراتب ذکر شده دلیلی بر انحصار نداریم تا بتوان به آن استدلال کرد به فرق بین والدین و بین غیر آنها در مراتب امر به معروف و نهی از منکر.

س۵۴۵: آیا اغراء به ظلم و یا کشتن مسلمین مشمول ادله شریک در گناه غیر بودن و مشمول این فقره و لعن الله امه سمعت بذلک فرضیت به است؟

ج: هوالعالم، امر به

منکر مسلما از محرمات است.

س۵۴۶: یکی از اقوام ما که در منزلش سگ نگهـداری می کند آن را به داخل اطاق می برد و با ظرف های خود غذا می دهد و با خود به حمام می برد و بـدن خیس او به فرش های منزل مالیـده می شود و با خود به رختخواب می برد که تمامی موارد به یقین مشاهده شده است.

آیـا رفت و آمـد مـا به منزل وی جایز است یا خیر؟ و یا گاهی دست و پای ما خیس است و روی فرش قرار می گیرد و راه می رویم چه حکمی دراد؟ و غذا خوردن با آن ظرف ها چگونه است؟

ج: هوالعـالم، در صورت احتمال تأثیر، رفتن شـما به حکم نهی از منکر حرام است. و به هر تقـدیر با دست و پای خیس اگر به فرش او راه بروید یا بمالید نجس می شود. و در ظرف های او اگر اب نکشد غذا خوردن جایز نیست.

تعدیب دانش آموز در مدرسه

س۵۴۷: آیا جایز است برای مدیر مدرسه با سمت مدیریت، به جهت تأدیب، دانش آموزان را بزنند؟

ج: هوالعالم، روایات متعددی وارد شده پیرامون تعدیب دانش آموز در خصوص معلم و در آنها زدن هم تجویز شده است. اما مدیر مدرسه اگر وظیفه تربیتی دانش آموزان را دارد برای او زدن هم جایز است و الا اگر وظیفه تربیتی ندارد قهرا جایز نیست.

س۵۴۸: بر فرض اینکه زدن دانش آموزان برای مـدیر مدرسه جایز باشد ایااین حکم در موارد مختلف بین اینکه زدن اثر منفی بر دانش آموز داشته باشد مثلا تضعیف شخصیت او شود و بین اینکه اثر منفی نداشته باشد فرق

دارد؟

ج: هوالعالم، خیر. اثر مثبت و منفی که بعدا بر ضرب مترتب می شود نمی تواند ملاک جواز یا عدم جواز ضرب دانش آموز باشد.

س۵۴۹: آیا اجازه ولی دانش آموز دخیل در جواز ضرب است، که چنانچه اگر ولی اجازه زدن بچه اش را نداد مدیر هم حق زدن نداشته باشد؟

ج: هوالعالم، اینکه ولی بچه اش به مدرسه می فرستد و تعلیم و تأدیب او را به مدیریت مدرسه واگذار می کند، نفس این عمل اجازه دادن به مدیریت است و همین مقدار اجازه برای ضرب للتعدیب کفایت می کند.

س۵۵۰: مدیر مدرسه با این عذر که در مواردی تنها با عصبانیت و داد شیدن می شود بچه ها را آرام و منضبط کرد حال بفرمایید آیا برای او جایز است بر سر آنها داد بکشد؟ و آیا سب و شتم آنها در حالت عصبانیت جایز است؟

ج: هوالعالم، سب و شتم جایز نیست و اما داد کشیدن مانعی ندارد چون از لوازم تتدیب است و بعضی افراد بدون آن آرام و منظبت نمی شوند.

س۵۵۱: آیا احکامی که برای مدیر مدرسه در سوالات سابق بیان شد برای معلم هم مطرح است؟ و آیا برای معلم ضرب و تأدیب مختص به زمان تعلیم است یا در هر زمانی به طور مطلق جایز است مثلا در زنگ تفریح یا بیرون از مدرسه؟

ج: هوالعالم، جواز ضرب توسط معلم مختص است به زمان مرتبط با تعلیم، و در غیر آن زمان معلم و غیر معلم فرقی ندارند در عدم جواز ضرب.

س۵۵۲: آیا حکم ضرب در تأدیب مخصوص پسر بچه ها است و یا اینکه آن حکم در دختر بچه ها هم

جاری است؟

ج: هوالعالم، دلیل جواز ضرب برای تأدیب عام است و شامل دختر بچه ها هم می شود.

س۵۵۳: اینکه معلم یا مدیر مدرسه اجازه دارنددانش آموز را برای تأدیب بزنند دلیلش چیست؟ و زدن چه مقدار است؟

ج: هوالعالم، در روایت معتبر علوی است «ادب الیتیم و اضربه کما تؤدب و تضرب ولدك( )» و اما مقدار ضرب در جنایات شرعی، بتسگی به نظر حاکم شرع دارد و در غیر آن موارد، روایات در غایت اختلافند و کلمات فقها نیز متفاوت است عده ای قائل به کرات ضرب شده اند و عده ای قائل به حرمت ضرب شده اند نسبت به اکثر از ده سوط. و اظهر به نظر من جواز ضرب است به حدی که تا مطلوب از تأدیب حاصل شود.

مسائل متفرقه اجتماعی

س۵۵۴: سلب ارامش از اهالی خیابان های... به واسطه آلودگی صوتی افتضاح ناشی از جیغ های نابهنجار راکبین وسایل تفریحی برقی پارک... بالاخص ترانه های کذایی و سوت و کف راکبین چرخ و فکل که حتی در لیالی شهادت ائمه اطهار (ع) ساعت ها و تا ساعت یک بامداد به طول می انجامد، همچنین سلب احساس امنیت و ازادی از خانواده ها به واسطه اشراف راکبین چرخ و فلک به حریم و حرز منازل مشکونی اطراف، بعلاوه امحاء و سوزانـدن زباله های پارک با دود و بویی مشمئز کننده، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، نامه تان موجب تاسف است چون در قم که در واقع پایتخت حکومت اسلامی استاین گونه اعمال خلاف شرع وایذای مردم و سلب امنیت و آزادی از خانواده ها و... علنی بشود و متصدیان امر هیچگونه عکس العملی نشان ندهند.

ولی

ن خیال می کنم مقصر خانواده های محترمند که تا حال سکوت کرده اند در حال که تظلم و قبول ظلم مانند خود ظلم موافق شرع نیست.

به هر حالشما وظیفه اولیتان این است که رجوع نمایید به شهرداری و قوه انتظامیه و فرمانداری،... و بدون اعتراض تقاضا نمایید که آنها که موظف به اصلاح امرند، رسیدگی نمایند. من مطمئنم که مصادر امر رسیدگی خواهند نمود چون ظاهرا اکثرا متدین و مایل به خدمتگزاری می باشند.

احکام مسایل جدید(مستحدثه)

عقیم کردن

س۵۵۵: بستن لوله های رحم در زنان و یا استفاده از قرص ضد بارداری به منظور کنترل جمعیت چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز است.

جنین آزمایشگاهی

س۵۵۶: آیا از بین بردن جنین آزمایشگاهی قبل از استقرار در رحم جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی جایز است.

س۵۵۷:نطفه ای که پس از تلقیح در ازمایشگاه، صلاحیت تبدیل به انسانی را دارد آیا می شود آنرا با دست کاری تبدیل به عضو یا بافت کرد؟

ج: هوالعالم، مادامی که روح دمیده نشده جایز است.

(ت) س۵۵۸: چنانچه تلقیح سلول انسانی با نطفه زنی در آزمایشگاه صورت بگیرد آیا می توان این موجود را قبل از استقرار در رحم از بین برد و یا آن را تبدیل به بافت یا عضو کرد؟

ج: هوالعالم، بعد از استقرار در رحم نمی شود، ولی قبل از آن اشکال ندارد.

سقط جنین

س۵۵۹: چنانچه زنی برای سلامتی خودش، جنین را سقط کند چون بر او جرح است آیا جایز است یا نه؟

ج: هوالعالم، اگر هنوز روح ندمیده است و جرح شدید است بلی جایز است.

س۵۶۰: زنی با رضایت شوهرش برای سقط جنین به دکتر مراجعه نموده و دکتر با اجازه زن عمل سقط جنین انجام داده

بفرمایید:

اولا: دیه بر ذمه کدامیک از این سه نفر است؟

ج: هوالعالم، دیه بر ذمه زن است.

س۵۶۱: کدامیک از این سه نفر مرتبک معصیت شده؟

ج: هوالعالم، دکتر مرتکب معصیت شده است مگر انکه حرمت سقط جنین به واسطه مزاحمت حرمت آن با یک حکم دیگر از قبیل حفظ حیات مادر و یا حفظ آبروی یک فامیل ساقط شده باشد که در این صورت هیچ کدام مرتکب معصیت نشده اند.

تعییر جنسیت

س۵۶۲:آیامرد یا زن می تواند تغییر جنسیت بدهد؟ و اگر تغییر جنسیت داد ولکن باطنش خلاف ظاهر است مثلا مردی که رحم هم دارد، چه حکمی در

این مسئله است؟

ج: هوالعالم، تغییر جنسیت فی نفسه اشکال ندارد. و چنانچه در ظاهر تغییر پیدا شده اما باطن یکی است معامله به آن نحو باطن باید شود.

احکام دخانیات

س۵۶۳: استعمال دخانیات چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، اگر مضر به نفس باشد به نحوی که موجب فلج شدن عضوی از اعضا باشد و یا هلاکت نفس جایز نیست، در غیر این دو مورد جایز است.

احکام مسائل اخلاقی

خودسازی

س۵۶۴: بهترین راه خودسازی برای آدمی چیست؟

ج: هوالعالم، عمل به وظیفه شرعیه

س۵۶۵: لفا بنده حقیر را در سیر و سلوک راهنمایی بفرمایید؟ آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی کنیم یا خیر؟

ج: هوالعالم، از در خانه اهل بیت (ع) به جایدیگر نروید و به دستورات آنها عمل کنید.

س۵۶۶: بهترین راه برای طرد شیطان چیست؟

ج: هوالعالم، عبادت خدای تعالی و ترک محرمات.

صله رحم

س۵۶۷: بعضی می گویند قطع رحم حرام است نه اینکه صله رحم واجب است لطفا نظر خود را بیان فرمایید؟

ج: هوالعالم، البته صلح رحم بسیار کار خوبی است و در روایات زیاد سفارش شده است ولی همان گنه که اشاره کرده اید قطع رحم حرام است

نفرین کردن

س۵۶۸: آیا نفرنکردن شرعا حرام است؟

ج: هوالعالم، نفرین کردن حرمتش معلوم نیست.

لعن کردن

س۵۶۹: آیا لعنت کردن اشخاص جایز است یا حرام؟

ج: هوالعالم، لعنت کردن بدون آنکه آن اشخاص خلاف شرعی انجام دهند کار صحیحی نیست ولو حرام نباشد.

احکام سادات

س۵۷۰: صدقات مستحبی و کفارات را به سادات دادن چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هیچ اشکال ندارد.

س۵۷۱: با توجه به اینکه در آیه ۸۵ سوره انعام «و زکریا و یحیح و عیی و الیاس کل من الصالحین» حضرت عیسی از ذریه حضرت ابراهیم شمرده شده است با اینکه انتساب او به حضرت ابرهیم از طرف مارد است. و با توه به اینکه در جواب اعتراض مامون به امام رضا (ع) که چرا شما فرزند رسول خدا (ص) نامرده می شوید با اینکه تنها از مادر به آن حضرت منتسب هستید نه از پدر، امام رضا (ع) فرمود چون دختران تو به رسول خدا (ص) محرم نیستند اگر الان رسول خدا باشد می تواند با آنهاازداج کند اما دختران من به رسول خدا محرم هستند چون آن حضرت (ص) جد آنها می شود بفرمایید آیا می شود به کسی که مادرش علویه و سید است او را سیده بدانیم و به عنوان «سید» صدا بزنیم؟

ج: هوالعالم، این مسئله در فقه معنون است و من هم در جلد ۷ فقه الصادق مفصلا بحث کرده ام و اجمال آن اینکه:

اولاـ ک خمس یعنی سهم سادات را باید به هاشمی داد و او مراد از آل، ذریه، عترت، و قرابت است و به نبوهاشم. و این دو عنوان صدق نمی کند مرگ بر کسی که منتسب بهاشم باشد از

طرف پدر چون ظاهر این است که این دو عنوان به ملاحظه معنای اسمی است نه اضافی

ثانیا: آنکه در روایت معتبر از امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده «من کانت امه من بنی هاشم و ابوه من سایر قریش، فان الصدقات تحل له ول یس له من الخمس شییء لان الله تعالی یقول: ادعوهم لآبائهم».

احکام عید

عید الزهراء

س۵۷۲: روز نهم ربیع الاول را چرا عید الزهراء می نامند؟

ج: هوالعالم، معروف است که روز قتل... است و مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم چیزهایی نوشته اند و رساله مختصری یک نفر نوشته، و در آن رساله از امام عسگری (ع) روایتی برای اعمال آن روز به عنوان روز عید نقل نموده است. و اولین روز تصدی امامت ولی عصر (عج) هم می باشد ابراز مسرت به مقتضای «یفرحون لفرحنا» خوب است.

س۵۷۳: در مورد جشن مجلس عید الزهراء چه می فرمایید با اینکه بعضی افراد ایراد می گیرند؟

ج: هوالعالم، مجلس حشن عید الزهراء بسیار کار حسنی است.

عید میلاد معصومین(ع)

س۵۷۴: کف زدن در مجلس مذهبی در حال مدح خواند مداح چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، کف زدن در اعیاد مذهبی هیچ اشکالی ندارد.

س۵۷۵: در ایام میلاد حضرات معصومی (ع)، استفاده کردن از برق تیر برق بدون اجازه اداره برق، جهت روشنایی چراغای محله، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، جایز نیست مگر با اذن اداره.

احکام مجلس عروسی

س۵۷۶: موسیقی، آواز، رقص در مجلس عروسی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، موسیقی مطلقا حرام است و همچنین غناء و رقص مرد در مجالس زنانه و زن در مجالس مردانه.

س۵۷۷:طشت زدن، دایره زدن، همراه با کف زدن و شعر خواند در مجلس عروسی چنانچه تحریک کننده و مفسده انگیز نباشد چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، غیر از دایره بقیه اشکال ندارد.

احکام قرآن

قرائت قرآن

س۵۷۸: چنانچه کسی قرآن را بدون قصد قربت بخواند لطفا بفرمایید که، اولا: آیا عرفا و شرعا قرآن خوانده است یا خیر؟

ج: هوالعالم، قرآن خوانده است ولی ثواب به او داده نمی شود.

س۵۷۹: شخصی در کتابش نوشته: قرآن فقط برای شفای امراض روحانی است و قرائت آن شفای امراض جسمانی نمی شود قهرا برای شفای امراض جسمانی، بعضی از آیات را وسیله قرار دادن درست نیست چون قرآن یک کتاب هدایت است نه اینکه یک کتاب طب باشد و ایاتش موجب شفای بیماری های بدنی شود. در این رابطه ما را راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، قران فی نفسه نه شفای مرض روحانی می شود، نه شفای مرض جسمانی، بلکه عمل به آن موجب سعادت می شود. وی یک از طرق عمل، آن است حضرات معصومین (ع) بفرمایند: خواندن قرآن با خصوصیات خاصه، موجب سعادت خاص دنیوی می شود. و التزام به آن هیچ محذوری ندارد.

مسائل متفرقه قرآن

س۵۸۰: با توجه به اینکه در حال حاضر در مساجد چاه نگهداری و امحای قرآن ها و اسمای جلاله وجود ندارد و اخیرا سازمان با زیافت کاغذها درخواست می کند کتابهای مستعمل و غیر قابل استفاده را به آنهاداده و در قبال آن مبلغی به مسجد می دهند. بفرمایید که تحیلو آنها برای تبدیل به کاغذ و یا محصولات کاغذی چه صورت دارد؟

ج: هوالعالم، ضرر ندارد شما که تسبیب به کار خلافی نمی کنید.

س۵۸۱: مراد از «من شر ما خلق» در سوره فلق چیست؟

ج: هوالعالم، مفسرین معنا کرده اند من شر ما یتحمل الشر من المخلوقات و مرادش این نیست که همه مخلوق شر هستند» در مقابل این مطلب که «وجود

خیر محض است».

احکام استخاره

س۵۸۲: آیـا اسـتخاره بـا قرآن یا تسبیـح و یا انواع دیگر آن صـحیح می باشـد و در صورت صـحت کـدامی بر دیگری ترجیح دارد؟

ج: هوالعالم، همه اش خوب است.

س۵۸۳: آیا حضرات معصومین (ع) نیز برای خود یا دیگران استخاره می نموده اند؟

ج: هوالعالم، یقینا آنها اگر دستور داده باشند به چیزی و موضوع آن بر آنها صدق کند عمل می کردند.

س۵۸۴: اگر کسی کثیر الاستخاره باشد آیا عمل او به استخاره ها صحیح است؟

ج: هوالعالم، اگر مورد استخاره باشد بلی.

س۵۸۵: آیا عمل به استخاره - با شرایط صحیح آن واجب است؟

ج: هوالعالم، واجب نیست.

س۵۸۶: آیا تکرار استخاره در موضوعی صحیح است، یعنی استخاره بد بیاید و دوباره استخاره نماید و یا به عکس؟

ج: هوالعالم، خیر صحیح نیست.

س۵۸۷: فرق استخاره با قرعه ای که همراه با خیر خواهی نمودن از خداوند است، چیست؟

ج: هوالعالم، بعضی از استخاره ها - مانند استخاره ذات الرقاع قرعه یکی از اجزای آن است.

س۵۸۸: استخاره یک فرد برای دیگری صحیح است یا خیر، چرا؟

ج: هوالعالم، صحیح است چون فرقی در مووضع بین افراد نیست.

س۵۸۹: استخاره در مورد واجب و مستحب و مباح و مکروه و حرام، چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، در مباح بلی، بلکه در مستحب و کروه نیز بلی، ولی در واجب و حرام خیر.

س۵۹۰: اگر استخاره کند شخصی سید باشد آیا اولی بر عام است یا خیر؟

ج: هوالعالم، فرقی نیست بین سید و عام.

س۵۹۱: آیا مطرح نمودن استخاره از طرف دین مبین اسلام. زمینه ای برای جلوگیری از فکر و عقل در بین مردم عوام نمی شود، چرا؟

ج: هوالعالم، خیر، چون در صورتی استخاره

صحیح است که بعد از تفکر و مشورت باشد، اگر باز متحیر ماند استخاره بنماید، و قبل از آن استخاره مورد ندارد.

س۵۹۲: انسان برای اینکه به اسخاره ای که نموده عمل نکند، چه کاری می کند تا مورد غضب خداوند واقع نشود؟

ج: هوالعالم، عمل نکردن به استخاره موجب غضب الهی نیست.

س۵۹۳: استخاره نمودن زنان اعم از اینکه استخاره بگیرند و یا اینکه دیگران برای آنهااسخاره کنند چه صورتی دارد؟

ج: هوالعالم، فرقی بین زن و مرد نیست.

س۵۹۴: استخاره برای ازداج چه مقدار حجت شرعی دارد و انسان باید با چه نیتی برای ازدواج استخاره بنماید؟

ج: هوالعالم، حجت شرعیه ندارد، استخاره مانند مشورت با یک بزرگ متفکری است.

س۵۹۵: اگر استخاره خوب بیاید و بعد انسان در موردش سختی و ضرر ببیند. می گویند خیر و صلاح شما در همان بوده پس در این صورت استخاره چه معنی دارد چون در حالت عادی نیز هر امری باری انسان مؤمن واقع می شود خیر و صلاح او می باشد؟

ج: هوالعالم، در این صورت معنای خوبی استخاره این است که اگر این کار را نمی کردی ضرر بیشتری متوجه می شد.

س۵۹۶: کسانی که مرتبا برای همه کارهای خود اعم از کوچک و بزرگ استخاره می کنند چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، صحیح نیست مگر آنکه مریض باشند و راهی برای فهمیدن صلاح وف ساد نداشته باشند مگر استخاره.

س۵۹۷: کسانی که می گویند «مطالب قران بسار عمیق است و به سادگی فهمیده نمی شود» پس با این توضیح بفرمایید چگونه می شود خوبی یا بدی حجتی را از قرآن به طریق استخاره متوجه شد؟

ج: هوالعالم، قرآن ظاهری

دارد و باطنی. اما باطن قرآن را کی جز ائمه (ع) نمی فهمند و اما ظاهر قرآن را همه می فهمند و لذا در کتب استدلالی همه به ظاهر قرآن برای استفاده احکام استدلال می کنند.

س۵۹۸: کسی که خیلی دقیق به معانی قرآن واقف نیست اگر برای مردم استخاره نماید چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، چنانچه نمی تواند خوب و بد را تشخیص دهد، نباید استخاره کند.

س۵۹۹: در مورد استخاره با قران بعضی می گویند «باید قرآن کامل باشد» حال بفرمایید آیا استخاره با قرآن ناقص هم صحیح است یا خیر، چرا؟

ج: هوالعالم، با قران ناقص هم می شود استخاره نمود چون مقصد فهمیدن صلاح و فساد دنیوی است.

س۶۰۰: بفرمایید که نظر کلی حضرتهالی، راجع به استخاره چیست؟ و برای اطلاع بیشتر به چه منابعی باید رجوع نماییم؟

ج: هوالعالم، بعضی از اقسام استخاره روایت دارد و شهید (قد سره) نقل می کند: که مواردی که استخاره کرده است با تجربه قطعی می فرماید استخاره صحیح است. و کتابی در استخاره هست ولی عربی است.

مسائل اعتقادی

اصول دین

س۶۰۱: بعضی در کتابشان القا می کنند که «اصول دین سه تا می باشد و کسانی که می گویند اصول دین پنج تا است اشتباه می کنند» لطفا بفرمایید کسی که این عقیده داشته که اصول دین پنج تا است توحید، عدل، نبوت امامت، قیامت خطا کرده است و گناهکار است؟

ج: هوالعالم، معنای دین اخص از اسلام است، دین عبارت است از قوانینی که خداوند تعالی جعل کرده و قرار داده است از اصول عقائد و فروع، و واضح است که اصول دین پنج است.

اسلام و ایمان

س۶۰۲: اینکه شیعیان در کلمه طیبه این طور عبارت را ادا می نمایند «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، وصی رسول الله و خلیفته بلافصل» بعضی در کتابشان القا می کنند که «خلیفته بلافصل» در کلمه طیبه ذکر کردن از بدعات است ولو مضمون این جمله را ادا نمایند چون به این لفظ در حدیث موجود نیست. و می نویسد کلمه اسلام «لا اله الا الله، محمد رسول الله» می باشد و کلمه ایمان و لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و خلیفه رسول الله می باشد اضافه بر این جایز نیست حال بفرمایید آیا شیعیان مرتکب گناه شده اند؟

ج: هوالعالم، آنچه دستور شرع است کلی است و در خصوصیات الفاظ موکول به نظر افراد است مشروط به انکه الفاظ از

مضـمون ان کلی زیاد نباشد و لفظ و خلیفته بلافصل، مضـمون همان عبارت رسول خدا (ص) در روز غدیر است. بنابراین هیچ اشکالی ندارد گفتن آن.

نبوت وامامت

س۶۰۳: بعضی افراد در کتابهایشان نوشته اند که:

«شـیعیان ائمه اطهار را وسـیله برای امور دینوی و برآوردن حاجات دنیوی قرار می دهنـد با اینکه ایشان برای هدایت بشـر آمده انـد نه اینکه مسائـل دنیوی مردم را حـل نماینـد چون مسایل دنیوی تابع وسائل طبیعی است و از همین باب است که بعضـی ها وقتی به مزارات و حرم ها مشـرف می شونـد از قبور ائمه اطهار (ع) حاجات دنیوی طلب می کننـد که این کار درست نیست و بدعت می باشد، آنهافقط برای امور معنوی واسطه می باشند و ارتباطی به امور تکوینی ندارد»

لطفا بفرمایید آیا ائمه اطهار (ع) در

حـال حیـات و بعـد از حیـات، تنها وسائل و برکات الهی در امور معنوی می باشـند و یا اینکه در امور دنیوی و تکوینی هم می شود از آنهاکمک خواست و آنها را وسیله قرار داد؟

ج: هوالعـالم، امام قطع نظر از دارا بودن ولایت تکوینی که عبارت است از تصـرف در عالم کردن ایجاد اواعـدما، و اینکه عالم طبیعت منقاء آن بزرگواران است البته نه به نحو اسـتقلال بلکه در طول قـدرت خداونـد تعالی و اختیار او ، خداونـد می فرماید در طلب حاجات «وابتغوا الیه الوسـیله» یعنی واسطه قرار دهید نزد پروردگار در طلب حاجات و آن واسطه هم اهل بیت (ع) می باشـند و خداونـد به واسـطه آنها حاجات شـما را برآورده می نماید. و لذا در وقت کم آبی می فرمایند در دعا خدا به حق امام زمان قسم بدهید و به واسطه ان بزرگوار یاران رحمت الهی بر شما نازل می گردد.

س۶۰۴: اینکه برای معصوم (ع) می گوییم «روحی و ارواح العالمین لک العـذاء» با اینکه روح در اختیار ما نیست بفرمایید مراد آن چیست؟

ج: هوالعالم، در این موارد این جملات معنای کنایی دارنـد یعنی من آن قـدر به شـما اهمیت می دهم که اگر دوران امر بین از بین رفتن شما یا همه باشد، من از بین رفتن همه را مقدم می دارم.

س۶۰۵: بـا توه به ایه مبارکه «یا ایها الرسـلو بلغ ما انزل الیک من ربک... ( )» و آیه مبارکه «الیوم المکت لکم دینکم... ( )» در امر ولایت علی بن ابیطالب (ع)، و با توجه به خطبه بنی اکرم (ص) در غدیر خم، پیرامون

ولایت آن حضرت. بفرمایید آن کسانی که قبول ندارند و یا این آیات و روایات را تأدیل می کنند به چیز دیگری غر از امامت و ولایت، آیا کافرند یا خیر؟

ج: هوالعالم، خیر کافر نیستند.

شیعه و تشیع

س۶۰۶: ملاک در تشیع و شیعه بودن چیست؟ و آیا مأمنون الرشید قاتل امام رضا (ع) شیعه بود یا نه؟

ج: هوالعالم، میزان اعتراف به امامت اثناعشر داشتن است. و چنانچه مأمون هم اینگونه بوده است او هم شیعه فاسق بدتر از هر کافری است.

تولی و تبری

س۶۰۷: در مورد جواز لعن سه غاصب ازل و ابد در مجالی که دوستان و محبین اهل بیت می باشند چون بعضی می گویند که در این زمان باید تقیه کرد و اگر ما آنهارا لعن کنیم آنهاتلافی می کنند و بعضی می گویند الان مصلحت اتحاد دنیای اسلام، اقتضا می کند دست از لعن آنها برداشته شود، نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

ج: هوالعالم، در مورد لعن غاصبین چنانچه علنی باشد در حضور مخالفین و موجب اختلاف شود نباید انجام شود به موجب آیه کریمه «لا تسبوا الذین یدعون من دون الله نیست الله عدوا...» و اما در مجالسی که مخالفین نیستند بسیار ذکر خوبی است.

غلو

س۶۰۸: لفا بفرمایید کسانی که در مقام اهل بیت عصمت و طهارت (ع) غلو می کنند و جملاتی امثال «خدا علی و علی خدا لا اله الاـ الزهراء بسم الله الرحمن الرحیم یعنی امیر المؤمنین مالک یوم الدین یعنی زینب کبری» می گویند آیا شرت رد چنین مجالی جایز است؟ برای ما تعیین تکلیف فرمایید؟

ج: هوالعالم، این جملات موجب کفر است و روایات متعددی از خود حضرت امیر المومنین علیه الاف التحیه و الثناء وارد شده کسانی که نظیر این جملات بلکه کمتر از این معانی می گفتند ان حضرت تبری از آنها نموده و از زمره مسلمین خارج دانستند.

به هر حال این جملات به آن گونه که از آنهاظاهر است موجب کفر است و رسول خدا (ص) و ائمه طاهرین (ع) از این گونه افراد بیزارند.

س۶۰۹: اشعار سبک و دون شأن اهل بیت (ع) و دور از واقعیت، و بعضا غلو امیز

از جمله عباراتی چون، حسین را می پرستم ، بسم الله الحسین، لا اله الا فاطمه، از نظر شرعی چگونه است؟

ج: هوالعالم، کلمات کفرآمیز را هیچ مسلمانی نمی پذیرد خود امام حسین (ع) به حدی در این جهت حساس بودن که قابل بیان نیست.

رجعت

س۶۱۰: نظر شریف شما در رجعت چیست؟ آیا آن را قبول دارید؟

ج: هوالعالم، اصل رجعت ثابت و مسلم است و هیچ جای تردید نیست و روایات متواتری که تعداد آنها به دویست روایت می رسد بر آن دلالت دارد. لکن جزئیات و خصوصیات رجعت بر ما معلوم نیست.

فشار قبر

س۶۱۱: آیا فشار قبر بر روح در قالب مثالی می شود یا بر همین جسم؟ اگر بر همین جسم بشود چرا بعد از دو روز اگر قبر را بشکافند همان بدن به طور سالم هست و تغییری نکرده یا اینکه میت هم استحقاق فشار قبر داشته ؟

ج: هوالعالم، کیفیت فشار قبر بر ما روشن نیست و خدا کند تا آخر هم نفهمین و مبتلا نشویم به آن.

حادث یا قدیم بودن عالم

س۶۱۲: در نظر متکلمین عالم حادث است به این معنا که اگر به گذشته برگردیم به لحظه ای می رسیم که عالم پدید امده، نه خودش قدیم است و نه ماده اش قدیم است. بلکه خداوند ان را از نیستی به هستی آورده است.

در نظر فلاسفه عالم قدیم است یعنی ماده اولی آن ازلی است و هر چه به گذشته برگردیم به مبدا و آغاز آن نمی رسیم.

حال بفرمایید آیا حدوث عالم به همین معنا از ضروریات دین است یا دقیم بودن عالم؟ آیا می شود با برهان عقلی قائل به قدیم بودن عالم شویم؟

ج: هوالعالم، مسئله حدوث عالم و خالقیت خدا از واضحات است چون وجود بلاموجد و ترجح محال است و از ضروریات همه ادیان است.

و قدم به معنای مبدأ حدوث پیدا نکردن اشکال ندارد ولی قدم به معنای آنچه راجع به خداوند تعالی معتقدیم التزام به آن شرک است.

مسائل متفرقه اعتقادی

س۶۱۳: آیا خداوند متعال از ازل علم به اشیاء و حوادث قبل از ایجاد داشته یا نه؟ با اینکه شیخ صدوق در اعتقادات روایت

کرده «سئل الصادق (ع) هل یعلم الله قدیما و ازلا بالاشیاء؟ قال: أنی یعلم و لامعلوم....»

ج: هوالعالم، علم دو نوع اطلاق دارد و بر دو اصطلاح است.

۱ علم به معنای خود اضافه بین عالم و معلوم. به این معنا. علم بعد از تحقق و وجود دو طرف آن عالم و معلوم حاصل می شود و اضافه عالم به معلوم اضافه حقیقی است این علم چنین برای خداوند قبل از ایجاد نیست.

۲ علم به معنای مبدا اضافه عالم و معلوم، این علم برای خداوند قبل از ایجاد است.

علم به معنای اول از صفات ذاتیه خداوند نیست ولی علم به معنای دوم همین ذات خداوند است. قهرا با این بیان تنافی بین علم خداوند قبل از ایجاد و معنای روایت. مرتفع می شود.

س۶۱۴: آیا کفار با اینکه ایمان به خدا و رسولش (ص) ندارند مکلف به فروع دین هستند یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی مکلف به فورع می باشند ولیو بدون اسلام و ایمان اعمالشان صحیح نیست، ولی چون قدرت بر اسلم آوردن دارند مکلف به فروع می باشند.

س۶۱۵: اعتقاد افرادی که می گویند: ذات خدا بلند مرتبه بذاته، به صورتهای این معلومات و حقایق آنها متجلی می شود، پس ظاهر شدن ولی به صورتهای این معلومات و حقایق آنها، بنابر اقتضای ذات و قابلیت مظاهر برای ظهور واجب است.

یا اینکه می گویند: ان الذات الالهیه هی التی تظهر بصور العالم و ان اصل تلك الحقایق و صورها تلك الذات.

یا قائلند به اینکه: فما عبد غیر الله فی کل معبود اذا لا ـ غیر فی الوجود، فکل ماتدرکه فهو وجود الحق فی اعیان الممکنات فالعالم متوهم، ماله وجود حقیقی و هذا معنی الخیال، و در اشعار خود چنین سروده اند:

یکی شمس حقیقت می درخشد در همه عالم

تعیین های امکانی بود مانند روزن ها

به جز یکتا جمال حسن مطلق نیست در هستی

(حَسَن) را چشم حق بین است و حق گویند روشنها

وجود اندر کمال خویش ساری است

تعین ها امور اعتباری است

امور اعتباری نیست موجود

عدد بسیار و یك چیز است موجود

گویند که کند ذات حق نتوان یافت

ما یافته ایم که کنه ذاتش مائیم

و قائلند که: عالم عبارت از تجلی وجود مطلق است بر خود در کسوت

تعینات کونیه اعیاناو اجساما، غیبا و شهودا. جبروتا و ملکوتا و ملکا.

در نهایت چون به دقت بنگری معتقدند: آنچه در دار وجود است وجوب است و بحث در امکان برای سرگرمی است.

خلاصه اعتقاد به این وحدت وجود از نظر اسلام چگونه است؟

ج: هوالعالم، قائل به وحدت وجود به این معنا که ذکرشده است در سؤال، کافر است مگر آن که بگوید «من معتقد به آن نیستم و از این الفاظ معنای ظاهر آن را اراده ندارم» خداوند همه را هدایت کند.

مسائل تاریخی

تاریخ حضرت زهراء (س)

س۶۱۶: بعضی در کتاب های خود نوشته اند:

«بعضی از مصیبت ها. تظلم ها که برای جناب سیده زهراء مرضیه (س) بر منبرها خوانده می شود، از قبیل احراق باب. کسر ضلع، شهادت محسن و شبانه روز گریه و اه و فغان کردن، بعید به نظر می رسد و بعدها برای مصالح سیاسی و برای ایجاد نقلاب بر علیه بنی امید و بنی عباس توسط شیعیان افراطی ایجاد شده است که در این زمان. گفتن این مطالب موجب تفرقه بین مسلمین و باعث ضعف قدرت مسلمین می باشد»

لطفا در این رابطه بیان فرمایید که به طور کلی، تظلم های یکه برای سیده زهراء مرضیه (س) خوانده می شود صحت دارد یا فقط شهرت است؟

ج: هوالعالم، بسیاری از این مطالبی که نقل کرده اند از مسلمات است. و راستی مایه شگفتی است وبسیار سخت است قبول آنها. که شقاوت افرادی به حد مرحله غیر تصوری برسد که چنین اعمالی از آنها نسبت به چنین شخصیتی که هر چه در عظمت او بگویید کم فته اند سر بزنند.

آیا ان اعمال موجب تفرقه نشده است ولی گفتن آنها

موجب تفرقه است آن هم در بین دوستان گفتن، خداوند به همه قدری انصاف بدهد.

تمثال و تصویر معصومین (ع)

س۶۱۷: نقاشی از شخصیت های مذهبی اعم از حضرات معصمین و غیر آنها مدت ها است که رواج دارد و در هیئات مذهبی و سایر اماکن عمومی نصب می گردد، نظر مبارکتان درباره این قبیل تصاویر چیست؟

ج: هوالعالم، به نظر من کار درستی نیست و کذب عملی است و گاهی هم اهانت است.

زیارت عصمین (ع)

س۶۱۸: با توجه به اینکه روایات دلالت دارند بر استحباب زیارت پیامب راکرم (ص) و امامان (ع) و امام زادگان، و با توجه به روایت «مسجد المرئه بیتها»، بفرمایید آیا استحباب زیارت معصومین و امام زادگان برای زن هم هست یا خیر؟

ج: هوالعالم، بلی هست، ولی نماز در خانه ثوابش بیشتر است از نماز در مسجد.

س۶۱۹: ما که به زیارت معصومین (ع) می رویم با اینکه قبر آنهادر سردابه است و در مکان بالاتر هستیم آیا بی احترامی به انان نمی شود؟

ج: هوالعالم، قبر همه معصومین (ع) در زیر زمین است یقینا اهانت نیست.

س۶۲۰: رفتن به زیار عتبات عالیات از جمله حضرت سید الشهداء (ع) با اخذ ویزا و یا به صورت قاچاق، چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در صورت خوف بر نفس جایز نیست و در غیر آن مورد جایز است و حَسَن. اما بر زن مطلقا من جایز نمی دانم.

س۶۲۱: رفتن به زیارت عتبات عالیات در صورت ناامنی عراق چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، در غیر مورد خوف بر نفس و هتک ناموس، بسیار کار خوبی است.

س۶۲۲: پیرامون زیارت اما محسین (ع) روایت مختلف است مثل «زر الحسین (ع) ولو علی خوف»، و یجب عملیک زیادته» و غیره لطفا بفرمایید عمل به این روایات در صورت خطر بر نفس یا مال، یا

کتک خوردن، یا به زندان افتادن و یا... به چه وجهی می باشد؟

ج: هوالعالم، در صورت خطر بر نفس جایز نیست اما بقیه امور مانع از زیارت و مطلوبیت آن نیست.

س۶۲۳: در صورتی که رفتن به زیارت امام حسین (ع) خطر جانی یا مالی یا عرضی داشته باشد آیا جایز است به زیارت بروند؟

ج: هوالعالم، در صورت خطر عرضی جایز نیست و در صورت خطر مالی یا جانی غیر از هلاکت نفس جایز است. و در صورت خطر هلاکت نفس جایز نیست.

س۶۲۴: در زمان ما رسم دولت بر این است که برای گرفتن گذرنامه باید برای بانوان عکس رنگی و برقی تحویل شود و مأمور گذرنامه عکس را با صاحب عکس رؤیت و تطبیق کند و چه بسا در عکس زنهای جوان و با آرایش مظفه ریبه و اناره شهوت است. حال بفرمایید آیا گرفتن گذرنامه برای زیارت های مستحبی عتبات عالیات و یا برای عمره مستحبی چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، گرفتن گذرنامه برای زیارت های مستحبی. ول با عکس گرفته شود و تطبیق کنند با خود آن شخص، اشکال ندارد. در نهایت باید خانم ها را متنبه نمود که ارایش نکنند. و در صورت امکان مأمور تطبق هم زن باشد.

عزاداری

س۶۲۵: اگر بعضی از واجبات از مکلف به واسطه شرکت در مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) فوت شود مثلا نمازش قضا شود. آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند و یا اینکه این عمدم شرکت باعث دوری از اهل بیت (ع) می شود؟

ج: هوالعالم، هیچ گونه تزاحمی بین این دو عمل نیست. در جالس عزاداری شرکت کند و نماز

هم بخواند.

س۶۲۶:عزاداری حضرت سید الشهداء (ع)، در مساجد و حسینیه ها بهتر است یا در خانه و خیابان ها ؟

ج: هوالعالم،در همه امکند خوب است.

س۶۲۷: اجرای دسته های عزاداری «شاه حسین گویان» بعد از عاشورای حسینی به خصوص شام غریبان چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، بسیار کار خوبی است.

س۶۲۸: استفاده کردن از آلات موسیقی همانند طبل، صنج و شیپور در دسته های عزاداری سید الشهداء (ع) چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، هر عملی که فی نفسه حرام است مانند موسیقی و غناء نباید در عزاداری حضرت سید الشهداء داخل شود.

س۶۲۹:طبل و شیپور و صنج زدن در عزاداری سید الشهدا (ع) چگونه است؟

ج: هوالعالم، طبل و شیپور جایز است، صنج خلاف احتیاط است.

س۶۳۰: هیئت های حسینی چگونه می توانند شأن امام حسین (ع) و شهدای کربلا را نگه بدارند؟

ج: هوالعالم، مرثیه بخوانند، سینه بزنند، زنجیر بزنند در خیابان ها برگردند و...

س۶۳۱: زنان چگونه می توانند در عزاداری سید الشهداء (ع) شرکت نمایند لطفا راهنمایی فرمایید؟

ج: هوالعالم، زن ها به جامع روضه خوانی بروند و جای آنهااز مردها حبا باشد و به بدن لخت مردان سینه زن نگاه نکنند.

س۶۳۲: پول های نذری که برای هیئت حسینی جمع می گردد آیا هیئت می تواند از این پول ها به کسانی که احتیاج دارند قرض الحسنه بدهد؟ و الا در چه مصرفی خرج شوند؟

ج: هوالعالم، مصرف این پول ها بسته به قصد نذر کننده است.

س۶۳۳: بعضی از هیئات حسینی که مراسمشان تا نیمه شب طول می کشد. بلند گویی در بیرون هیئت دارند که صدای ان قاصدها متر پخش می شود و بسیاری از مردم که بیمار و پیر و

کودک هستند ناراحت میوند. نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

ج: هوالعالم، البته این کار خوب نیست ولی نباید سبب شود که عزاداری تعطیل شود بلکه باید عزاداری باشد و رعایت حال مجتمع هم بشود.

س۶۳۴: ضمن اهمیت اقامه عزا برای امام حسین (ع) و دیگر امامان (ع) و با توجه به اینکهاین عبادت بزرگ در مواردی الوده به امور سبک و خلاف شأن ائمه هدی (ع) شده است بفرماییدک آیا تشخیص عزاداری مقبول از اعمال نامشروع به نام اقامه عزا. منحصرا با فقیه جامع شرایط است و یا خیر بلکه عموم مردم می توانند در این مورد تشخیص بدهند؟

ج: هوالعالم، بعضی از امور تشخیص ان با فقیه است مانند جواز قمه زدن و طبل و شیپور نواختن. و مرد به صورت زن در آمدن و غیره.

س۶۳۵:برداشتن علامت های آهنی بزرگ، حتی بعضی به عرض خیابان، و نصب پارچه های گران قیمت و مجسمه های انواع حیوانات بر روی آن. ضمن نوشتن نام مبارک ائمه هدی (ع) و آیات قرآن، و حاجت طلبیدن از آن و نصب و حمل آن در مساجد و معابر عمومی، آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم،بعضی از آنها جایز، و بعضی جایز نیست.

س۶۳۶: آیا صرف هزینه برای برگزاری تعزیه. خرید علامت هایچند میلیونی به شکل صلیب، و یا خرید آلات موسیقی از مله طبل و چنگ و... آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم، خرید علامت به شکل صلیب و آلات موسیقی جایز نیست.

س۶۳۷: استفاه از آلات موسیقی از جمله طبل. شیپور، نی، ارگ و... و نواختن اهنگ هایی بعضا طرب انگیز در دسته های عزاداری، آیا شرعا جایز

است یا خیر؟

ج: هوالعالم،این گونه امور خلاف است وباید جلوگیری نمود.

س۶۳۸:خواندن اشعار سبک ودون شان ومنزلت اهل بیت عیلهم السلام وبه دوراز واقعیت وبعضا غلوآمیز از حمله عباراتی چون ((حسین را می پرستم))،((بسم الله الحسین))، ((لااله الافاطمه))، آیا شرعا جایز است؟

ج: هوالعالم،کلمات کفرآمیز را هیچ مسلمانی نمی پذیرد خود

امام حسین علیه صلوات الله به حدی دراین جهت احساس بودند که قابل بیان نیست .

س۶۳۹:اعمالی چون تیغ زدن، زنجیز زدن، قفل بستن به بدن، قلاده بستن، آویزان نمودن سنگ از بدن، عریان شدن درمجالس عزا وغیره که چه بسا توهین به مقدسات وسبک شمردن مجلس عزای اهل بیت علیهم السلام است آیا جایزاست یاخیر؟

ج: هوالعالم،اغلب آنچه اشاره کردید بسیار کار صحیحی است، من از شخص جنابعالی تقاضا می کنم دربعضی ازآن مجالس شرکت کنید ببنید خودتان منقلب می شوید یانه؟ یا رفتن هندی ها را در آتش وسالم بیرون آمدن در موقع عزاداری را ملاحظه نمایید. البته بعضی کارها خلاف هم هست که باید جلوگیری نمود .

س۶۴۰:درمورد عزاداری امام حسین علیه السلام وبرهنه کردن سینه، سینه زدن، برسر زدن، چه می فرمایید؟

ج: هوالعالم،در مورد عزاداری امام حسین علیه السلام به نحو سینه زدن، زنجیز زدن، بر سر وصورت، همه اینها از شعائر مذهبی است وبسیار کار خوبی است بقاء دین به بقاء این شعائر بستگی دارد، ولذا درهمه زمان مانند زمان رضاخان پهلوی که خیال کردند بادین مبارزه کنند اول بامراسم عزاداری امام حسین علیه السلام مبارزه نمودند .

س۶۴۱: گل مالی کردن عزاداران در حال عزاداری، توسط بعضی، چنانچه بعضی ازعزاداران

ناراضی باشند به دلیل گلی شدن لباس یا به دلیل دیگر، جایز است یانه

ج : هوالعالم،اگر راضی نباشند جایز نیست.

س۶۴۲:بعبضی هادرکتاب خود القاء می کنند که؟

((در شیعیان رواج یافته است اکه پشت بام خانه یک علم وپرچم نصب می کنند ودر جلوس های عزاء را همراه دارند ونام این علم را ((علم عباس)) گذاشته اند واز آن خیلی احترام می کنند بااینکه علم عباس هیچ احترام ندارد، علم اگر مقدس بود بایدنامش علم اسلام یاعلم رسول الله گذاشته می شد...))

خلاصه:این شخص درکتابش برای عنوان علم خیلی بحث کرده ودرنهایت علم عباس را از بدعت ها شمرده است.

لطفا بفرمایید: آیاعلم عباس از شعایر حسینی محسوب می شود یا خیر؟

ج: هوالعالم،عزاداری بر امام حسین علیه السلام به تمام معنای کلمه از مستحبات اکیده است وازشعایر مذهبی است وپرچم سیاه که به عنوان اعلام آنکه زمان ومکان آماده است برای عزاداری، نه اینکه بدعت نیست بلکه از شعایر مذهبی است.

س۶۴۳:آیاآنچه ازاموال که درعزای ائمه طاهرین، خاصه اباعبدالله الحسین علیهم السلام مصرف می شود باید خمس باشد یعنی خمس آن پرداخت شده باشد ؟

ج: هوالعالم،درعزای ائمه طاهرین علیهم السلام بایدمال حلال صرف شود، مالکی که تخمیس نشده است صرف آن خلاف است.

س۶۴۴:باتوجه بااینکه پوشیدن لباس سیاه مکروه است بفرمایید: آیا ضرورت دارد درعزای ائمه بپوشیم؟

ج: هوالعالم، سیاه پوشیدن درعزای ائمه علیهم السلام بدون شک مکروه نیست بلکه مستحسن است، من خودم مقیدم به پوشیدن سیاه.

ودر غیر عزادارای هم کراهت پوشیدن سیاه معلوم نیست بلکه در زمان خاصی زمان خلافت بنی عباس چون شعار آنان

پوشیدن سیاه بود نهر شده است، فعلا هیچ اشکال ندارد.

شبیه خوانی

س۶۴۵:در بسیاری ازمناطق، به خصوص روستاها، مراسم شبیه خوانی به اعتبار از سنتهای قدمی است برگزار می شود که گاهی اثر مثبت هم درمردم می گذارد، بفرمایید، این مراسم چگونه است؟

ج: هوالعالم،خوب است چون آنچه مصداق عزاداری حضرات اهل بیت علیهم السلام است توصیه شده است واز شعایر مذهبی است.

س۶۴۶:اجرای تعزیه وشبیه خوانی به خصوص ساختن شبیه ،نعش، حجله حضرت قاسم(ع) گهواره حبضرت علی اصغر (ع)، خیمه امام (ع)...که با صرف هزینه گزاق صورت می گیرد آیا شرعا جایز است یا خیر؟

ج: هوالعالم،خیمه امام (ع) ،حجله، گهواره، واین قبیل امور، در دنیا رسم است، در وقت مجلس عزا گرفتن از این کارها استفاده می شود به نظرمن اشکال ندارد .

س۶۴۷:طبل وشیپور وسنج زدن در تعزیه حضرت سید الشهدا علیه السلام چه حکمی دارد؟

ج: هوالعالم، طبل وشیپور جایز است، صنج خلاف احتیاط است .

نصیحت به عزادار

س۶۴۸:لطفا از باب ((فذکر فاالذکری تنفع المؤمنین)) اعضای هیئت های حسینی را نصیحتی که مفید دنیا وآخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم،از در خانه امام حسین علیهم السلام کنار نروید وبه ایرادلت مخالفین اعتنانکنید. ورعیات موازین شرع راهم بنمایید.

س۶۴۹:باتوجه به اهمیت عزاداری وسفارش اکید ائمه هدی علیهم السلام مبنی بر عزاداری وگریه برمصائب اهل بیت علیهم السلام حضرتعالی چه توصیه ای بر عزاداران در نحوه عمل به این عبادت بزرگ می فرمایید ؟

ج: هوالعالم،همه نوع عزاداری از شعایر است مگر آنکه ازمحرمات داخل شود که اساس را لکه دار می کند. واز آن

بدتر جملات کفرآمیز، وعدم رعایت مقامات عالیه ائمه هدی علیهم السلام واهانت به مقدسات دین است.

عباس عموی پیامبر (ص) ابن عباس

س ۶۵۰:لطفا بفرمایید نظرتان درمورد شخصیت عباس عموی پیامبر ص وفرزندش عبدالله بن عباس چیست؟

ج: هوالعالم،ابن عباس مرد بزرگواری است وروایات در ذم او سه تااست وهر سه آنها همانگونه که شهید فرموده ضعیف است واماعباس، من هرچه فکر کردم که این مرد درایام بعد از پیغمبر ص چراحمایت از صدیقه کبری ننمود وحتی به عیادت اونرفت، فکرم به جایی نرسید من به او عقدیه ندارم واو را آدم خوبی نمیدانم.

مفضل بن عمر ومعاویه ثانی

س ۶۵۱: لطفا بفرمایید نظرتان درمورد شخصیت مفضل بن عمر ومعاویه ثانی پسر یزید چیست؟

ج: هوالعالم،مفضل بن عمر ثقه است ومعاویه بن یزید از مصادیق ((یخرج الحی عن المیت)) است واو دربنی امیه همانند مؤمن آل فرعون در قوم فرعون است.

مسائل دعاها

س ۶۵۲:از دعاها کدام برای نوانیت قلب خوب است ؟

ج: هوالعالم،قران خواندن .

س ۶۵۳:در زیارت عاشورا آمده است ((اللهم العن اباسفیان ومعاویه ویزید بن معاویه...)) سپس در آخر زیارت وارد شده ((وابدابه اولا، ثم العن الثانی والثالث والرابع...)) با اینکه مراد از ((الرابع))معاویه لع است چرانام او صریحا برده نشده است؟

ج: هوالعالم، به واسطه رعایت مشابهت به آن سه نفر. واز جمله بعدی ((اللهم العن یزید خامسا))صریحا استفاده می شود که مراد از ((الرابع)) معاویه لع است.

س ۶۵۴:بعضی در کتاب خود نوشته اند:

((شیعیان حدیث کساء را برای تبرک وتیمن در مجالس ومحافل به روایت حضرت جابر به ترتیب مخصوص می خوانند این حدیث از مجعولات است وبه نیت مروی خواندن نه تنها موجب ثواب نیست بلکه گناه می باشد))

لطفا بفرمایید: حدیث کساء که درآخر مفاتیح الجنان است به این ترتیب خواندن موجب ثواب است یا خیر ؟

ج: هوالعالم، اصل حدیث کساء ازمسلمات است. به خصوص آنچه در آخر مفاتیح است روایت معتبر به آن ترتیب من ندیدم، ولی به مقتضای اخبار ((من بلغ))درمستحباب، روایت ضعیف هم کفایت می کند وپیغمبر صلی اله علیه وآله فرموده است که

((من آن ثواب ها راکه نقل شده میدهم ولو روایت دروغ نقل شده باشد))

نصیحت معنوی

س۶۵۵:خواهشمنداست نصیحتی که مفید دنیا و آخرت همه ماباشد رهنمون شوید ؟

ج : هوالعالم،عمل به واجبات وترک محرمات موجب سعادت دنیا وآخرت است.

س۶۵۶:تقاضا می شود اینجانب وخانواده ام را با نصیحتی که مفید دنیا وآخرت باشد رهنمون شوید؟

ج: هوالعالم، شخصی از رسول خدا صلوات الله علیه چنین تقاضایی کرد

حضرت فرمود: ((مقید به نماز اول وقت باشید))

کیفیت خوابیدن رو به قبله

س۶۵۷:از مستحبات، روبه قبله خوابیدن است، لطفا بفرمایید نحوه روبه قبله خوابیدن چگونه است همانند خوابیدن محتضر یاهمانند خوابیدن میت در قبر؟ آیا نص معتبری در این باب وجود دارد؟

ج: هوالعالم،حاجی نوری ره درکتابش چند روایت نقل می کند: که مستحب است مؤمن، به شکل میت در قبر بخوابد.

ومی نویسد: من روایتی که دلالت کند بر استحباب شکل محتضر ندیدم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹